

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ره‌توشه راهیان نور

ویژه محرم الحرام ۱۴۳۲ق / ۱۳۸۹ش

«فرهنگ‌نامه بصیرت - جنگ نرم»

تهیه و تدوین:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

اداره چاپ و نشر

ره‌توشه راهیان نور محرم‌الحرام ۱۳۸۹ ش - ۱۴۳۲ ق: فرهنگ‌نامه بصیرت، جنگ نرم / تهیه و تدوین اداره چاپ و نشر معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - قم: یاد اندیشه، ۱۳۸۹.

۴۲۴ ص - (متون علمی - آموزشی ویژه مبلغان؛ ۹۲)

ISBN ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۴۶۷ - ۲۸ - ۴: ۴۵۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتاب‌نامه به صورت زیرنویس .

۱. بصیرت - احادیث . ۲. احادیث اخلاقی. ۳. احادیث اهل سنت - قرن ۱۴. ۴.

احادیث شیعه - قرن ۱۴. ۵. جنگ نرم. ۶. دولت‌ستیزی - ایران. ۷. انتخابات - ایران. الف.

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. معاونت فرهنگی و تبلیغی. اداره چاپ و نشر.

۲۹۷/۳۵۵

BP۲۷۵ / الف ۴

۱۳۸۹

ره‌توشه راهیان نور

محرم‌الحرام ۱۴۳۲

تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

اداره چاپ و نشر

ناشر: معاونت فرهنگی و تبلیغی (یاد اندیشه)

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹

شمارگان: ۱۶۰۰۰

بها: ۴۵۰۰ تومان

تلفن: ۰۲۵۱ - ۷۱۱۶۰ - ۰۲۵۱ - ۷۷۴۳۱۷۶ - ۰۲۵۱

درگاه وبسایت‌های معاونت فرهنگی و تبلیغی: www.balagh.ir

پست الکترونیک: info@balagh.ir

تمامی حقوق © محفوظ است.

Printed in the Islamic Republic of Iran

حضرت امام خمینی (قدس سره):

با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد. ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد. ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطله بر جبهه ستم‌کاران و حکومت‌های شیطانی زد. ماهی که به نسل‌ها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سرنیزه آموخت. ماهی که شکست ابرقدرت‌ها را در مقابل کلمه حق، به ثبت رساند. ماهی که امام مسلمین، راه مبارزه با ستم‌کاران تاریخ را به ما آموخت.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی):

حقاً باید گفت که نه فقط ما انسان‌های خاکی حقیر و ناقابل، بلکه همه عوالم وجود، ارواح و اولیا و بزرگان و فرشتگان مقرب، محتاج پرتوی از نور اویند و در تمام عوالم تودرتوی وجود، که برای ما روشن و آشنا هم نیست، نور مبارک حسین بن علی علیه السلام مثل خورشید می‌درخشد. اگر انسان خود را در پرتو این خورشید قرار دهد، این کار بسیار برجسته است.

فهرست مطالب

مقدمه	۹
پیشگفتار	۱۱
درآمد	۱۵
واژه‌شناسی «بصیرت»	۱۵
بصیرت، در قرآن و حدیث	۱۶
۱. همتایان بصیرت، در مفهوم	۱۸
۲. بینای مطلق	۱۹
۴. خاستگاه‌های بصیرت	۲۱
۶. برکات افزایش نیروی بصیرت	۲۲
الفصل الأول: البصيرة القلبية	۲۳
الفصل الثاني: الحث على البصيرة	۲۵
قيمة البصيرة	۲۸
الفصل الثالث: مبادئ البصيرة	۳۳
کتابُ الله	۳۴
الإسلام	۳۶
الفصل الرابع: ما ينمي البصيرة	۳۹
التَّعَلُّقُ	۴۱
التَّعَلُّمُ	۴۳
الاعتبارُ	۴۴
التَّقْوَى	۴۶
ذکرُ الله	۴۷
الإخلاصُ	۵۰
الزُّهْدُ	۵۱

۵۲	قبولُ النصیح.....
۵۳	الجوع.....
۵۴	الدُّعاء.....
۵۷	الفصل الخامس: آثار البصيرة.....
۵۸	الإيمان.....
۶۱	الإعتبار.....
۶۳	توضیحی درباره اینکه بصیرت، حاصل عبرت آموختن است یا عامل آن؟.....
۶۴	آثار بصیرت.....
۶۵	الفطنة تیزهوشی.....
۶۶	صَلاحُ السَّرَائِرِ درستی درونها.....
۶۹	الفصل السادس: أهل البصيرة.....
۷۴	الدُّعاءُ لِأهلِ البصيرةِ دعا برای اهل بصیرت.....
۷۷	الفصل السابع: فقد البصيرة.....
۷۸	ذمُّ فاقِدِ البصيرةِ نکوهشِ شخصِ بی بصیرت.....
۸۰	مَضارُّ فَقْدِ البصيرةِ زیانهای بی بصیرتی.....
۸۴	ج - الرِّياءُ.....
۸۷	الفصل الثامن: موانع البصيرة.....
۸۷	إتباعُ الهوى پیروی از هوای نفس.....
۸۸	الرَّغْبَةُ فی الدُّنیا گرایش به دنیا.....
۹۰	الامل.....
۹۲	غفلتُ العَفَلَةُ.....
۹۳	الحُبُّ والبُغْضُ.....
۹۴	تَرَكَ العَمَلَ بِالْعِلْمِ.....
۹۴	اللِّجَاجُ.....
۹۴	تِلْكَ الخِصَالُ.....
۹۹	منابع و مآخذ.....

مقدمه

اگر حسین علیه السلام از ما بود

در تمام زمین برای او منبر و پرچم برمی افراشتیم

و مردم را با نام «حسین» به مسیحیت فرامی خواندیم.

(انتوان بارانویسنده مسیحی کتاب «حسین در اندیشه مسیحی»)

تأثیر عمیق و همه جانبه‌ای که از موضوع شهادت سالار شهیدان و سید مظلومان عالم حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه السلام در عالم و آدم پدید آمده است و هر سال با فرا رسیدن سالروز شهادت او و یارانش تجدید می‌شود و به اوج می‌رسد از سرمایه‌های گران و بزرگی است که با بهره‌مندی و تکیه بر این موضوع بی‌بدیل می‌توان به انتقال ارزش‌ها، مفاهیم و آموزه‌های جانبخش الهی و اصلاح و تغییر رفتار مردم در مسیر تعالی و رشد جامعه پرداخت.

رشد یافتگی ما در امر خطیر تبلیغ آن است که سرمایه‌هایی چنین شگفت و پایان ناپذیر را به درستی بشناسیم و با حفظ و پاسداشت از آن‌ها و جلوگیری از پیرایه‌هایی که بدان‌ها بسته می‌شوند آن‌ها را فرصت‌هایی استثنایی و ذخائری الهی برای انجام هرچه بهتر پیام‌رسانی و اصلاح جامعه بدانیم.

سالیانی است با فرارسیدن هر کدام از این مناسبات محوری و همزمان با عزیمت خیل عظیم مبلغان ارجمند به سراسر کشور اسلامی ره‌توشه‌ای برای ایجاد سمت و سویی هماهنگ و تعمیق هر چه بیشتر محتوای تبلیغ فراهم می‌آید و در اختیار فضایی ارجمند و عزیزان روحانی قرار می‌گیرد.

آنچه در این ره‌توشه و در دو مجلد در اختیار شماست حاوی موضوعاتی از قبیل: قرآن و امام‌حسین علیه السلام، امر به معروف و نهی از منکر، عاشورا در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی، آموزه‌های اخلاقی - اجتماعی در نهضت حسینی، بصیرت‌نامه و جنگ نرم می‌باشد.

از تهیه کنندگان این مجموعه بویژه حضرت آیت‌الله محمدی ری‌شهری که با نگارش بصیرت‌نامه و حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین آقای قرائتی که با در اختیار گذاردن مقاله امام حسین علیه السلام و ده درس

پیرامون امر بمعروف و نهی از منکر و همچنین مؤسسه فرهنگی اجتماعی صدرا که با تهیه متن متینی پیرامون جنگ نرم در غنای ره‌توشه محرم امسال مساعدت نمودند صمیمانه سپاسگذاری می‌نمایم و برای همکار پرتلاش جناب آقای نورالهی مسئول محترم اداره چاپ و نشر معاونت آرزوی توفیق از درگاه الهی دارم.

در پایان ضمن عطف توجه به حوادث گذشته و شرائط جاری در کشور و جهان ضروری است مبلغان محترم مخاطبان خویش را با بهره‌مندی از منابع اصیل اسلامی و آموزه‌های ناب قرآنی و حدیثی و ارشادات دقیق رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی به زمان‌شناسی، بصیرت در دین و مقابله همه جانبه با جنگ نرم دشمنان فراخوانند و ضمن پرهیز از التهاب و تحفظ بر وحدت آنان را نسبت به آنچه برای تحقق اهداف بلند انقلاب در پیش داریم متوجه و آگاه نمایند.

احمد زاده‌هوش

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

پیشگفتار

فرهنگ‌نامه، کتابی است که در آن، دانش، فرهنگ^۱ و حکمت باشد و فرهنگ‌نامه بصیرت، قطره‌ای از دریای بیکران علوم و معارف ناب اسلامی و مدخلی^۲ دیگر از دانش‌نامه قرآن و حدیث است که به صورت مستقل، منتشر می‌شود. در این دانش‌نامه، واژه‌ها و اصطلاحاتی که در قرآن و احادیث، کاربرد فرهنگی گسترده‌ای دارند، به ترتیب الفبایی، با نظمی نوین و با ذکر نمونه کاربردها (شواهد)، معناشناسی و تحلیل و تبیین می‌گردند. در لابه‌لای این دانش‌نامه، برخی مدخل‌ها، از کاربرد فرهنگی ویژه و بسامد استفاده بالایی برخوردارند. بدین معنا که عموم مسلمانان و یا گروه‌های خاصی از آنان، به صورت شبانه‌روزی و گسترده، با آنها، سر و کار دارند. از این رو، به منظور تصحیح و تقویت فرهنگ عمومی جوامع اسلامی، ضروری است معارف مربوط به این گونه واژه‌ها و اصطلاحات، به صورت «کتاب همراه» و «کتاب راهنما»، در اختیار همگان قرار گیرد.

با این نگاه، مدخل‌هایی از این دست - که گفتیم - ، به صورت کتاب‌هایی مستقل و در اندازه‌هایی که حمل و مطالعه آن آسان باشد، در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرند.

گفتنی است که تأکید اخیر مقام معظم رهبری بر ضرورت تقویت «بصیرت»^۳ در فضای کنونی جامعه، ایجاب می‌نماید که بدین منظور، رهنمودهای جامع و سازنده قرآن و اهل بیت‌علیهم‌السلام درباره بصیرت، در اختیار همه علاقه‌مندان (بویژه نسل جوان و نخبگان) قرار گیرد. ایشان در این باره فرمودند:

ملت‌ی که بصیرت دارد، [و مجموعه جوانان کشور، وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند.... بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند... [و] به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان، و لو با تبت خوب، گاهی در راه بد، قدم

۱. فرهنگ: علم؛ دانش؛ ادب؛ تربیت؛ پدیده کلی پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام، شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است (ر.ک: لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ معین و فرهنگ بزرگ سخن).

۲. در دانش‌نامه‌ها، به هر واژه اصلی که توضیحی (مقاله‌ای) در ذیل خود دارد، «سرواژه» یا «مدخل» می‌گویند. به مجموع سرواژه و توضیح، بر روی هم، نیز «مدخل» گفته می‌شود (ر.ک: فرهنگ بزرگ سخن).

۳. بصیرت: آگاهی؛ دانایی؛ بینش؛ ژرف‌نگری؛ روشن‌بینی.

می‌گذارد. شما در جبهه جنگ، اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید، اگر قطب‌نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می‌کنید [و] می‌فهمید در محاصره دشمن قرار گرفته‌اید؛ راه را عوضی آمده‌اید؛ دشمن [دارد] بر شما مسلط می‌شود. این قطب‌نما، همان بصیرت است.

در زندگی پیچیده اجتماعی امروز، بدون بصیرت، نمی‌شود حرکت کرد. جوان‌ها باید فکر کنند، بیندیشند، [و] بصیرت خودشان را افزایش بدهند... متعهدان موجود در جامعه ما...، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله بصیرت، اهمیت بدهند: بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و... بصیرت، یعنی این که بدانید چه می‌خواهید، تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید...

جوانان عزیز! هر چه می‌توانید، در افزایش بصیرت خود، [و] در عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید دشمنان، از بی‌بصیرتی ما استفاده کنند.^۱

بی تردید، یکی از مهم‌ترین رازهای شکست حکومت امام علی علیه السلام، سوء استفاده دشمنان از بی‌بصیرتی هواداران ایشان بود، در گزارشی آمده که امام در این باره می‌فرمایند:

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، مُنِيَتْ مِنْكُمْ بَثْلَاثٌ وَ اثْنَتَيْنِ: صُمُّ دَوُوْ أَسْمَاعِ، وَ بُكْمٌ دَوُوْ كَلَامِ، وَ عُمِيٌّ دَوُوْ أَبْصَارِ، لَا أَحْرَارٌ صِدْقٍ عِنْدَ اللَّقَاءِ، وَ لَا إِخْوَانٌ ثِقَّةٍ عِنْدَ الْبَلَاءِ.

ای کوفیان! من به سه خصلت [که در شما هست] و دو خصلت [که در شما نیست]، گرفتار آمده‌ام: گوش دارید، اما گریه، و زبان دارید، اما لالید، و چشم دارید، اما کورید. [و اما آن دو خصلتی که ندارید:] نه هنگام دیدار، آزاد مردانی هستید صادق، و نه به گاه سختی، برادرانی مورد اعتماد.^۲

بر پایه این سخن، جامعه‌ای که از بصیرت لازم برخوردار باشد، نه تنها حق را می‌بیند و باطل را در چهره‌های گوناگون تشخیص می‌دهد، بلکه عملاً از حق، جانبداری می‌کند و از پیشوایان حق، اطاعت می‌نماید. چنین جامعه و مردمی، با رهبران الهی، صادقانه رفتار می‌کنند و در عوض، در سختی‌ها و مشکلات، مورد اعتماد آنها می‌شوند و در دام دشمنان قرار نمی‌گیرند.

۱. سخنان مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه‌ای - مدظله - در جمع مردم چالوس و نوشهر، به تاریخ

۱۳۸۸ / ۷ / ۱۵.

۲. ر.ک: ص ۱۰۸ ح ۱۳۲.

اما مردمی که امام علی علیه السلام بر آنها، حکومت می‌کرد به دلیل آن که فاقد بصیرت بودند، به سادگی در دام دشمن می‌افتادند، آنها نمی‌توانستند چهره روشن و زیبای حق را مشاهده کنند. از این رو، نه از حق، جانبداری می‌کردند و نه از امام خویش فرمانبری داشتند. با امام خود، یک‌رنگ نبودند و امام نیز نمی‌توانست در بحران‌ها به آنها اعتماد کند.

این گونه بود که حکومت امام علی علیه السلام، در اثر بی‌بصیرتی یاران ایشان و مردم آن دوران، شکست خورد و در تاریخ اسلام، حکومت دیگری که در ساختار، اندک شباهتی به آن داشته باشد، پدید نیامد، تا پس از قرن‌ها تلاش و مجاهدت، به برکت رهبری امام خمینی رحمه الله، در جامعه ایرانی، بصیرتی پدید آمد که در پرتو آن، مردم، حق را دیدند و با نهایت صداقت، از پیشوای خویش اطاعت و از حق، جانبداری کردند و امام رحمه الله با اعتماد به خدا و همراهی چنین مردمی توانست انقلاب اسلامی را در ایران، به پیروزی برساند، مردمی که در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود، در باره آنها فرموده است:

من با جرئت، مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر، بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه وآله و کوفه و عراق در عهد امیر المؤمنین و حسین بن علی - صلوات الله و سلامه علیهما - می‌باشند.^۱

بدین‌سان، انقلاب بزرگ و شکوهمند اسلامی، در ایران، تحقق یافت و با الهام گرفتن از الگوی حکومت علوی، به شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی انجامید.

بی تردید، تثبیت نظام جمهوری اسلامی در ایران، محصول بصیرت جامعه ایرانی و تلاطم این نظام نیز در گرو بصیرت اکثریت قاطع این مردم است، و هدف مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای از تأکید بر ضرورت برنامه‌ریزی برای افزایش بصیرت همگان و بویژه نسل جوان، چیزی نیست جز ادامه یافتن این راه، تا روزی که پرچم جمهوری اسلامی، به دست صاحب اصلی آن، حضرت بقیه الله الأعظم - ارواحنا فداه و عجل الله فرجه - داده شود و البته آن روز نیز، عنصر اصلی در جهانی شدن اسلام و ارزش‌های اسلامی، «بصیرت» خواهد بود. امام علی علیه السلام، بر پایه آنچه در نهج البلاغه آمده، با اشاره به آن روز، چنین می‌فرماید:

... حَتَّى إِذَا اخْلُوقَ الْأَجَلُ، وَ اسْتَرَا حَ قَوْمٌ إِلَى الْفِتَنِ، وَ أَشَالُوا عَنْ لِقَاحِ حَرْبِهِمْ، لَمْ يَمُنُّوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ، وَ لَمْ يَسْتَعْظِمُوا بَدَلَ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ، حَتَّى إِذَا وَافَقَ وَارِدُ الْقَضَاءِ انْقِطَاعَ مُدَّةِ الْبَلَاءِ، حَمَلُوا بِصَائِرِهِمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ، وَ دَانُوا لِرَبِّهِمْ بِأَمْرِ وَعَظْمِهِمْ.

... تا آن که پایان مهلت، نزدیک می‌شود و گروهی آسایش خویش را در آشوب می‌جویند و در پیجویی فتنه، تخم جنگ می‌افشانند. [در این حال، آن ره‌یافتگان روشن‌بین و صاحب بصیرت،] به خاطر شکیبایی خود [در پیکار با باطل]، بر خدا متّی نمی‌نهند، و جان‌فشانی‌های خویش را در راه حق، بزرگ نمی‌پندارند تا آن که چون قضای الهی به تمام شدن مدّت بلا و آزمایش تعلق گیرد، [بصیرت] بینش‌های خود را بر سر شمشیران می‌نهند [و بصیرت خود را پشتوانه سلاح و قدرت خود قرار می‌دهند] و به فرمان اندرزگوی خویش^۱ مطیع پروردگار خود می‌گردند.^۲

امید آن که همگان، بویژه نخبگان، برای زمینه‌سازی آن روز، به مسؤلیت الهی خود عمل کنند، تا هر چه زودتر، آن روز موعود، فرا رسد.

باری، فرهنگ‌نامه بصیرت، گامی کوتاه در راه فرهنگ‌سازی «بصیرت» و زمینه‌سازی برای جامعه مهدوی است. در این فرهنگ‌نامه، مسائل مهمی مانند: واژه‌شناسی بصیرت، تعریف بصیرت، ارزش بصیرت، خاستگاه‌های بصیرت، عوامل افزایش بصیرت، آثار بصیرت، زبان‌های فقدان بصیرت و موانع بصیرت، از نگاه قرآن و حدیث، ارائه می‌گردد.

شایان ذکر است که متن آیات و روایات این مجموعه، با همکاری محققان پژوهشکده علوم و معارف حدیث گردآوری شده است که از ایشان و دیگر همکارانی که در «پژوهشکده علوم و معارف حدیث»، در ساماندهی این اثر سهیم بوده‌اند، و نیز مترجم گران‌قدر، آقای حمیدرضا شیخی - که با ترجمه روان و زیبایی خود، فهم آیات و احادیث این فرهنگ‌نامه را برای پارسی‌زبانان میسر ساخت -، صمیمانه سپاس‌گزارم و از خداوند منّان، برای آنان پاداشی فراوان و درخور فضل و کرامتش، مسئلت دارم.

ربّنا! تقبّل منّا؛ إنّک أنت السميع العليم.

محمدی ری شهری

۲۸ مهر ماه ۱۳۸۸

اول ذی قعدة ۱۴۳۰

۱. گفتنی است که برخی شارحان نهج البلاغة، به قرینه جملات بعدی خطبه، مقصود از «اندرزگو» را «پیامبر صلی الله علیه و آله» گرفته‌اند؛ لیکن به نظر می‌رسد که آن جملات، بخش دیگری از سخنان امام‌علیه السلام است که توسط سیّد رضی، انتخاب و تقطیع شده و بلافاصله پس از بخش مورد نظر ما قرار گرفته است و همان طور که در منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (ج ۹ ص ۱۳۲) آمده و به قرینه عنوان خطبه، مقصود، حضرت بقیة الله الأعظم امام مهدی - ارواحنا فداء - است.

۲. ر.ک: ص ۱۰۰ ح ۱۲۱.

درآمد

واژه‌شناسی «بصیرت»

واژه «بصیرت»، از ماده «بصر» است که، دو معنای اصلی دارد: یکی، علم و دیگری، درستی، سختی و خشونت. در این جا، معنای نخست مقصود است. /حمد بن فارس، در این باره می‌گوید:

باء و صاد و راء (بصر)، دو معنای اصلی را تشکیل می‌دهند: یکی، عبارت است از علم به چیزی. گفته می‌شود: «هُوَ بَصِيرٌ بِهِ» یعنی: او به آن چیز، داناست... بصیرت، به معنای سپر است و به معنای برهان هم آمده است. اصل همه اینها، روشن بودن چیزی است... اما معنای اصلی دوم، درستی [و ژمختی] است. از همین معناست «بَصْرٌ» که عبارت از دو چرم را بر هم دوختن است، چنان که کناره پارچه، دوخته می‌شود.^۱

این منظور، «بصر» و «بصیرت» را چنین معنا کرده است:

بَصْرٌ، یعنی چشم؛ اما [بر خلاف «عین»] مذکر است. گفته شده: بصر، عبارت از حواس دیدن است. بصیرت، یعنی حجت... بَصْرٌ، یعنی نفوذ در دل. «بَصَرَ الْقَلْبَ»، به نگاه و خطور آن می‌گویند و بصیرت، یعنی عقیده قلبی... بصیرت، یعنی هوش... «فَعَلَ ذَلِكَ عَلَى بَصِيرَةٍ»، یعنی از روی قصد و آگاهی و «عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ»، یعنی از روی غیر یقین... «عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكُمْ وَ يَقِينٌ»، یعنی: «با داشتن شناخت و یقین در کار شما... بصیرت، یعنی عبرت... بَصْرٌ، یعنی علم. «بَصْرْتُ بِالشَّيْءِ»، یعنی: «آن چیز را دانستم... و بصیر، به معنای «عالم» است.^۲

راغب اصفهانی، در توضیح معنای «بصر» و «بصیرت» می‌گوید:

بَصْرٌ، به عضو بینایی... و به نیرویی که در آن است، گفته می‌شود. به نیروی ادراک کننده قلب هم «بصیرت» و «بَصْرٌ» می‌گویند... و به عضو بینایی، کمتر بصیرت گفته می‌شود. در صورت

۱. معجم مقاییس اللغة: ج ۱ ص ۲۵۳ و ۲۵۴ «بصر».

۲. لسان العرب: ج ۴ ص ۶۴ و ۶۵ «بصر».

اوّل (دیدن با چشم)، «أَبْصَرْتُ» می‌گویند. و در صورت دوم: «أَبْصَرْتُهُ» و «بَصُرْتُ بِهِ». در صورت دیدن با حواس بینایی، چنانچه با رؤیت قلبی همراه نباشد، به ندرت گفته می‌شود: «بَصُرْتُ»^۱.

بررسی آنچه در تبیین معنای بصیرت آمده،^۲ نشان می‌دهد که این واژه، در معانی گوناگونی به کار رفته است؛ مانند: دانش، بینش دل، نور دل، آگاهی، زیرکی، هوشیاری، برهان، عبرت و اعتقاد صحیح دینی. اما همه این معانی، در واقع - همان طور که ابن فارس گفته - به معنای اوّلیه ماده بصیرت، باز می‌گردند. حتّی اطلاق «بصر» به چشم نیز بدان جهت است که چشم، یکی از مهم‌ترین راه‌های تحصیل علم و معرفت است.

گفتنی است که هر چند بصیرت، در اصل به معنای علم است؛ لیکن باید توجه داشت که هر علمی، بصیرت نیست و هر عالمی، بصیر نامیده نمی‌شود؛ بلکه این واژه، حاکی از نوعی احاطه علمی و آینده‌نگری است.^۳

بصیرت، در قرآن و حدیث

در قرآن کریم، مشتقات «بصر»، ۱۴۸ بار و واژه «بصیرت»، دوبار تکرار شده است. به طور کلی، واژه «بصر» در متون اسلامی، گاه در باره بینایی ظاهری و حسّی، و گاه در باره بینایی باطنی و عقلی به کار می‌رود.

به تعبیر دیگر، مردم از نظر بینش، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اوّل، دیده عقل آنها نزدیک‌بین است، آینده خود و جهان را نمی‌بینند و ادراکات آنها در محسوسات خلاصه می‌شود و به تعبیر زیبای قرآن:

﴿يَعْلَمُونَ ظَهْرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَفْلُونَ﴾^۴

۱. مفردات ألفاظ القرآن: ص ۱۲۷ «بصر».

۲. ر.ک: دانش‌نامه جهان اسلام: ج ۳ ص ۴۸۴ «بصیرت»، دائرة المعارف قرآن کریم: ج ۵ ص ۵۷۳ «بصیرت».

۳. بر پایه برخی از پژوهش‌ها، واژه بصیرت، در فرهنگ‌های مختلف، بیش از سی معنا را به خود اختصاص داده که موضوع آینده و آینده‌نگری در میان بیشتر آنها مشترک است. همچنین، بررسی سیر تاریخی این واژه، نشان می‌دهد که این واژه، از زبان سانسکریت و از شرق به غرب رفته است. وجوه اشتراک فرهنگی این واژه، در شرق و غرب فراوان است که مهم‌ترین آنها، آینده‌نگری و تفاوت اصلی در چگونگی آن است. اولیای خدا، در جستجوی شهود معنوی از طریق بصیرت‌اند، در حالی که رهبران و مدیران، در جستجوی بصیرتی هستند که آینده سازمان خود را با موفقیت، قرین سازند. ر.ک: مقاله «بصیرت در رهبری و مدیریت اسلامی»، محمد ازگلی.

۴. روم: آیه ۷.

از زندگی دنیا، ظاهری را می‌شناسند، حال آن که از آخرت غافل اند.^۱
این دسته، هر چند به ظاهر بینا هستند؛ ولی در فرهنگ قرآن و حدیث، کور محسوب می‌شوند.
برپایه گزارشی، امام علی علیه السلام در یکی از سخنرانی‌های خود در مدینه، به این نکته مهم، این
گونه اشاره فرموده است:

مَا كُلُّ ذِي قَلْبٍ بَلِيْبٍ، وَلَا كُلُّ ذِي سَمْعٍ بِسَمِيْعٍ، وَلَا كُلُّ نَاطِرٍ بِبَصِيْرٍ.^۱

نه هر که دلی دارد خردمند است، و نه هر که گوشی دارد نیک شنونده است، و نه هر که
دیده‌ای دارد بیننده است.

دسته دوم، جامع‌نگر و واقع‌نگرند؛ هم نزدیک را خوب می‌بینند و هم دور را. ادراکات آنها، در محسوسات
خلاصه نمی‌شود؛ هم خانه دنیا را می‌بینند و هم خانه آخرت را. در فرهنگ قرآن و حدیث، این دسته از
مردم، بصیر و بینا نامیده می‌شوند.

بر پایه روایتی، امام علی علیه السلام، این دو دسته از مردم را این گونه معرفی نموده است:

إِنَّمَا الدُّنْيَا مُنْتَهَى بَصَرِ الْأَعْمَى، لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَرَاءَهَا شَيْئًا، وَالْبَصِيْرُ يَنْفُذُهَا بَصْرُهُ، وَ يَعْلَمُ
أَنَّ الدَّارَ وَرَاءَهَا. فَالْبَصِيْرُ مِنْهَا شَاخِصٌ، وَالْأَعْمَى إِلَيْهَا شَاخِصٌ، وَالْبَصِيْرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ، وَ
الْأَعْمَى لَهَا مُتَزَوِّدٌ.^۲

همانا دنیا، واپسین دیدرس انسان کور[دل] است و در فراسوی آن، چیزی نمی‌بیند؛ اما بینشور،
نگاهش از دنیا فراتر می‌رود و می‌داند که سرا [ی حقیقی] در ورای این دنیا است. پس بینشور،
از دنیا دل و دیده بر می‌گیرد و کور[دل] به آن می‌نگرد. بینشور، از آن توشه بر می‌گیرد و
کور[دل]، برای آن توشه فراهم می‌آورد.

بنابراین، بصیرت و بینایی حقیقی در فرهنگ قرآن و حدیث، به معنای جامع‌نگری و آینده‌نگری علمی
و عملی است و کسانی «بصیر» نامیده می‌شوند که در پرتو بینش صحیح، در جهت تأمین منافع مادی و
معنوی، و دنیا و آخرت خود، حرکت کنند. همه آیات و روایاتی که در این بخش در باره دیده بصیرت، ارزش

۱. نهج البلاغه: خطبه ۸۸، الکافی: ج ۸ ص ۶۴ ح ۲۲، الإرشاد: ج ۱ ص ۲۹۲، بحار الأنوار: ج ۳۲ ص ۴۳ ح ۲۸.

۲. رک: ص ۸۲ ح ۹۸.

بصیرت، عوامل تقویت بصیرت، مبادی، آثار و موانع آن آمده است، تعریف یاد شده را تأیید می‌نمایند. پیش از ملاحظه آیات و روایات مربوط، به این نکات توجه فرمایید:

۱. همتایان بصیرت، در مفهوم

در قرآن و روایات اسلامی، واژه‌هایی وجود دارند که می‌توان گفت که معادل واژه بصیرت‌اند و یا بسیار نزدیک به آنند؛ مانند:

الف - یقظه

یکی از واژه‌های معادل بصیرت، «یقظه» است. در این باره، از امام علی علیه السلام نقل شده:

الْيَقِظَةُ اسْتِیْصَارٌ.^۱

یقظه (بیداری)، بصیرت یافتن است.

و در روایتی دیگر از ایشان، در معرفی اهل بصیرت، آمده است:

فَاسْتَصْبَحُوا بِنُورٍ يَقِظَةُ فِي الْأَبْصَارِ وَالْأَسْمَاعِ وَالْأَفْئِدَةِ.^۲

پس بدین سبب، چشم‌ها و گوش‌ها و دل‌هایشان، از نور بیداری روشن گردید.

ب - نور

همتای دیگر بصیرت، نور است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَءَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ وَ يَجْعَل لَّكُمْ

نُورًا تَمْشُونَ بِهِ.^۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش،

شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن، راه سپرید.﴾

ج - فرقان

یکی دیگر از واژه‌های بسیار نزدیک به مفهوم بصیرت، واژه «فرقان» است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا.^۴

۱. غرر الحکم: ح ۱۷۶.

۲. رک: ص ۱۰۰ ح ۱۲۲.

۳. حدید: آیه ۲۸.

۴. انفال: آیه ۲۹.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از خدا پروا کنید، برای شما فرقانی (نیروی جدا کننده حق از باطل) قرار می‌دهد.^۱

همچنین در بسیاری از روایات، واژه‌های دیگری همچون: عقل،^۲ معرفت، علم و حکمت^۳ نیز در معنای بصیرت به کار رفته‌اند.

۲. بینای مطلق

در نوزده آیه از قرآن، خداوند متعال، با صفت بینایی، توصیف شده است.^۴ این صفت، حاکی از احاطه علمی و ذاتی آفریدگار بر همه چیز است. لذا برخی از روایات، بصیر را از صفات ذات خداوند دانسته‌اند. بنا بر این، بینای مطلق اوست و همه چیز، بینایی را از او دریافت می‌کنند^۵ و هر کس به او نزدیک‌تر باشد، از بصیرت و بینش بیشتری برخوردار خواهد بود.

۳. معنای دیده بصیرت

از منظر قرآن، در باطن انسان، شعور مرموزی وجود دارد که با الهام فطری الهی، می‌تواند خوب را از بد، و حق را از باطل تشخیص دهد. متن سخن خداوند متعال در این باره، چنین است:

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا.^۶﴾

سوگند به نفس و آن که آن را درست کرد! سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن، الهام کرد.^۷

در روایتی از امام صادق علیه السلام، این الهام فطری، چنین تفسیر شده است:

أَي عَرَفَهَا وَالْهَمَهَا، ثُمَّ خَيْرَهَا فَاخْتَارَتْ.^۸

یعنی به آن شناساند و الهام فرمود. سپس، او را مخیر ساخت و او انتخاب کرد.

۱. ر.ک: دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۱ ص ۱۷۵ (پژوهشی در باره معنای خرد).

۲. ر.ک: دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۲ ص ۲۴۷ (پژوهشی در باره معنای دانش).

۳. ر.ک: دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۵ ص ۳۶۹ فصل نهم: بصیر.

۴. دریافت عقل از خدا - که در شماری از روایات آمده -، اشاره به این معناست. ر.ک: دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج

۱ ص ۴۲۶ پاورقی ۱.

۵. شمس: آیه ۸ - ۷.

۶. ر.ک: ص ۴۲ ح ۲۳.

و در حدیث دیگری از ایشان، آمده است که در باره الهام فجور و تقوا می‌فرماید:

عَرَفَهُ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ.^۱

حق و باطل را به او شناساند.

و نیز در تفسیر آیه ﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾؛ و دو راه را به او نشان دادیم^۲، از ایشان روایت شده:

نَجْدَ الْخَيْرِ وَ نَجْدَ الشَّرِّ.^۳

[یعنی: راه نیکی و راه بدی را [نشان دادیم].

دیده بصیرت، در واقع، همان شعور فطری مرموز و ادراک باطنی موجود در باطن انسان است که قدرت تشخیص نیک و بد، خیر و شر، و حق و باطل را دارد و او را به آینده‌نگری و پیروی از حق و دوری گزیدن از باطل، دعوت می‌نماید.

این شعور و ادراک، در ابتدای زندگی، به صورت استعداد و اجمال، در نهاد همه انسان‌ها وجود دارد و به تدریج، شکوفا می‌شود. شکوفایی این شعور، شکوفایی انسانیت است و فلسفه بعثت انبیای الهی، چیزی جز رشد و بالندگی و شکوفایی انسانیت و سازندگی جامعه مطلوب انسانی نیست.

با بهره‌گیری از برنامه انبیا در تقویت ادراکات باطنی، قدرت دیده بصیرت، به تدریج، افزایش می‌یابد تا آن جا که حقایق معقول، به صورت محسوس برای انسان قابل رؤیت می‌گردند، چنان که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که می‌فرماید:

مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ فِي وَجْهِهِ عَيْنَانِ يُبْصِرُ بِهِمَا أَمْرَ الدُّنْيَا، وَ عَيْنَانِ فِي قَلْبِهِ يُبْصِرُ بِهِمَا أَمْرَ الآخِرَةِ، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ فَتَحَ عَيْنَيْهِ اللَّتَيْنِ فِي قَلْبِهِ، فَأَبْصَرَ بِهِمَا مَا وَعَدَهُ بِالْغَيْبِ، فَأَمَّنَ بِالْغَيْبِ عَلَى الْغَيْبِ.^۴

هیچ بنده‌ای نیست، مگر آن که دو چشم در چهره‌اش دارد که با آنها، امور دنیا را می‌بیند و دو چشم در دلش که با آنها امور آخرت را مشاهده می‌کند. پس هر گاه خدا، خیر بنده‌ای را بخواهد، دو چشمی را که در دل اوست، می‌گشاید و او با آنها، آنچه را خداوند در عالم غیب

۱. رک: ص ۴۴ ح ۲۴.

۲. بلد: آیه ۱۰.

۳. رک: ص ۴۲ ح ۲۲.

۴. رک: ص ۲۸ ح ۲.

وعده‌اش را داده است، می‌بیند و به وسیله غیب (دو چشم دل) به غیب (به غیب بر روی غیب)، ایمان می‌آورد.

بدیهی است که خواست خداوند حکیم در باره باز شدن دیده بصیرت شماری از انسان‌ها، گزاف نیست؛ بلکه به مقتضای نظام حکیمانه آفرینش، دیده بصیرت کسانی باز شده، تقویت می‌گردد که در جهت شکوفایی ادراکات باطنی خود، حرکت کرده باشند.

۴. خاستگاه‌های بصیرت

بر پایه آنچه در تبیین معنای بصیرت ارائه شده، خاستگاه بصیرت، مشابه خاستگاه علم، معرفت و حکمت است، همان گونه که عوامل و موانع آن نیز با اسباب و آفات عناوین یاد شده، مشابهت دارند. لذا برای تکمیل مباحث مربوط به بصیرت، ملاحظه بخش قابل عمده‌ای از آیات و روایات مرتبط با معرفت‌شناسی،^۱ ضرور است. اما آنچه را در این بخش، با عنوان «خاستگاه‌های بصیرت» مطرح شده، می‌توان به خاستگاه درونی و بیرونی بصیرت، تقسیم کرد:

خاستگاه درونی بصیرت، عبارت است از نیروی باطنی قادر بر تشخیص حق و باطل، و خیر و شر. خاستگاه بیرونی بصیرت، خود دو گونه است: گونه اول، شامل رهنمودها و برنامه‌هایی که ریشه در قرآن و تعالیم انبیا دارند و موجب شکوفایی فطرت بصیرت می‌شوند؛

گونه دوم نیز امدادهای غیبی الهی که در نتیجه اجرای تعالیم انبیا در زندگی، موجب تقویت نیروی بصیرت می‌گردند و بر این اساس، خاستگاه‌های بصیرت، در فصل سوم، در ذیل عناوین فطرت (سرشت)، کتاب خدا، اسلام و توفیق، خلاصه شده است.

۵. عوامل تقویت دیده بصیرت

عوامل تقویت بصیرت، دو دسته‌اند: عوامل علمی و عوامل عملی.

به سخن دیگر، بر پایه رهنمودهای انبیای الهی، شکوفایی فطرت بصیرت، هم به مجاهدت علمی نیاز دارد و هم به مجاهدت عملی. متونی که در فصل چهارم، با عناوین: تفکر، تعقل، تعلم و اعتبار آمده‌اند، به نقش اندیشه و تلاش‌های علمی، در تقویت دیده بصیرت، اشاره دارند و متونی که با عناوین: پرهیزگاری، یاد خدا، اخلاص، زهد و... آمده‌اند، به نقش تلاش‌های عملی در این باره، اشاره می‌نمایند. جالب توجه این که همه این عوامل، در این آیه شریف، خلاصه شده‌اند:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا.^۲

۱. ر. ک: جلد ۳، ۲، ۱، دانش‌نامه عقاید اسلامی.

۲. عنکبوت: آیه ۶۹.

و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین، راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم.

۶. برکات افزایش نیروی بصیرت

بر پایه آنچه گذشت، به میزان مجاهدت‌های علمی و عملی انسان، بینش باطنی، افزایش می‌یابد و سالک، در نخستین گام، کاستی‌های درونی خود را بهتر می‌بیند، زیرکی، آینده‌نگری، شجاعت و سایر کمالات انسانی، در او تقویت می‌شوند و در نهایت، در نتیجه خودسازی، به نقطه‌ای از قوت بصیرت و بینایی باطنی می‌رسد که حقایق معقول را به صورت محسوس می‌بیند و به بالاترین مراتب ایمان - که ایمان شهودی است - دست می‌یابد و پیشوای اهل بصیرت می‌گردد.^۱

۷. اصلی‌ترین آفت دیده بصیرت

نقطه مقابل مجاهدت‌های علمی و عملی - که موجب تقویت دیده بصیرت می‌گردند - پیروی از تمایلات نفسانی است. از این رو، اصلی‌ترین آفت دیده بصیرت یافتن، هواپرستی و پیروی عملی از خواسته‌های ناپسند درونی است و بدین سان، هر چه پیروی انسان از نفس اماره، بیشتر شود، چشم بصیرت او ضعیف‌تر می‌گردد. در روایتی از امام علی علیه السلام آمده:

الهُوَى شَرِيكُ الْعَمَى.^۲

هوس، شریکِ کوردلی است.

وقتی انسان، به چیزی علاقه پیدا کرد، دیگر نمی‌تواند معایب آن را ببیند و زشتی‌های آن را بشنود:

عَيْنُ الْمُحِبِّ عَمِيَّةٌ عَنِ مَعَايِبِ الْمَحْبُوبِ، وَ أُذُنُهُ صَمَاءٌ عَنِ قُبْحِ مَسَاوِيهِ.^۳

دیده عاشق، از دیدن عیب‌های معشوق، کور است و گوش او، از شنیدن زشتی معایش، کر.

سایر آفات و موانع بصیرت، ریشه در پیروی از تمایلات نفسانی دارد و بدین جهت، اصلی‌ترین راه مبارزه با آفات، داشتن دیده بصیرت جهاد با نفس است که در فرهنگ روایات اسلامی، «جهاد اکبر» نامیده شده است.

کسی که توفیق این جهاد را نیابد و در میدان مبارزه با تمایلات نفسانی، شکست بخورد، نه تنها دیده بصیرت را از دست می‌دهد و از درجه انسانیت سقوط می‌کند، بلکه از هر حیوانی، گمراه‌تر و خطرناک‌تر می‌گردد. چنین انسانی، سرنوشتی جز دوزخ، نخواهد داشت.

۱. ر.ک: ص ۲۹. چشم بصیرت (و ص ۹۷) اهل بصیرت / پیشوایان بصیرت.

۲. ر.ک: ص ۱۲۰ ح ۱۴۴.

۳. ر.ک: ص ۱۳۰ ح ۱۶۶.

الفصل الأول: البصيرة القلبية

فصل يكوم: چشم بصیرت

۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا أراد الله بعبدٍ خيراً فتح له قفلاً قلبه، وجعل فيه اليقين والصدق، وجعل قلبه واعياً لما سلك فيه، وجعل قلبه سليماً ولسانه صادقاً وخليقته مستقيمة، وجعل أذنه سميعةً وعينه بصيرةً^۱.

۶۵۵۳۵. پیامبر خداصلی الله علیه وآله: هرگاه خداوند، خیر بنده‌ای را بخواهد، قفل دل او را برایش می‌گشاید و یقین و راستی را در آن می‌نهد و دلش را برای راهی که در آن قدم گذاشته است، آگاه می‌سازد و دلش را پاک و زبانش را راستگو و اخلاقی را درست و گوشش را شنوا و چشمش را بینا می‌گرداند.

۲. عنه صلى الله عليه وآله: ما من عبدٍ إلّا وفي وجهه عينان يُبصرُ بهما أمرَ الدُّنيا، وعينان في قلبه يُبصرُ بهما أمرَ الآخرة، فإذا أراد الله بعبدٍ خيراً فتح عينيه اللتين في قلبه فأبصرَ بهما ما وعدّه بالغيب، فأمن بالغيب على الغيب^۲.

۶۵۵۳۶. پیامبر خداصلی الله علیه وآله: هیچ بنده‌ای نیست، مگر آن که دو چشم در صورتش دارد که با آنها، امور دنیا را می‌بیند و دو چشم در دلش که با آنها، امور آخرت را مشاهده می‌کند. پس هرگاه خدا، خیر بنده‌ای را بخواهد، دو چشمی را که در دل اوست، می‌گشاید و او با آنها، آنچه را خداوند در عالم غیب به او وعده داده است، می‌بیند و به وسیله غیب (دو چشم دل)، به غیب ایمان می‌آورد (به غیب روی غیب، ایمان می‌آورد).

۱. كنز العمال: ج ۱۱ ص ۹۶ ح ۳۰۷۶۸ نقلاً عن أبي الشيخ عن أبي ذر.
۲. الفردوس: ج ۴ ص ۱۴ ح ۶۰۴۰، كنز العمال: ج ۲ ص ۴۲ ح ۳۰۴۳.

۳. الإمام زين العابدين عليه السلام: أَلَا إِنَّ لِلْعَبْدِ أَرْبَعَ أَعْيُنٍ: عَيْنَانِ يُبْصِرُ بِهِمَا أَمْرَ دِينِهِ وَدُنْيَاهُ، وَعَيْنَانِ يُبْصِرُ بِهِمَا أَمْرَ آخِرَتِهِ، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَتَحَّ لَهُ الْعَيْنَيْنِ اللَّتَيْنِ فِي قَلْبِهِ فَأَبْصَرَ بِهِمَا الْغَيْبَ وَأَمْرَ آخِرَتِهِ^۱، وَإِذَا أَرَادَ بِهِ غَيْرَ ذَلِكَ تَرَكَ الْقَلْبَ بِمَا فِيهِ^۲.

۶۵۵۳۷. امام زين العابدين عليه السلام: آگاه باشید که برای بنده، چهار چشم است: دو چشم [-سر] که با آنها، امور دين و دنيايش را می‌بيند، و دو چشم [-دل] که با آنها، امور آخرتش را مشاهده می‌کند. پس هر گاه خداوند، خير بنده‌ای را بخواهد، دو چشمی را که در دل اوست، برايش می‌گشاید و او با آنها، عالم غيب و امور آخرتش را می‌بيند، و هر گاه جز خير بنده‌ای را بخواهد، دلش را به حال خود، رها می‌کند.

۴. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّمَا شِيعَتُنَا أَصْحَابُ الْأَرْبَعَةِ الْأَعْيُنِ: عَيْنَانِ فِي الرَّأْسِ، وَعَيْنَانِ فِي الْقَلْبِ، أَلَا وَالْخَلَاتِقُ كُلُّهُمْ كَذَلِكَ، أَلَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَتَحَّ أَبْصَارَكُمْ وَأَعْمَى أَبْصَارَهُمْ^۳.

۶۵۵۳۸. امام صادق عليه السلام: شيعيان ما، چهار چشم دارند: دو چشم در سر، و دو چشم در دل. البته همه مردمان، اين گونه‌اند. هان که خداوند، چشم‌های شما را باز کرده و چشم‌های آنان را کور کرده است!

۱. في المصدر: «... الغيب في أمر آخِرَتِهِ»، والتصويب من بحار الأنوار. وفي التوحيد: «الغيب» بدل «الغيب».
 ۲. الخصال: ص ۲۴۰ ح ۹۰، التوحيد: ص ۳۶۷ ح ۴ نحوه وكلاهما عن الزهري، بحار الأنوار: ج ۷۰ ص ۵۳ ح ۱۶.
 ۳. الكافي: ج ۸ ص ۲۱۵ ح ۲۶۰، بحار الأنوار: ج ۶۸ ص ۸۱ ح ۱۴۲.

الفصل الثاني: الحث على البصيرة

فصل دوم: تشويق به تحصیل بصیرت

الْبَصِيرُ مِنْ صِفَاتِ اللَّهِ بِصِيرَتِ،

از صفات خداست

الكتاب (قرآن)

إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.^١ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ.^٢ إِنَّ اللَّهَ بِصِيرٍ بِالْعِبَادِ.^٣ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ.^٤

همانا خدا، شنوا و بیناست. همانا خدا، نسبت به بندگانش، آگاه و بیناست. همانا خدا، نسبت به بندگان، بیناست. به راستی که او، به همه چیز بیناست.

الحديث (حديث)

٥. الإمام عليّ عليه السلام: كُلُّ بَصِيرٍ غَيْرُهُ يَعْمَى عَنِ الْاَلْوَانِ، وَلَطِيفِ الْاَجْسَامِ.^٥

٦٥٥٣٩. امام علی علیه السلام: هر بینایی جز خدا، از دیدن رنگ‌های پنهان و اجسام ریز [و

نامرئی] ناتوان است.

١. غافر: ٢٠.

٢. فاطر: ٣١.

٣. غافر: ٤٤.

٤. الملک: ١٩.

٥. نهج البلاغة: الخطبة ٦٥، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٣٠٩ ح ٣٧.

۶. عنه عليه السلام: بَصِيرٌ إِذْ لَا مَنْظُورَ إِلَيْهِ مِنْ خَلْقِهِ.^۱

۶۵۵۴۰. امام علی علیه السلام: [خداوند،] بینا بوده، آن گاه که هنوز آفریده‌ای نبود تا دیده شود.

۷. عنه عليه السلام: بَصِيرٌ لَا بِأَدَاةٍ.^۲

۶۵۵۴۱. امام علی علیه السلام: [خداوند،] بیناست؛ اما نه با ابزاری [برای دیدن، مانند چشم].

۸. عنه عليه السلام: بَصِيرٌ لَا يُوصَفُ بِالْحَاسَّةِ.^۳

۶۵۵۴۲. امام علی علیه السلام: [خداوند،] بینایی است که به داشتن حس [و ابزار بینایی]، وصف نمی‌شود.

۹. الإمام الصادق عليه السلام - لَمَّا سَأَلَهُ الزُّنْدِيقُ: أَفَرَأَيْتَ قَوْلَهُ: سَمِعُ بَصِيرٌ عَالِمٌ؟ -

إِنَّمَا يُسَمَّى تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ؛ لِأَنَّهُ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ مِمَّا لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ، مِنْ شَخْصٍ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ، أَوْ دَقِيقٍ أَوْ جَلِيلٍ، وَلَا نَصْفُهُ بَصِيرًا يَلْحَظُ عَيْنَ كَالْمَخْلُوقِ.^۴

۶۵۵۴۳. امام صادق علیه السلام - در پاسخ به زندیقی که پرسید: نظرت در باره این گفته خدا چیست که: شنوا و بینا و داناست؟ - خداوند - تبارک و تعالی - ، به این نام‌ها نامیده شده است؛ چون هیچ چیزی از آنچه چشم‌ها می‌بینند، بر او پوشیده نیست، از شیء کوچک گرفته تا بزرگ و ریز یا درشت، و اگر ما او را به بینایی وصف می‌کنیم، به معنای آن نیست که مانند مخلوقات، با چشم می‌بیند.

۱۰. عنه عليه السلام: لَمْ يَزَلِ اللَّهُ رَبَّنَا... وَالْبَصْرُ ذَاتُهُ وَلَا مُبْصِرٌ... فَلَمَّا أَحْدَثَ الْأَشْيَاءَ

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱، الاحتجاج: ج ۱ ص ۴۷۴ ح ۱۱۳، بحار الأنوار: ج ۴ ص ۲۴۷ ح ۵.

۲. الكافي: ج ۱ ص ۱۳۹ ح ۴ عن الإمام الصادق عليه السلام وص ۱۴۰ ح ۵ عن إسماعيل بن قتيبة عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، التوحيد: ص ۳۰۸ ح ۲ عن عبد الله بن يونس عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ۱ ص ۱۵۱ ح ۵۱ عن محمد بن يحيى والقاسم بن أيوب العلوي عن الإمام الرضا عليه السلام، الأمالي للمفيد: ص ۲۵۵ ح ۴ عن محمد بن زيد الطبري عن الإمام الرضا عليه السلام، الأمالي للطوسي: ص ۲۳ ح ۲۸ عن محمد بن يزيد الطبري عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۴ ص ۲۲۹ ح ۳.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۷۹، بحار الأنوار: ج ۴ ص ۵۳ ح ۲۹.

۴. بحار الأنوار: ج ۳ ص ۱۹۴ عن المفضل بن عمر.

وَقَعَ... الْبَصْرُ عَلَى الْمُبْصِرِ.^۱

۶۵۵۴۴. امام صادق علیه السلام: خدای، همیشه پروردگار ما بوده... و بینایی، ذاتی او بوده است، آن گاه که هنوز چیزی برای دیدن وجود نداشت... و چون اشیا را آفرید... دیدن به شیء دیدنی تعلق گرفت.

۱۱. الإمام الكاظم عليه السلام - في الدعاء -: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ... أَنْتَ...

بَصِيرٌ لَا يَرْتَابُ.^۲

۶۵۵۴۵. امام کاظم علیه السلام - در دعا -: منزهی تو - ای خدا! - و ستایش، تو راست... تو... بینایی هستی که [در صحت آنچه می بیند] شک نمی کند.

۱۲. الإمام الرضا عليه السلام: قُلْنَا: إِنَّهُ بَصِيرٌ لَا بَبَصَرَ؛ لِأَنَّهُ يَرَى أَثَرَ الدَّرَّةِ السَّحْمَاءِ^۳ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ عَلَى الصَّخْرَةِ السُّودَاءِ، وَيَرَى ذَبِيبَ النَّمْلِ فِي اللَّيْلَةِ الدَّجِيَّةِ، وَيَرَى مَضَارَّهَا وَمَنَافِعَهَا وَأَثَرَ سِفَادِهَا وَفِرَاحَهَا وَنَسَلَهَا، فَقُلْنَا عِنْدَ ذَلِكَ: إِنَّهُ بَصِيرٌ لَا كَبَصَرَ خَلَقَهُ.^۴

۶۵۵۴۶. امام رضا علیه السلام: گفتیم: او (خداوند) بیناست؛ اما نه با چشمی؛ چرا که او رد پای مورچه سیاه بر روی تخته سنگ سیاه، در شب تار را می بیند، حرکت مور در شب تاریک را می بیند و زیان و سود و اثر جفتگیری و بچه ها و نسل آن را می بیند [و می داند]. این جاست که می گوئیم: او بیناست؛ اما نه مانند بینا بودن آفریدگانش.

۱۳. الإمام الجواد عليه السلام: كَذَلِكَ سَمَّيْنَاهُ بَصِيرًا؛ لِأَنَّهُ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَا يُدْرِكُ بِالْأَبْصَارِ، مِنْ لَوْنٍ أَوْ شَخْصٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ، وَلَمْ نَصِفْهُ بِبَصْرٍ لِحِظَةِ الْعَيْنِ.^۵

۱. الكافي: ج ۱ ص ۱۰۷ ح ۱، التوحيد: ص ۱۳۹ ح ۱ كلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ۵۷ ص ۱۶۱ ح ۹۶.
 ۲. بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۴۴۵ ح ۱ نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي وراجع: قصص الأنبياء: ص ۱۲۳ ح ۱۲۴.
 ۳. السَّحْمَاءُ: أي السوداء لسان العرب: ج ۱۲ ص ۲۸۱ «سحم».
 ۴. التوحيد: ص ۲۵۲ ح ۳، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ۱ ص ۱۳۳ ح ۲۸ وفيه «الدجئة» بدل «الدجية»، الاحتجاج: ج ۲ ص ۳۵۶ ح ۲۸۱ كلها عن محمد بن عبد الله الخراساني، بحار الأنوار: ج ۴ ص ۱۷۶ ح ۴.
 ۵. الكافي: ج ۱ ص ۱۱۷ ح ۷، التوحيد: ص ۱۹۴ ح ۷ وفيه «بنظر لحظ» بدل «ببصر لحظة»، الاحتجاج: ج ۲ ص ۴۶۸ ح ۳۲۱ وفيه «طرفة العين» بدل «لحظة العين» وكلها عن أبي هاشم الجعفری، بحار الأنوار: ج ۴ ص ۱۵۴ ح ۱.

۶۵۵۴۷. امام جواد علیه السلام: همچنین او (خداوند) را بینا نامیده‌ایم؛ چون هر آنچه از رنگ و جسم و جز آن که با چشم‌ها دیده می‌شود، بر او پوشیده نیست و او را بینا به معنای نگریستن با نگاه چشم، وصف نمی‌کنیم.

قِيَمَةُ الْبَصِيرَةِ

ارزش بصیرت

الکتاب (قرآن)

﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾^۱

«به راستی، بصیرت‌هایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است. پس هر که دید، به سود خود اوست و هر که کور بود، به زیان خود اوست، و من بر شما نگهبان نیستم»^۲.

الحديث (حدیث)

۱۴. الإمام علیّ علیه السلام: «فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا» هَذِهِ الْآيَةُ جَامِعَةٌ لِإِبْصَارِ الْعُيُونِ وَإِبْصَارِ الْقُلُوبِ.^۳

۶۵۵۴۸. امام علی علیه السلام: این آیه: «پس هر که دید، به سود خود اوست و هر که کور بود، به زیان خود اوست»، دیدن چشم‌ها و دیدن دل‌ها هر دو را در بر می‌گیرد.

۱. الأنعام: ۱۰۴.

قال العلامة الطباطبائي قدس سره: كأنه تعالى يشير بقوله: «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ» إلى ما ذكره في الآيات السابقة من الحجج الباهرة على وحدانيته وانتفاء الشريك عنه، والمعنى أن هذه الحجج بصائر قد جاءتكم من جانب الله بالوحي إلى، والخطاب من قبل النبي صلى الله عليه وآله (الميزان في تفسير القرآن: ج ۷ ص ۳۰۲).

۲. علامه طباطبائی قدس سره می‌گوید: شاید خداوند با جمله «به راستی بصیرت‌هایی برای شما آمده است»، به دلایل و براهین روشنی که در آیات پیشین بر یگانگی خویش و نداشتن شریک اقامه کرده، اشاره دارد. پس، معنای آیه، این است که این حجّت‌ها، بصیرت‌هایی هستند که از جانب خدا به وسیله وحی برای شما آمده است و خطاب، از جانب پیامبر صلی الله علیه وآله است.

۳. بحار الأنوار: ج ۶۹ ص ۷۶ ح ۲۹ و ج ۹۳ ص ۵۱ كلاهما نقلاً عن تفسير النعماني عن إسماعيل بن جابر عن الإمام الصادق عليه السلام.

۱۵. عنه علیه السلام - لَمَّا سَأَلَهُ زَيْدُ بْنُ صُوحَانَ الْعَبْدِيُّ عَنِ أَكْبَسِ النَّاسِ -: مَنْ أَبْصَرَ رُشْدَهُ مِنْ غِيِّهِ، فَمَالَ إِلَى رُشْدِهِ.^۱

۶۵۵۴۹. امام علی علیه السلام - در پاسخ به پرسش زید بن صوحان عبیدی، در باره زیرک‌ترین مردمان -: کسی که راهش را از کزراهه، باز شناسد و به راه رشد خود گراید.

۱۶. الإمام الصادق علیه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ -: يَا بْنَ جُنْدَبٍ، إِنَّ عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: ... طُوبَى لِمَنْ جُعِلَ بَصَرُهُ فِي قَلْبِهِ، وَلَمْ يُجْعَلْ بَصَرُهُ فِي عَيْنِهِ.^۲

۶۵۵۵۰. امام صادق علیه السلام - در سفارش به عبدالله بن جندب -: ای پسر جندب! عیسی بن مریم علیه السلام به یارانش فرمود: «... خوشا بر کسی که بینایی اش در دلش قرار داده شده، نه [فقط] در چشمش!».

۱۷. عنه علیه السلام: مَا أَنْتُمْ وَالْبِرَاءَةُ، يَبْرَأُ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ! إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ بَعْضُهُمْ أَفْضَلُ مِنْ بَعْضٍ، وَبَعْضُهُمْ أَكْثَرُ صَلَاةً مِنْ بَعْضٍ، وَبَعْضُهُمْ أَنْفَذُ بَصَرًا مِنْ بَعْضٍ، وَهِيَ الدَّرَجَاتُ.^۳

۱. الكَيْسِيُّ: العاقلُ (مجمع البحرين: ج ۳ ص ۱۶۰۹ «كيس»).

۲. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۴ ص ۳۸۳ ح ۵۸۳۳، معاني الأخبار: ص ۱۹۹ ح ۴ كلاهما عن عبد الله بن بكر المرادي عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الأمالي للصدوق: ص ۴۷۸ ح ۶۴۴، الأمالي للطوسي: ص ۴۳۶ ح ۹۷۴ كلاهما عن عبد الله بن بكر (بكران) المرادي عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عن الإمام زين العابدين عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ۷۰ ص ۱۰۶ ح ۱؛ دستور معالم الحكم: ص ۸۴.

۳. تحف العقول: ص ۳۰۵ و ص ۵۰۲ عن عيسى عليه السلام وفيه «قلبه في نظر عينه» بدل «بصره في عينه»، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۲۸۴ ح ۱؛ تاريخ دمشق: ج ۴۷ ص ۴۵۲ عن عمران بن سليمان عن عيسى عليه السلام وفيه «ولم يكن قلبه في بصره» بدل «ولم يجعل...» وص ۴۶۲ عن عيسى المرادي عن عيسى عليه السلام وفيه «ولم يكن قلبه في بصر عينه» بدل «ولم يجعل...».

۴. الكافي: ج ۲ ص ۴۵ ح ۴ عن الصباح بن سيابة، وسائل الشيعة: ج ۱۱ ص ۴۲۹ ح ۲۱۲۴۶.

۶۵۵۵۱. امام صادق علیه السلام: شما را چه به بیزاری جستن؟! این یکی، از آن یکی، بیزاری می‌جوید! همانا مؤمنان، برخی‌شان، برتر از برخی دیگرند. برخی‌شان، بیشتر از برخی دیگر، نماز می‌خوانند. برخی‌شان، از بصیرت بیشتری برخوردارند. اینها درجات است.^۱

۱۸. عنه علیه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْتُبُ بِهَذِهِ الْخُطْبَةِ إِلَى أَكْبَرِ أَصْحَابِهِ، وَفِيهَا كَلَامٌ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ...:

أَمَّا بَعْدُ: فَإِنَّ نَوْرَ الْبَصِيرَةِ رُوحَ الْحَيَاةِ الَّتِي لَا يَنْفَعُ إِيمَانُ إِلَّا بِهَا مَعَ اتِّبَاعِ كَلِمَةِ اللَّهِ وَالتَّصَدِيقِ بِهَا، فَالْكَلِمَةُ مِنَ الرُّوحِ، وَالرُّوحُ مِنَ النُّورِ، وَالنُّورُ نَوْرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَبِأَيْدِيكُمْ سَبَبٌ وَصَلَّ إِلَيْكُمْ مِنَّا نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَا تَعْقِلُونَ شُكْرَهَا، خَصَّكُمْ بِهَا وَاسْتَخْلَصَكُمْ لَهَا « وَ تِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعُلَمَاءُ »^۲.

۶۵۵۵۲. امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام، این خطابه را به یاران بزرگش می‌نوشت و در آن، گفتاری از پیامبر خداصلی الله علیه وآله آمده است...: «اما بعد، نور بصیرت، جان زندگی است و ایمان، سودی نمی‌بخشد، مگر با این نور و با پیروی از کلمه خدا (کلمه توحید) و تصدیق آن. این کلمه، از جان است و جان، از نور است و نور، نور آسمانها و زمین است. پس در دستان شما، رشته‌ای است که از ما به شما وصل شده است و این رشته، نعمتی الهی است که از عهده شکر آن بر نمی‌آید. خداوند، این نعمت را به شما اختصاص داده و شما را برای آن، برگزیده است: «و این مثلها را برای مردم می‌زنیم و آنها را جز دانایان، نمی‌فهمند».

۱۹. الإمام الكاظم عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِهَيْشَامِ بْنِ الْحَكَمِ -: يَا هَيْشَامُ احْذَرِ هَذِهِ الدُّنْيَا وَاحْذَرِ أَهْلِهَا، فَإِنَّ النَّاسَ فِيهَا عَلَى أَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ:

رَجُلٌ مُتَرَدِّدٌ مُعَانِقٌ لِهَوَاهُ. وَمُتَعَلِّمٌ مُقْرَأٌ كُلَّمَا ازْدَادَ عِلْمًا ازْدَادَ كِبْرًا، يَسْتَعْلَى بِقِرَاءَتِهِ

۱. یعنی: اینها، همان درجات ایمان است در گفتار خداوند که فرموده است: «هُم دَرَجَتٌ عِنْدَ اللَّهِ» (آل عمران: آیه ۱۶۳).

۲. كشف المحجة: ص ۲۷۰ عن سنان بن طريف، مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۹۶ فيه «روح البصر» بدل «نور البصيرة»، بحار الأنوار: ج ۳۰ ص ۳۷ ح ۲.
۲۶۳) العنكبوت: ۴۳.

۴. فی بعض النسخ: «المتقرئ» (هامش المصدر).

وَعِلْمِهِ عَلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ. وَعَابِدِ جَاهِلٍ يَسْتَصْغِرُ مَنْ هُوَ دُونَهُ فِي عِبَادَتِهِ، يُحِبُّ أَنْ يُعْظَمَ وَيُوقَّرَ. وَذِي بَصِيرَةٍ عَالِمٍ عَارِفٍ بِطَرِيقِ الْحَقِّ يُحِبُّ الْقِيَامَ بِهِ، فَهُوَ عَاجِزٌ أَوْ مَغْلُوبٌ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى الْقِيَامِ بِمَا يَعْرِفُ [ه]، فَهُوَ مَحْزُونٌ مَغْمُومٌ بِذَلِكَ، فَهُوَ أَمْثَلُ أَهْلِ زَمَانِهِ وَأَوْجَهُهُمْ عَقْلًا^۱.

۶۵۵۵۳. امام کاظم علیه السلام - در سفارش به هشام بن حکم :- ای هشام! از این دنیا و مردم آن، بر حذر باش؛ زیرا مردم در دنیا چهار گروه‌اند: شخص افتاده در ورطه هلاکت و هماغوش هوس؛ طالب دانش و قرآن‌خوان که هر چه دانشش افزون گردد، بر غرورش افزوده شود و قرآن‌دانی خویش و دانش خود را وسیله گردن‌فرازی بر فرودستان خود سازد؛ عابد نادانی که هر کس را که در عبادت، از او کمتر است، کوچک شمارد و دوست بدارد که او را تعظیم و تکریم کنند؛ و صاحب بصیرت دانای آشنا به راه حق که دوست دارد حق را بر پای دارد؛ اما یا ناتوان است یا مغلوب و فرومانده که نمی‌تواند آنچه را می‌داند، به کار ببندد و از این رو، اندوهناک و غم‌زده است. پس او، بهترین فرد روزگار خود و خردمندترین آنان است.

۲۰. الإمام الرضا عليه السلام - فِي الْفَقْهِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ :- اِعْلَمْ أَنَّ الْعَمَلَ الدَّائِمَ الْقَلِيلَ عَلَى الْيَقِينِ وَالْبَصِيرَةِ، أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعَمَلِ الْكَثِيرِ عَلَى غَيْرِ الْيَقِينِ وَالْجَهْلِ^۲.

۶۵۵۵۴. امام رضا علیه السلام - در کتاب فقه منسوب به ایشان :- بدان که عمل مداوم اندک، اما توأم با یقین و بصیرت، در نزد خداوند، برتر از عمل بسیار توأم با غیر یقین و جهل است.

۲۱. عنه عليه السلام - أَيْضاً - : أَرَوَى عَنِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَلَا خَصَّ رَسُولَهُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، فَاْمْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ، فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ، وَإِلَّا فَاسْأَلُوهُ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِيهَا. قَالَ: وَذَكَرَهَا عَشْرَةَ: الْيَقِينِ، وَالْقَنَاعَةَ، وَالْبَصِيرَةَ...^۳

۶۵۵۵۵. امام رضا علیه السلام - در کتاب فقه منسوب به ایشان :- از موسی بن جعفر علیه السلام روایت می‌کنم که: «خداوند بزرگ و بلندمرتبه، مکارم اخلاق را به پیامبرش ارزانی

۱. تحف العقول: ص ۴۰۰، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۲۱۶ ح ۱.

۲. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص ۳۵۶، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۳۴۸ ح ۵.

۳. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص ۳۵۳، بحار الأنوار: ج ۶۹ ص ۳۹۴ ح ۷۷.

داشت. پس شما نیز خود را بیازمایید. اگر این خوی‌ها در شما بود، خدا را سپاس گوئید، و گرنه، آنها را با رغبت از او بخواهید.»

سپس، ده تا از این خوی‌ها را برشمرد: «یقین، قناعت، بصیرت...».

الفصل الثالث: مبادئ البصيرة

فصل سوم: خاستگاه‌های بصیرت

الفِطْرَةُ

سرشت

الكتاب (قرآن)

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾^۱.

«سوگند به نفس و آن که آن را درست کرد و سپس، پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن، الهام کرد!».

الحديث (حدیث)

۲۲. الكافي عن حمزة بن محمد عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ

اللَّهِ ﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾^۲، قَالَ: نَجْدَ الْخَيْرِ وَنَجْدَ الشَّرِّ^۳.

۶۵۵۵۶. الكافي - به نقل از حمزة بن محمد - از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای: «و دو راه را به او نشان دادیم»، پرسیدم. فرمود: «[یعنی:] راه نیکی و راه بدی را نشان داد».

۲۳. تفسیرالقمی عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ: ﴿وَوَ

۱. الشمس: ۷ و ۸.

۲. البلد: ۱۰.

۳. الكافي: ج ۱ ص ۱۶۳ ح ۴، التوحيد: ص ۴۱۱ ح ۵، الأمالی للطوسی: ص ۶۶۰ ح ۱۳۶۷، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۱۹۶ ح ۶ و ۹.

نَفْسٍ وَمَا سَوَّلَهَا»، قَالَ: خَلَقَهَا وَصَوَّرَهَا، وَقَوْلِهِ: «فَأَلَّهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»، أَيْ عَرَّفَهَا وَأَلَّهَمَّهَا، ثُمَّ خَيْرَهَا فَاخْتَارَتْ.^۱

۶۵۵۵۷. تفسیر القمی - به نقل از ابو بصیر - از امام صادق علیه السلام در باره آیه شریف «سوگند به نفس و آن که آن را درست کرد!»، پرسیدم. فرمود: «یعنی [آن را آفرید و صورت بخشید].»

و در باره آیه شریف «پس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن، الهام کرد»، پرسیدم. فرمود: «یعنی [به آن شناساند و الهام فرمود. سپس او را مَخیر ساخت و او، انتخاب کرد].»

۲۴. تأویل الآيات الظاهرة عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام - في قوله تعالى: «فَأَلَّهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» - : عَرَّفَهُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ، فَذَلِكَ قَوْلُهُ: «وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّلَهَا».^۲

۶۵۵۵۸. تأویل الآيات الظاهرة - به نقل از حَلَبی، از امام صادق علیه السلام، در باره آیه شریف «پس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن، الهام کرد» - : حق و باطل را به او شناساند، و این است معنای فرموده او که: «سوگند به نفس و آن که آن را درست کرد!».

کتابُ اللّٰهِ

الکتاب (قرآن)

«وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَالِرَ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَرَحْمَةً لِّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ».^۳

«وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَالِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ».^۴

۱. تفسیر القمی: ج ۲ ص ۴۲۴، بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۷۱ ح ۴.

۲. تأویل الآيات الظاهرة: ج ۲ ص ۸۰۴ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۷۲ ح ۶.

۳. القصص: ۴۳.

۴. الأعراف: ۲۰۳.

﴿هَذَا بَصَلٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾^۱.

«و به راستی، پس از آن که نسل‌های نخستین را نابود کردیم، به موسی کتاب دادیم که [در بر دارندة] بصیرت‌ها و رهنمود و رحمتی برای مردم بود، امید که پند گیرند.»
 «و هر گاه برای آنان، آیه‌ای نیاوری، می‌گویند: «چرا آن را خود برنگزیدی؟». بگو: من، فقط از آنچه که از پروردگارم به من وحی می‌شود، پیروی می‌کنم. این [قرآن]، بصیرت‌هایی است از جانب پروردگار شما، و برای گروهی که ایمان می‌آورند، هدایت و رحمتی است.»
 «این [کتاب]، برای مردم بصیرت‌بخش و برای قومی که یقین دارند، رهنمود و رحمتی است.»

الحدیث (حدیث)

۲۵. رسول الله صلی الله علیه وآله: الْقُرْآنُ هُدًى مِنَ الضَّلَالَةِ، وَتَبْيَانٌ مِنَ الْعَمَى.^۲

۶۵۵۵۹. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: قرآن، از گم‌راهی به راه می‌آورد و کوری [دل] را بینایی می‌بخشد.

۲۶. الإمام علی علیه السلام: كِتَابُ اللَّهِ تُبْصِرُونَ بِهِ، وَتَنْطِقُونَ بِهِ، وَتَسْمَعُونَ بِهِ، وَيَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ، وَيَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ، وَلَا يَخْتَلِفُ فِي اللَّهِ، وَلَا يُخَالِفُ بِصَاحِبِهِ عَنِ اللَّهِ.^۳

۶۵۵۶۰. امام علی علیه السلام: کتاب خداست که با آن می‌بینید و با آن، سخن می‌گویید و با آن می‌شنوید و برخی از آن، از برخی دیگر، سخن می‌گوید و برخی از آن، بر برخی دیگرش گواهی می‌دهد و در باره خدا، سخن ناهمساز نمی‌گوید و پیرو خود را از خدا، جدا نمی‌گرداند.

۲۷. عنه علیه السلام: مَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدًا إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ؛ زِيَادَةٌ فِي هُدًى أَوْ نُقْصَانٍ مِنَ الْعَمَى.^۴

۱. الجائية: ۲۰.

۲. الكافي: ج ۲ ص ۶۰۰ ح ۸ عن الإمام الصادق عليه السلام، تفسير العياشي: ج ۱ ص ۵ ح ۸، بحار الأنوار: ج ۹۲ ص ۲۶ ح ۲۸.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۳۳، بحار الأنوار: ج ۹۲ ص ۲۲ ح ۲۳.

۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۷۶، أعلام الدين: ص ۱۰۵، غرر الحكم: ح ۹۶۸۰، بحار الأنوار: ج ۹۲ ص ۲۴ ح ۲۴.

۶۵۵۶۱. امام علی علیه السلام: هیچ کس با این قرآن ننشست، مگر آن که با افزایش یا کاهشی از کنارش برخاست: افزایش در هدایت و یا کاستی از کوری [-دل و باطن].

۲۸. الإمام الصادق علیه السلام: فِي كِتَابِ اللَّهِ نَجَاةٌ مِنَ الرَّدَى، وَبَصِيرَةٌ مِنَ الْعَمَى، وَذَلِيلٌ إِلَى الْهُدَى.^۱

۶۵۵۶۲. امام صادق علیه السلام: کتاب خدا، [مایه] نجات از هلاکت است و بینایی‌بخش از کوری و راه‌نما به راه راست.

الإِسْلَامُ

۲۹. الإمام علی علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى شَرَعَ الْإِسْلَامَ وَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ، وَأَعَزَّ أَرْكَانَهُ لِمَنْ حَارَبَهُ، وَجَعَلَهُ عِزًّا لِمَنْ تَوَلَّاهُ... وَبَصِيرَةً لِمَنْ عَزَمَ.^۲

۶۵۵۶۳. امام علی علیه السلام: خداوند - تبارک و تعالی -، شریعت اسلام را مقرر داشت و آبشخورهایش را برای کسی که بخواهد بدان وارد شود، آسان و هموار ساخت و ارکان آن را در برابر کسی که بخواهد با آن بجنگد، استوار گردانید و برای کسی که از آن پیروی کند، [مایه] عزت قرارش داد... و برای کسی که مصمم باشد، [مایه] بصیرت.

التَّوْفِيقُ

۳۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... هَدَى مِنَ الضَّلَالَةِ، وَبَصَّرَ مِنَ الْعَمَى.^۳

۶۵۵۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: ستایش، خدایی را که... از گم‌راهی به راه آورد و کوری [-دل] را بینایی بخشید.

۱. تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۹۸ ح ۱۴۳ عن ابي عمرو الزبيری، بحار الأنوار: ج ۶ ص ۳۲ ح ۳۹.
 ۲. الکافی: ج ۲ ص ۴۹ ح ۱ عن جابر عن الإمام الباقر علیه السلام وبأسانید مختلفة عن الأصغر بن نباتة، نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۶، الأمالی للمفید: ص ۲۷۵ ح ۳ عن قبيصة عن جابر الأسدی، تحف العقول: ص ۱۶۳، الغارات: ج ۱ ص ۱۳۸ کلها نحوه، بحار الأنوار: ج ۶۸ ص ۳۴۹ ح ۱۸.
 ۳. صحیح ابن حبان: ج ۱۲ ص ۲۳ ح ۵۲۱۹، المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۷۳۱ ح ۲۰۰۳، تفسیر ابن کثیر: ج ۳ ص ۲۳۹ کلها عن ابي هريرة، كنز العمال: ج ۱۵ ص ۲۵۷ ح ۴۰۸۵۰؛ الإرشاد: ج ۱ ص ۲۲۹ عن الإمام علی علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۳۱ ح ۱۹.

۳۱. الإمام علیّ علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَبِّمَا أَظْهَرَ آيَةً لِبَعْضِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِيدَ فِي بَصِيرَتِهِ، وَلِبَعْضِ الْكَافِرِينَ لِيُبَالِغَ فِي الإِعْذَارِ إِلَيْهِ.^۱

۶۵۵۶۵. امام علی علیه السلام: خداوند متعال، گاه نشانه‌ای را برای مؤمنی نمودار می‌سازد تا بر بصیرت او بیفزاید، و برای کافر، تا عذر و حجت را بر او تمام‌تر سازد.

۳۲. عنه علیه السلام: إِنَّمَا أَنَا وَأَنْتُمْ عِبِيدٌ مَمْلُوكُونَ لِرَبِّ لَا رَبَّ غَيْرُهُ. يَمْلِكُ مِنَّا مَا لَا نَمْلِكُ مِنْ أَنْفُسِنَا، وَأَخْرَجَنَا مِمَّا كُنَّا فِيهِ إِلَى مَا صَلَحْنَا عَلَيْهِ، فَأَبْدَلْنَا بَعْدَ الضَّلَالَةِ بِالْهُدَى، وَأَعْطَانَا الْبَصِيرَةَ بَعْدَ الْعَمَى.^۲

۶۵۵۶۶. امام علی علیه السلام: من و شما، در حقیقت، بندگان زرخرید پروردگاری هستیم که جز او پروردگاری نیست. او چنان اختیاری از ما دارد که ما خود، از خویش نداریم و ما را از وضعیتی که در آن قرار داشتیم، به آنچه مصلحت ما در آن است، بیرون برد، گم‌راهی ما را به هدایت تبدیل کرد و ما را که کور[دل] بودیم، بینایی بخشید.

۳۳. الإمام زين العابدين عليه السلام - فِي الْمُنَاجَاةِ الإِنْجِيلِيَّةِ -: اللَّهُمَّ بِذِكْرِكَ أَسْتَعِذُّ وَأَعْتَصِمُ، وَبِرُكْنِكَ الْوُدُّ وَأَتَحَرِّمُ، وَبِقُوَّتِكَ أَسْتَجِيرُ وَأَسْتَنْصِرُ، وَبِنُورِكَ أَهْتَدِي وَأَسْتَبْصِرُ،... سَيِّدِي لَوْ لَا نُورَكَ عَمِيتُ عَنِ الدَّلِيلِ، وَلَوْ لَا تَبْصِيرَكَ ضَلَلْتُ عَنِ السَّبِيلِ، وَلَوْ لَا تَعْرِيفَكَ لَمْ أُرْشَدْ لِلْقَبُولِ، وَلَوْ لَا تَوْفِيقَكَ لَمْ أَهْتَدِ إِلَى مَعْرِفَةِ التَّأْوِيلِ.^۳

۶۵۵۶۷. امام زين العابدين عليه السلام - در «مناجات انجیلیه» -: بار خدایا! به یاد تو پناه می‌برم و چنگ می‌زنم و خویشتن را در سایه رُکن تو در می‌آورم و از نیروی تو، حمایت و یاری می‌طلبم و از نور تو، راه‌نمایی و بصیرت می‌خواهم....

سرور من! اگر نور تو نبود، راه‌نما را نمی‌دیدم، و اگر بینش بخشی تو نبود، راه را گم می‌کردم، و اگر معرفی تو به پذیرش نبود، راه نمی‌بردم، و اگر توفیق‌دهی تو نبود، به شناخت تأویل [و معانی قرآن]، هدایت نمی‌شدم.

۱. المناقب لابن شهر آشوب: ج ۲ ص ۳۲۹، التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: ص ۴۲۴ ح ۲۸۹، بحار الأنوار: ج ۴۲ ص ۴۰ ح ۱۳.

۲. الکافی: ج ۸ ص ۳۵۶ ح ۵۵۰ عن جابر عن الإمام الباقر علیه السلام، نهج البلاغة: الخطبة ۲۱۶، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۳۵۹ ح ۳۲.

۳. بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۱۶۱-۱۵۳ ح ۲۲ نقلاً عن کتاب أنیس العابدین.

۳۴. الإمام الصادق عليه السلام: إذا أرادَ اللهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا، زَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا، وَفَقَّهَهُ فِي الدِّينِ، وَبَصَّرَهُ غُيُوبَهَا، وَمَنْ أُوْتِيَ هُنَّ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.^۱

۶۵۵۶۸. امام صادق عليه السلام: هر گاه خداوند، خیر بنده‌ای را اراده کند، او را نسبت به دنیا، بی‌رغبت می‌گرداند و در دین، دانایش می‌کند و عیب‌هایش را به او می‌نمایاند. به هر کس این چیزها داده شود، خیر دنیا و آخرت، داده شده است.

۳۵. الإمام الكاظم عليه السلام - فيما كتَبَ إلى عليِّ بنِ سُوَيْدٍ وَهُوَ فِي الْحَبَسِ -:
الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ الَّذِي بَعَّظَمَتِهِ وَنُورِهِ أَبْصَرَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ^۲، وَبِعَظَمَتِهِ وَنُورِهِ عَادَاهُ الْجَاهِلُونَ، وَبِعَظَمَتِهِ وَنُورِهِ ابْتَغَى مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ بِالْأَعْمَالِ الْمُخْتَلِفَةِ وَالْأَدْيَانِ الْمُتَضَادَّةِ، فَمُصِيبٌ وَمُخْطِئٌ، وَضَالٌّ وَمُهْتَدٍ، وَسَمِيعٌ وَأَصْمٌ، وَبَصِيرٌ وَأَعْمَى حَيْرَانٌ...^۳

۶۵۵۶۹. امام کاظم عليه السلام - در نامه‌ای که از زندان، به علی بن سُوید نوشت -: ستایش، خدای والا و بزرگی را که از بزرگی و نور او، دل‌های مؤمنان بینا شد و به سبب همین بزرگی و نور اوست که نادانان، با وی دشمنی کردند و به واسطه بزرگی و نور او، هر آن کس که در آسمان‌ها و در زمین است، با کارهای گونه‌گون و آیین‌ها و باورهای ناهمگون، درصدد نزدیک شدن به او بر آمدند. پس برخی، درست رفتند و برخی، خطا نمودند. برخی، گم‌راه شدند و برخی، ره یافتند. برخی، شنوا شدند و برخی، گم‌گشتند. برخی بینا شدند و برخی، کور و سرگردان ماندند....

۱. الکافی: ج ۲ ص ۱۳۰ ح ۱۰ عن عبد الله بن القاسم، مشکاة الأنوار: ص ۲۰۶ ح ۵۵۶ وفيه «عيوبه» بدل «عيوبها»، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۵۵ ح ۲۸؛ شعب الإيمان: ج ۷ ص ۳۴۷ ح ۱۰۵۳۵ عن محمد بن كعب القرظي عن رسول الله صلى الله عليه وآله وليس فيه ذيله، كنز العمال: ج ۱۰ ص ۱۳۷ ح ۲۸۶۸۹. وراجع: تاريخ دمشق: ج ۸۱ ص ۷۸.

۲. أي ما أبصروا وعلموا (بحار الأنوار: ج ۵۸ ص ۱۲).

۳. الکافی: ج ۸ ص ۱۲۴ ح ۹۵ عن عليِّ بن سويد و ج ۱ ص ۱۲۹ ح ۱ عن الإمام عليّ عليه السلام، رجال الكشي: ج ۲ ص ۷۵۴ ح ۸۵۹ عن عليِّ بن سويد النسائي وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۳۲۸ ح ۶.

الفصل الرابع: ما ينمي البصيرة

فصل چهارم: عوامل رشد بصیرت

التفكر

الكتاب (قرآن)

﴿فَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ * وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَالْأَقْيُنَا فِيهَا رَوَايَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ * تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ﴾^١

«مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته‌اند که چگونه آن را ساخته و زینت داده‌ایم و برای آن، هیچ گونه شکافتگی‌ای نیست؟! و زمین را گسترده‌ایم و در آن، کوه‌های ثابت و استوار افکندیم و در آن، از هر گونه جفت‌دل‌انگیزی رویانیدیم تا برای هر بنده توبه‌کاری، بینش‌افزا و پندآموز باشد.»

الحديث (حدیث)

٣٦. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ التَّفَكُّرَ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ، فَعَلَيْكُمْ بِحُسْنِ التَّخْلِصِ وَقِلَّةِ التَّرَبُّصِ.^٢

١. ق: ٨ - ٦.

٢. الكافي: ج ٢ ص ٥٩٩ ح ٢ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام و ج ١ ص ٢٨ ح ٣٤ عن يحيى بن عمران عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام، النوادر للراوندي: ص ١٤٤ ح ١٩٧ عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام وكلاهما نحوه، الدرّة الباهرة: ص ٢٢ وفيه صدره إلى «البصير»، العدد القويّة: ص ٣٨

۶۵۵۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: اندیشیدن، حیات بخش دلِ شخص با بصیرت است، همان گونه که شخص چراغ به دست در تاریکی‌ها، در پرتو نور [چراغ] راه می‌رود. پس بر شما باد نیک زهیدن و کمتر درنگ کردن!

۳۷. الإمام علی علیه السلام: فَتَفَكَّرُوا أَيُّهَا النَّاسُ وَتَبَصَّرُوا، وَأَعْتَبِرُوا وَأَتَعَطَّوْا، وَتَزَوَّدُوا لِلْآخِرَةِ تَسْعَدُوا.^۱

۶۵۵۷۱. امام علی علیه السلام: پس، ای مردم! بیندیشید و بینا شوید، عبرت گیرید و پندآموزید و برای آخرت، توشه برگیرید تا سعادتمند شوید.

۳۸. عنه علیه السلام: مَنْ تَفَكَّرَ أَبْصَرَ.^۲

۶۵۵۷۲. امام علی علیه السلام: هر که بیندیشد، بینا می‌شود.

۳۹. عنه علیه السلام: مَنْ فَكَّرَ أَبْصَرَ الْعَوَاقِبِ.^۳

۶۵۵۷۳. امام علی علیه السلام: هر که بیندیشد، فرجام‌ها را می‌بیند.

۴۰. عنه علیه السلام: إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ وَتَفَكَّرَ، وَنَظَرَ وَأَبْصَرَ، وَأَنْتَفَعَ بِالْغَيْرِ، وَسَلَكَ جَدِّدًا^۴ وَاضِحًا، يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهْوَى.^۵

۶۵۵۷۴. امام علی علیه السلام: بینا، کسی است که بشنود و بیندیشد، بنگرد و بینا شود و از عبرت‌ها بهره‌گیرد و راه هموار و آشکار را بیوید و از فرو افتادن در پرتگاه‌ها، پرهیزد.

۴۱. عنه علیه السلام: أَفْكَرَ تَسْتَبِيرِ.^۶

۶۵۵۷۵. امام علی علیه السلام: بیندیش تا بینش یابی.

ح ۴۹ و فيه صدره إلى «بالنور» وكلاهما عن الإمام الحسن عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۱۳۵ ح ۴۶.

۱. غرر الحكم: ح ۶۵۸۹، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۵۹ ح ۶۰۸۹.

۲. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱، تحف العقول: ص ۷۹، أعلام الدين: ص ۲۸۷، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۲۱۶ ح ۱؛ دستور معالم الحكم: ص ۲۸.

۳. غرر الحكم: ح ۸۵۷۷، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۵۹ ح ۸۳۱۶.

۴. الجَدِّدُ: الْأَرْضُ الصُّلْبَةُ الَّتِي يسهل المشى فيها (مجمع البحرين: ج ۱ ص ۲۷۴ «جدد»).

۵. تحف العقول: ص ۱۵۵، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۴۰۷ ح ۳۸.

۶. غرر الحكم: ح ۲۲۳۹، عيون الحكم والمواعظ: ص ۷۵ ح ۱۸۱۵.

۴۲. عنه علیه السلام: رَأْسُ الْإِسْتِبْصَارِ الْفِكْرَةُ^۱.

۶۵۵۷۶. امام علی علیه السلام: اساس بصیرت، اندیشیدن است.

۴۳. عنه علیه السلام: مَنْ طَالَتْ فِكْرَتُهُ حَسُنَتْ بَصِيرَتُهُ^۲.

۶۵۵۷۷. امام علی علیه السلام: کسی که بسیار اندیشه می کند، بصیرت نیکویی می یابد.

۴۴. عنه علیه السلام: لَا بَصِيرَةَ لِمَنْ لَا فِكْرَ لَهُ^۳.

۶۵۵۷۸. امام علی علیه السلام: کسی که اندیشه ندارد، بصیرت ندارد.

۴۵. عنه علیه السلام: تَفَكَّرُكَ يُفِيدُكَ الْإِسْتِبْصَارَ، وَيَكْسِبُكَ الْإِعْتِبَارَ^۴.

۶۵۵۷۹. امام علی علیه السلام: اندیشیدن تو، به تو بصیرت می دهد و عبرت آموزی می بخشد.

۴۶. الإمام الحسن علیه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْفِكْرِ، فَإِنَّهُ حَيَاةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ، وَمَفَاتِيحُ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ^۵.

۶۵۵۸۰. امام حسن علیه السلام: بر شما باد اندیشیدن؛ زیرا که آن، زندگی بخش دل شخص با بصیرت و کلیدهای درهای حکمت است.

التَّعَقُّلُ

۴۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: قُسِمَ الْعَقْلُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَجْزَاءٍ، فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ كَمَلَةُ عَقْلِهِ، وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَا عَقْلَ لَهُ؛ حُسْنُ الْمَعْرِفَةِ بِاللَّهِ، وَحُسْنُ الطَّاعَةِ لَهُ، وَحُسْنُ الْبَصِيرَةِ عَلَى أَمْرِهِ^۶.

۶۵۵۸۱. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: خرد، به سه جزء تقسیم شده است. پس هر کس که این سه جزء در او باشد، خردش کامل است و در هر کس نباشد، از خرد، بی بهره است: نیکو شناختن خداوند، نیکو فرمان بردن از او، و بصیرت نیکو داشتن در کار او.

۱. غرر الحکم: ح ۵۲۳۲، عیون الحکم والمواعظ: ص ۲۶۴ ح ۴۸۰۹ و فیهِ «التبصرة الفكر» بدل «الاستبصار الفكرة».

۲. غرر الحکم: ح ۸۳۱۹.

۳. غرر الحکم: ح ۱۰۷۷۴.

۴. غرر الحکم: ح ۴۵۷۴، عیون الحکم والمواعظ: ص ۱۹۹ ح ۴۰۳۶.

۵. أعلام الدین: ص ۲۹۷، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۱۱۵ ح ۱۲.

۶. الخصال: ص ۱۰۲ ح ۵۸، بحار الأنوار: ج ۱ ص ۱۰۶ ح ۱.

۴۸. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ^۱.

۶۵۵۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خردمند، باید به زمان خود، بصیرت داشته باشد.

۴۹. الإمام على عليه السلام: نَاطِرٌ قَلْبِ اللَّيْبِ بِهِ يُبْصِرُ أَمَدَهُ^۲، وَيَعْرِفُ غَوْرَهُ وَنَجْدَهُ^۳.

۶۵۵۸۳. امام علی علیه السلام: خردمند، با چشم دل، پایان کار خویش را می‌بیند و نشیب و فراز آن را می‌شناسد.

۵۰. الإمام الصادق عليه السلام: دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ، وَالْعَقْلُ مِنْهُ الْفِطْنَةُ وَالْفَهْمُ وَالْحِفْظُ وَالْعِلْمُ، وَبِالْعَقْلِ يَكْمُلُ، وَهُوَ ذَلِيلُهُ وَمُبْصِرُهُ وَمِفْتَاحُ أَمْرِهِ^۴.

۶۵۵۸۴. امام صادق علیه السلام: ستون [وجود] انسان، خرد است، و هوشمندی و فهم و حافظه و دانش، از خرد بر می‌خیزد و با خرد به کمال می‌رسد و خرد، راه‌نمای او و بینش‌بخش او و کلید کارهای اوست.

۵۱. عنه عليه السلام: قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ: ... إِنَّ الْعَاقِلَ إِذَا أَبْصَرَ بَعَيْنِهِ شَيْئًا عَرَفَ الْحَقَّ مِنْهُ، وَالشَّاهِدَ يَرَى مَا لَا يَرَى الْغَائِبُ^۵.

۶۵۵۸۵. امام صادق علیه السلام: لقمان به فرزندش گفت: «... خردمند، هر گاه با چشم خود، چیزی را ببیند، حق را از آن می‌شناسد. شاهد، چیزی را می‌بیند که غایب نمی‌بیند».

۵۲. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ لَمْ يَعْقِلْ عَنِ اللَّهِ، لَمْ يَعْقِدْ قَلْبُهُ عَلَى مَعْرِفَةِ ثَابِتَةٍ يُبْصِرُهَا وَيَجِدُ حَقِيقَتَهَا فِي قَلْبِهِ^۶.

۱. الخصال: ص ۵۲۵ ح ۱۳، معانی الأخبار: ص ۳۳۴ ح ۱، الأمالی للطوسی: ص ۵۴۰ ح ۱۱۶۳، مکارم الأخلاق: ج ۲ ص ۳۸۳ ح ۲۶۶۱ کلها عن أبي ذرّ، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۷۲ ح ۱؛ صحيح ابن حبان: ج ۲ ص ۷۸ ح ۳۶۱ عن أبي ذرّ، كنز العمال: ج ۱۶ ص ۱۳۳ ح ۴۴۱۵۸.
 ۲. الأمد: نهاية البلوغ (مجمع البحرين: ج ۱ ص ۶۸ «أمد».)
 ۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۴، بحار الأنوار: ج ۲۹ ص ۶۰۰ ح ۲۰.
 ۴. الكافي: ج ۱ ص ۲۵ ح ۲۳، علل الشرائع: ص ۱۰۳ ح ۲، مشكاة الأنوار: ص ۴۴۰ ح ۱۴۸۴ وفيه «الإسلام» بدل «الإنسان»، بحار الأنوار: ج ۱ ص ۹۰ ح ۱۷.
 ۵. الكافي: ج ۸ ص ۳۴۸ ح ۵۴۷، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۹۷ ح ۲۵۰۵، المحاسن: ج ۲ ص ۱۲۶ ح ۱۳۴۸ وفيه «بعينه» بدل «بعينه»، مكارم الأخلاق: ج ۱ ص ۵۳۸ ح ۱۸۶۹، مجمع البيان: ج ۸ ص ۴۹۶ کلها عن حماد، بحار الأنوار: ج ۱۳ ص ۴۲۳ ح ۱۸.
 ۶. الكافي: ج ۱ ص ۱۸ ح ۱۲ عن هشام بن الحكم، تحف العقول: ص ۳۸۸، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۳۰۲ ح ۱.

۶۵۵۸۶. امام کاظم علیه السلام: کسی که خدا را نشناخته است، دلش با شناخت استواری که آن را ببیند و حقیقتش را در قلب خویش بیابد، گِره نمی خورد.

التَّعَلُّمُ

۵۳. رسول الله صلی الله علیه وآله: إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ، وَضِيَاءُ الْأَبْصَارِ مِنَ الظُّلْمَةِ، وَقُوَّةُ الْأَبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ.^۱

۶۵۵۸۷. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: همانا دانش، زندگی بخش دلها [ی مُرده] از نادانی است و روشنایی بخش دیدگان، از تاریکی [و کوری] است، و نیروبخش بدنهای ناتوان است.^۲

۵۴. عنه صلی الله علیه وآله: إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ، وَنورُ الْأَبْصَارِ مِنَ الْعَمَى، وَقُوَّةُ الْأَبْدَانِ مِنَ الضَّعْفِ.^۳

۶۵۵۸۸. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: همانا دانش، زندگی بخش دلهاست و روشنی بخش دیدگان، از کوری و نیروبخش بدنهای ناتوان است.

۵۵. عنه صلی الله علیه وآله: إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ، وَمَصَابِيحُ الْأَبْصَارِ مِنَ الظُّلْمِ.^۴

۱. الأُمَالِي لِلطُّوسِي: ص ۴۸۸ ح ۱۰۶۹، عِدَّةُ الدَّاعِي: ص ۶۴ كلاهما عن مُحَمَّد بن عَلِي بن الْحَسِين بن زَيْد بن الْإِمَامِ زَيْن الْعَابِدِينَ عن الْإِمَامِ الرِّضَا عن آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَام، مَنِيَّةُ الْمُرِيد: ص ۱۰۹ عن الْإِمَامِ الرِّضَا عن آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَام عنه صلی الله علیه وآله، بحار الأنوار: ج ۱ ص ۱۷۱ ح ۲۴.

۲. فردوسی سروده است:

توانا بُود هر که دانا بُود

ز دانش، دل پیر، بُرنا بُود.

۳. الخصال: ص ۵۲۳ ح ۱۲ عن الْإِمَامِ عَلِي عَلَيْهِ السَّلَام، تحف العقول: ص ۲۸، الأُمَالِي لِلصَّدُوق: ص ۷۱۳ ح ۹۸۲ عن الْأَصْبَغ بن نباتة عن الْإِمَامِ عَلِي عَلَيْهِ السَّلَام، مجمع البيان: ج ۲ ص ۷۱۷ عن أَنَسٍ وِلَيْسَ فِيهِ «من العمى، من الضعف»، روضة الواعظين: ص ۱۳ عن الْإِمَامِ عَلِي عَلَيْهِ السَّلَام، بحار الأنوار: ج ۱ ص ۱۶۶ ح ۷.

۴. جامع بیان العلم وفضلہ: ج ۱ ص ۵۵ عن معاذ بن جبل؛ كنز الفوائد: ج ۲ ص ۱۰۸، أعلام الدين: ص ۸۲ كلاهما عن الْإِمَامِ عَلِي عَلَيْهِ السَّلَام وِلَيْسَ فِيهِمَا «من الجهل» وكلاهما بزيادة «وقوة الأبدان من الضعف» في آخره، تنبيه الخواطر: ج ۲ ص ۲۴۵ عن الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَام وِلَيْسَ فِيهِ «من الجهل، من الظلم».

۶۵۵۸۹. پیامبر خداصلی الله علیه وآله: همانا دانش، زندگی‌بخش دل‌ها [ی مُرده] از نادانی و چراغ [و روشنی‌بخش] چشم‌ها در تاریکی‌هاست.

۵۶. الإمام علیّ علیه السلام: الْحِكْمَةُ ضِيَاءٌ لِلْبَصْرِ.^۱

۶۵۵۹۰. امام علی علیه السلام: حکمت، نوری برای دیده است.

۵۷. عنه علیه السلام: جاورِ الْعُلَمَاءِ تَسْتَبِيرُ.^۲

۶۵۵۹۱. امام علی علیه السلام: با دانشمندان همنشینی کن تا بصیرت یابی.

۵۸. الإمام الكاظم علیه السلام: تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ، فَإِنَّ الْفِقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ.^۳

۶۵۵۹۲. امام کاظم علیه السلام: در دین خدا، ژرف کاوی کنید؛ زیرا دین‌شناسی، کلید بصیرت است.

۵۹. عیسی علیه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلُ لَكُمْ: لَا يَجْتَمِعُ الْمَاءُ وَالنَّارُ فِي إِنَاءٍ وَاحِدٍ، كَذَلِكَ لَا يَجْتَمِعُ الْفِقْهُ وَالْعَمَى فِي قَلْبٍ وَاحِدٍ.^۴

۶۵۵۹۳. عیسی علیه السلام: به حق، با شما می‌گویم: آب و آتش، در یک ظرف جمع نمی‌شوند. همچنین دین‌شناسی و کوری، در یک دل، جمع نمی‌شوند.

الاعتبارُ

عبرت آموختن

الکتاب (قرآن)

﴿أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾.^۵

۱. مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۹۶.

۲. غرر الحكم: ح ۴۸۰۱، عیون الحكم والمواعظ: ص ۲۲۱ ح ۴۲۹۷.

۳. تحف العقول: ص ۴۱۰، الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: ص ۳۳۷، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۳۲۱ ح ۱۹.

۴. تحف العقول: ص ۵۱۲.

۵. الحج: ۴۶.

«پس آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا برای ایشان، دل‌هایی باشد تا با آنها بفهمند یا گوش‌هایی [باشد] تا با آنها بشنوند؛ زیرا در حقیقت، دیدگان کور نیستند؛ بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست، کورند.»

الحديث (حدیث)

۶۰. الإمام علیّ علیه السلام: مَنْ اعْتَبَرَ أَبْصَرَ^۱.

۶۵۵۹۴. امام علی علیه السلام: هر که عبرت بیاموزد، بینا می‌شود.

۶۱. عنه علیه السلام: فِي كُلِّ اعْتِبَارٍ اسْتِبْصَارٌ^۲.

۶۵۵۹۵. امام علی علیه السلام: در هر عبرت آموختنی، بیناشدنی است.

۶۲. عنه علیه السلام: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ، وَاعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ^۳.

۶۵۵۹۶. امام علی علیه السلام: رحمت خدا بر آن کس که اندیشید و عبرت گرفت، و عبرت گرفت و بینا شد!

۶۳. عنه علیه السلام: دَوَامُ الْإِعْتِبَارِ يُؤَدِّي إِلَى الْإِسْتِبْصَارِ، وَيُثْمِرُ الْإِزْدِجَارَ^۴.

۶۵۵۹۷. امام علی علیه السلام: عبرت گرفتن مداوم، به بصیرت می‌انجامد، و باز ایستادن [از گناه و خطا] را به بار می‌نشانند.

۶۴. عنه علیه السلام - فِي خُطْبَةٍ خَطَبَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ -: أَوْ لَيْسَ لَكُمْ فِي آثَارِ الْأَوَّلِينَ وَفِي آبَائِكُمُ الْمَاضِينَ مُعْتَبَرٌ وَبَصِيرَةٌ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ؟!^۵

۶۵۵۹۸. امام علی علیه السلام - در خطبه‌ای که روز جمعه ایراد فرمود -: آیا در آثار پیشینیان و در پدران گذشته شما، [مایه‌های] عبرت و بصیرت نیست، اگر خرد می‌ورزید؟!

۱. نهج البلاغة: الحكمة ۲۰۸، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ۱۱۸، العدد القويّة: ص ۲۹۲ ح ۱۸ و ص ۳۰۰ ح ۳۶ كلاهما عن الإمام الرضا عليه السلام، نزهة الناظر: ص ۸۰ ح ۱۵۳، بحار الأنوار: ج ۷۰ ص ۷۳ ح ۲۷.
 ۲. غرر الحكم: ح ۶۴۶۱، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۵۳ ح ۵۹۶۲.
 ۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۳، غرر الحكم: ح ۵۲۰۶؛ دستور معالم الحكم: ص ۴۵ وفيه «عبداً» بدل «امراً».
 ۴. غرر الحكم: ح ۵۱۵۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۵۱ ح ۴۷۰۹.
 ۵. مصباح المتهجد: ص ۳۸۱ ح ۵۰۸ عن زيد بن وهب، الدعوات: ص ۲۳۸ ح ۶۶۶، بحار الأنوار: ج ۸۹ ص ۲۳۸ ح ۶۸.

التَّقْوَى

الکتاب (قرآن)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا﴾^۱

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ءَامِنُوا بِرِسُوْلِهِ يُوْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِّن رَّحْمَتِهِ وَ يَجْعَل لَّكُمْ

نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ﴾^۲

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از خدا پروا کنید برای شما فرقانی (نیروی جدا کننده حق از باطل) قرار می‌دهد».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید، و به پیامبرش، ایمان آورید تا دو بهره از رحمتش به شما عطا کند و برایتان، نوری قرار دهد که با آن، راه بروید و شما را بیمارزد، و خدا، آمرزگاری مهربان است».

الحديث (حديث)

۶۵. الإمام علیّ علیه السلام: إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوْبِكُمْ، وَبَصْرُ عَمَى أَفْئِدَتِكُمْ، وَشِفَاءُ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ، وَصَلَاحُ فَسَادِ صُدُوْرِكُمْ، وَطُهُوْرٌ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ، وَجِلَاءُ عَشَا أَبْصَارِكُمْ.^۳

۶۵۹۹. امام علی علیه السلام: همانا پروای از خدا، داروی درد دل‌های شما و بینا کننده کوری دل‌های شما و شفابخش بیماری بدن‌های شما و اصلاح کننده تباهی سینه‌های شما و پاک کننده آلودگی جان‌های شما و روشنی‌بخش ضعف دیدگان شماست.

۶۶. عنه علیه السلام: فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مِّنْ أَيْقَنَ فَأَحْسَنَ، وَعَبَّرَ فَأَعْتَبَرَ، وَحُدِّرَ فَازْدَجَرَ، وَبُصِّرَ فَاسْتَبَصَّرَ، وَخَافَ الْعِقَابَ، وَعَمِلَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ.^۴

۱. الأنفال: ۲۹.

۲. الحديد: ۲۸.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۸، بحار الأنوار: ج ۷۰ ص ۲۸۴ ح ۶.

۴. غرر الحكم: ح ۶۵۹۸، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۶۰ ح ۶۰۹۹ نحوه.

۶۵۶۰۰. امام علی علیه السلام: از خدا پروا کنید، همچون پروا کردن کسی که یقین کرد و نیکی به جا آورد، پند داده شد و پند گرفت، بر حذر داشته شد و [از گناه] باز ایستاد، بینایش کردند و بینا شد، و از کیفر ترسید و برای روز حساب، کار کرد.

ذِكْرُ اللَّهِ

یاد خدا

الکتاب (قرآن)

﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَلٌّ مِنْ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾^۱

«در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد، بی درنگ [خدا را] به یاد آورند و آن گناه، بینا شوند».

الحديث (حدیث)

۶۷. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَعْنَىٰ بِمُجَاهِدَةٍ نَفْسِهِ لِيُعَلِّبَهَا عَلَىٰ هَوَاهَا، فَمَرَّةً يُقِيمُ أَوْدَهَا^۲ وَيُخَالِفُ هَوَاهَا فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَمَرَّةً تَصْرَعُهُ نَفْسُهُ فَيَتَّبِعُ هَوَاهَا فَيَنْعَشُهُ اللَّهُ فَيَنْتَعِشُ، وَيُقِيلُ اللَّهُ عَثْرَتَهُ فَيَتَذَكَّرُ وَيَفْرَعُ إِلَىٰ التَّوْبَةِ وَالْمَخَافَةِ، فَيَزِدَادُ بَصِيرَةً وَمَعْرِفَةً لِمَا زِيدَ فِيهِ مِنَ الْخَوْفِ، وَذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَلٌّ مِنْ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»^۳.

۶۵۶۰۱. امام باقر علیه السلام: مؤمن، همواره در کار مبارزه با نفس خویش است تا بر هوس آن، چیره آید. گاه نفس خود را از کژی [و انحراف] به راستی می‌آورد و در راه محبت خدا، با هوای نفس، مخالفت می‌ورزد. گاه نفسش، او را بر زمین می‌افکند و در نتیجه، پیرو هوس آن می‌گردد؛ اما خداوند، دستش را می‌گیرد و بر می‌خیزد، و خدا، لغزش او را می‌بخشد و مؤمن، به خود می‌آید (/ به یاد خدا می‌افتد) و به توبه و ترس از خدا، پناه می‌برد و بر اثر افزایش ترسش [از خدا]، بر بصیرت و معرفت او افزوده می‌گردد. گواه این مطلب، این فرموده

۱. الأعراف: ۲۰۱.

۲. الأود: العوج (مجمع البحرين: ج ۱ ص ۹۶ «أود»).

۳. تحف العقول: ص ۲۸۴، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۱۶۳ ح ۱.

خداوند است که: «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد، بی درنگ [خدا را] به یاد می‌آورند و آن گاه، بینا می‌شوند».

۶۸. عنه‌علیه السلام - فی قوله تعالى: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَلٌّ مِنْ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» -: إِذَا ذَكَرَهُمُ الشَّيْطَانُ الْمَعَاصِيَ وَحَمَلَهُمْ عَلَيْهَا، يَذْكُرُونَ اللَّهَ فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ.^۱

۶۵۶۰۲. امام باقرعلیه السلام - در باره این سخن خداوند متعال: «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد، بی درنگ، [خدا را] به یاد می‌آورند و آن گاه، بینا می‌شوند» - : هر گاه شیطان، آنان را به یاد گناهان بیندازد و بر [انجام دادن] آنها وادارشان سازد، خدا را یاد می‌کنند و آن گاه، بینا می‌شوند.

۶۹. عنه‌علیه السلام: ثَلَاثٌ مِنْ أَشَدِّ مَا عَمِلَ الْعِبَادُ: إِنْصَافُ الْمُؤْمِنِ مِنْ نَفْسِهِ، وَمُؤَاسَاةُ الْمَرْءِ أَخَاهُ، وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَهُوَ أَنْ يَذْكُرَ اللَّهَ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ يَهُمُّ بِهَا، فَيَحُولُ ذِكْرُ اللَّهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ تِلْكَ الْمَعْصِيَةِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَلٌّ مِنْ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ».^۲

۶۵۶۰۳. امام باقرعلیه السلام: سه چیز، از سخت‌ترین کارها برای بندگان است: انصاف داشتن مؤمن در باره خود، همدردی و کمک مالی انسان به برادرش، و به یاد خدا بودن در همه حال. این، بدان معناست که آدمی، هنگام رو به رو شدن با گناه و آهنگ آن کردن، خدا را یاد می‌کند، و یاد خدا، مانع میان او و آن گناه می‌شود. این است معنای سخن خداوند که می‌فرماید: «در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد، بی درنگ [خدا را] به یاد می‌آورند و آن گاه، بینا می‌شوند».

۷۰. الكافي عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «إِذَا مَسَّهُمْ طَلٌّ مِنْ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» قَالَ: هُوَ الْعَبْدُ يَهُمُّ بِالذَّنْبِ

۱. تفسیر القمی: ج ۱ ص ۲۵۳، بحار الأنوار: ج ۶۳ ص ۲۳۶ ح ۷۹.

۲. الخصال: ص ۱۳۱ ح ۱۳۸، معانی الأخبار: ص ۱۹۲ ح ۲، جامع الأحادیث: ص ۱۸۹ کلاهما نحوه وكلها عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج ۶۹ ص ۳۷۹ ح ۳۶.

ثُمَّ يَتَذَكَّرُ فَيَمْسِكُ، فَذَلِكَ قَوْلُهُ: «تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»^۱.

۶۵۶۰۴. الکافی - به نقل از ابو بصیر-: از امام صادق علیه السلام در باره این فرموده خداوند که: «چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد، بی درنگ [خدا را] به یاد می‌آورند و آن‌گاه، بینا می‌شوند» پرسیدم. فرمود: «[معنایش این است که] آن بنده، آهنگِ گناه می‌کند. سپس [خدا را] یاد آوری شود و دستِ نگه می‌دارد. این است معنای فرموده او که: «بی درنگ، [خدا را] به یاد می‌آورند و آن‌گاه، بینا می‌شوند».

۷۱. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى جَعَلَ الذِّكْرَ جَلَاءً لِلْقُلُوبِ، تَسْمَعُ

بِهِ بَعْدَ الْوَقْرَةِ^۲، وَتُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ^۳.

۶۵۶۰۵. امام علی علیه السلام: خداوند پاک و بلندمرتبه، یاد [خود] را صیقل دهنده دل‌ها قرار داده است. گوش‌های سنگین شده دل‌ها، با یاد خدا، شنوا می‌شوند و چشم‌های [کور و] تاری شده دل‌ها به وسیله آن، بینا می‌گردند.

۷۲. عنه عليه السلام: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ اسْتَبْصَرَ^۴.

۶۵۶۰۶. امام علی علیه السلام: هر که خدا را یاد کند، بصیرت می‌یابد.

۷۳. عنه عليه السلام: ذَكَرُ اللَّهُ يُنِيرُ الْبَصَائِرَ، وَيُونِسُ الضَّمَائِرَ^۵.

۶۵۶۰۷. امام علی علیه السلام: یاد خدا، روشنی‌بخش دیدگان و آرام‌بخش دل‌هاست.

۷۴. عنه عليه السلام: الذِّكْرُ هِدَايَةُ الْعُقُولِ، وَتَبْصِرَةُ النُّفُوسِ^۶.

۶۵۶۰۸. امام علی علیه السلام: یاد [خدا]، هدایت‌کننده خردها و بینا کننده جان‌هاست.

۱. الکافی: ج ۲ ص ۴۳۴ ح ۷، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۴۳ ح ۱۲۸ عن زید بن ابی أسامة و ص ۴۴ ح ۱۲۹ عن

علی بن ابی حمزة وکلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ۶ ص ۴۰ ح ۷۲.

۲. الوقرة: هی المرأة من الوقر؛ ثقل السمع (لسان العرب: ج ۵ ص ۲۸۹ «وقر»).

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۲۲۲، إرشاد القلوب: ص ۵۹ وفيه: «العشوة» بدل «العشوة»، غرر الحكم: ح ۳۵۷۳ نحوه، بحار

الأنوار: ج ۶۹ ص ۳۲۵ ح ۳۹.

۴. العشوة: الأمر الملتبس، وأن یركب أمراً بجهل لا یرف وجهه، مأخوذ من عشوة الليل، وهی ظلمته (النهاية: ج ۳ ص

۲۴۲ «عشا»).

۵. غرر الحكم: ح ۷۸۰۰، عیون الحكم والمواعظ: ص ۴۲۹ ح ۷۲۹۷.

۶. غرر الحكم: ح ۵۱۶۷، عیون الحكم والمواعظ: ص ۲۵۵ ح ۴۷۲۰.

۷. غرر الحكم: ح ۱۴۰۳.

۷۵. عنه عليه السلام: الذُّكْرُ جِلاءُ البَصَائِرِ، ونورُ السَّرَائِرِ.^۱
 ۶۵۶۰۹. امام علی علیه السلام: یاد خدا، صیقل دهنده دیدگان [دل‌ها] و نور درون‌هاست.

الإِخْلَاصُ

اخلاص

۷۶. الإمام علی علیه السلام: عِنْدَ تَحَقُّقِ الإِخْلَاصِ تَسْتَبِيرُ البَصَائِرِ.^۲
 ۶۵۶۱۰. امام علی علیه السلام: چون اخلاص تحقق یابد، دیده بصیرت، روشنی می‌گیرد.

۷۷. عنه عليه السلام - فی ذِکرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - : قَالَ اللهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ... مَنْ عَمِلَ بِرِضَائِي أُلْزِمَهُ ثَلَاثَ خِصَالٍ: أَعْرَفَهُ شُكْرًا لَا يُخَالِطُهُ الْجَهْلُ، وَذِكْرًا لَا يُخَالِطُهُ النِّسْيَانُ، وَمَحَبَّةً لَا يُؤْثِرُ عَلَيَّ مَحَبَّتِي مَحَبَّةَ المَخْلُوقِينَ، فَإِذَا أَحَبَّنِي أَحَبَبْتُهُ، وَأَفْتَحَ عَيْنَ قَلْبِهِ إِلَى جَلَالِي، وَلَا أُخْفِي عَلَيْهِ خَاصَّةَ خَلْقِي، فَأَنَاجِيهِ فِي ظَلَمِ اللَّيْلِ وَنُورِ النَّهَارِ حَتَّى يَنْقَطِعَ حَدِيثُهُ مَعَ المَخْلُوقِينَ، وَمُجَالَسَتُهُ مَعَهُمْ، وَأُسْمِعُهُ كَلَامِي وَكَلَامَ مَلَائِكَتِي، وَأَعْرَفَهُ السِّرَّ الَّذِي سَتَرْتُهُ عَن خَلْقِي، وَالْبِسْئَةَ الحَيَاءِ حَتَّى يَسْتَحْيِيَ مِنْهُ الخَلْقُ كُلُّهُمْ، وَيَمْشِي عَلَى الأَرْضِ مَغْفُورًا لَهُ، وَأَجْعَلُ قَلْبَهُ وَاِعْيَاءً وَبَصِيرًا، وَلَا أُخْفِي عَلَيْهِ شَيْئًا مِنْ جَنَّةٍ وَلَا نَارٍ، وَأَعْرَفَهُ مَا يَمُرُّ عَلَى النَّاسِ فِي يَوْمِ القِيَامَةِ مِنَ الهَوْلِ وَالشَّدَةِ، وَمَا أُحَاسِبُ الأَغْنِيَاءَ وَالفُقَرَاءَ وَالجُهَّالَ وَالعُلَمَاءَ... فَهَذِهِ صِفَاتُ المُحِبِّينِ.^۳

۶۵۶۱۱. امام علی علیه السلام - در یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه وآله - : خدای متعال فرمود: «... ای احمد! ... هر که برای خشنودی من کار کند، سه خصلت در وجود او می‌نهم: سپاس‌گزاری‌ای را به او می‌شناسانم که با نادانی آمیخته نباشد، و یادی را که با فراموشی در نیامیزد، و محبتی را که محبت مخلوقات را بر محبت من بر نگزیند. پس هر گاه مرا دوست بدارد، من هم او را دوست می‌دارم و چشم دلش را به سوی جلالم می‌گشایم و

۱. غرر الحکم: ح ۱۳۷۷.

۲. غرر الحکم: ح ۶۲۱۱، عیون الحکم و المواعظ: ص ۳۳۸ ح ۵۷۶۵.

۳. إرشاد القلوب: ص ۲۰۴-۱۹۹، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۲۸ ح ۶.

بندگان ویژه خود را از او پنهان نمی‌دارم و در تاریکی‌های شب و روشناییِ روز، با او نجوا می‌کنم، آن سان که همسخنی‌اش با آفریدگان و همنشینی با آنان را رها کند. سخن خودم و سخن فرشتگانم را به او می‌شنویم و رازی را که از آفریدگانم پوشانده‌ام، برای او فاش می‌سازم و جامه حیا بر او می‌پوشانم تا تمام آفریدگان، از او حیا کنند و آمرزیده، بر روی زمین راه می‌رود و دلش را پذیرا و بینا می‌گردانم و هیچ چیزی از بهشت و دوزخ را بر او پوشیده نمی‌دارم و ترس‌ها و سختی‌هایی را که مردم در روز قیامت، از سر می‌گذرانند و حسابی را که از توانگران و تهی‌دستان و نادانان و دانایان می‌کشم، به او می‌شناسانم.... این است صفات دوستان [خدا].

الزُّهْدُ

پارسایی

۷۸. رسول الله صلی الله علیه وآله - فِي التَّرْغِيبِ بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا - : مَنْ زَهَدَ فِيهَا فَقَصَّرَ فِيهَا أَمَلَهُ، أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمًا بَغَيْرِ تَعَلُّمٍ، وَهُدًى بَغَيْرِ هِدَايَةٍ، فَأَذْهَبَ عَنْهُ الْعَمَى وَجَعَلَهُ بَصِيرًا.^۱

۶۵۶۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله - در تشویق به پارسایی در دنیا - : هر که در دنیا پارسایی ورزد و آرزویش را در آن، کوتاه کند، خداوند، بدون آموختن، به او دانشی می‌دهد و بدون هدایت شدن، هدایتی. پس کوری را از او می‌زداید و او را بینا می‌گرداند.

۷۹. الإمام علي عليه السلام: اِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا؛ يُبْصِرَكَ اللَّهُ عَوْرَاتِهَا.^۲

۶۵۶۱۳. امام علی علیه السلام: در دنیا پارسا باش تا خداوند، تو را به معایب آن، بینا گرداند.

۱. تحف العقول: ص ۶۰، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۱۶۳ ح ۱۸۷؛ حلیة الأولیاء: ج ۱ ص ۷۲ عن نصیر بن حمزة عن أبيه عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عن الإمام الحسين عن أبيه عليهم السلام عنه صلی الله علیه وآله نحوه، كنز العمال: ج ۳ ص ۱۹۷ ح ۶۱۴۹.

۲. نهج البلاغة: الحكمة ۳۹۱، تنبيه الخواطر: ج ۲ ص ۲۹۷، غرر الحكم: ح ۲۳۶۲ وفيه «عيوبها» بدل «عوراتها»، بحار الأنوار: ج ۷۰ ص ۳۱۹ ح ۳۴.

قَبُولُ النَّصِيحِ

نصیحت‌پذیری

۸۰. الإمام علی علیه السلام: قَدْ نَصَحْتُمْ فَانْتَصِحُوا، وَبُصِّرْتُمْ فَأَبْصِرُوا، وَأُرْشِدْتُمْ فَاسْتَرشِدُوا.^۱

۶۵۶۱۴. امام علی علیه السلام: شما نصیحت شده‌اید، پس نصیحت‌پذیر باشید. به شما بینایی داده شده است، پس ببینید و [به راه راست] ارشاد شده‌اید، پس راه راست در پیش گیرید.

۸۱. عنه علیه السلام: لَقَدْ بُصِّرْتُمْ إِنْ أَبْصَرْتُمْ، وَأَسْمِعْتُمْ إِنْ سَمِعْتُمْ، وَهَدَيْتُمْ إِنْ اهْتَدَيْتُمْ.^۲

۶۵۶۱۵. امام علی علیه السلام: هر آینه، به شما، بینایی داده شده است، اگر ببینید، و شنوایده شده‌اید، اگر بشنوید، و راه به شما نشان داده شده است، اگر به راه آید.^۳

۸۲. عنه علیه السلام: بِالْهُدَى يَكْثُرُ الْإِسْتِیْصَارُ.^۴

۶۵۶۱۶. امام علی علیه السلام: با راه‌نمایی، بصیرت، افزون می‌شود.

اِسْتِیْقَالُ الْأُمُورِ

به پیشواز رفتن کارها

۸۳. الإمام علی علیه السلام: مَنْ اِسْتَقْبَلَ الْأُمُورَ أَبْصَرَ. مَنْ اِسْتَدْبَرَ الْأُمُورَ تَحَيَّرَ.^۵

۶۵۶۱۷. امام علی علیه السلام: هر که به پیشواز کارها رود^۶، بینا می‌شود و هر که از پس کارها رود، حیران می‌شود.

۱. غرر الحکم: ح ۶۶۸۳.

۲. نهج البلاغه: الخطبة ۲۰، غرر الحکم: ح ۷۳۴۶.

۳. یعنی آنچه مایه بینش و بصیرت شماست و آنچه باید به گوش شما رسانیده شود، به شما گفته شده و راه درست، به شما نمایانده شده است. پس چشم و گوش خود را باز کنید و راه درست را در پیش گیرید.

۴. غرر الحکم: ح ۴۱۸۶، عیون الحکم والمواعظ: ص ۱۸۷ ح ۳۸۱۰.

۵. غرر الحکم: ح ۷۸۰۲ و ۷۸۰۳، عیون الحکم والمواعظ: ص ۴۵۲ ح ۸۰۹۳ و ۸۰۹۴.

۶. ظاهراً مقصود آن است که اندیشیدن و تدبیر قبل از انجام هر کار، موجب بصیرت و فکر کردن بعد از انجام آن موجب حیرت و سرگردانی است.

الجوع

گرسنگی

۸۴. الإمام علی علیه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَأَلَ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ

فَقَالَ:.... يَا رَبُّ مَا مِيرَاثُ الْجُوعِ؟

قال: الْحِكْمَةُ، وَحِفْظُ الْقَلْبِ، وَالتَّقَرُّبُ إِلَيَّ، وَالْحُزْنُ الدَّائِمُ، وَخِفَّةُ الْمُؤْنَةِ بَيْنَ النَّاسِ،

وَقَوْلُ الْحَقِّ، وَلَا يُبَالِي عَاشَ بَيْسَرٍ أَمْ بَعْسَرٍ....

يا أحمد، إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا جَاعَ بَطْنُهُ وَحَفِظَ لِسَانَهُ، عَلَّمَتْهُ الْحِكْمَةَ، وَإِنْ كَانَ كَافِرًا تَكُونُ

حِكْمَتُهُ حُجَّةً عَلَيْهِ وَوَبَالًا، وَإِنْ كَانَ مُؤْمِنًا تَكُونُ حِكْمَتُهُ لَهُ نُورًا وَبُرْهَانًا وَشِفَاءً وَرَحْمَةً،

فَيَعْلَمُ مَا لَمْ يَكُنْ يَعْلَمُ وَيُبْصِرُ مَا لَمْ يَكُنْ يُبْصِرُ، فَأَوَّلُ مَا أَبْصَرَهُ عُيُوبُ نَفْسِهِ حَتَّى يَشْغَلَ

بِهَا عَنِ عُيُوبِ غَيْرِهِ، وَأَبْصَرَهُ دَقَائِقَ الْعِلْمِ حَتَّى لَا يَدْخُلَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ.^۲

۶۵۶۱۸. امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج از پروردگار پاکش

پرسید و گفت:... ای پروردگار من! میراث [و ثمره] گرسنگی چیست؟

فرمود: «حکمت، نگاه داشتن دل، نزدیک شدن به من، اندوه همیشگی داشتن، کم خرج و

زحمت بودن برای مردم، حقیقی و باک نداشتن از این که در آسانی زندگی کند یا در

سختی....

ای احمد! بنده، هر گاه شکمش گرسنه باشد و زبانش را نگه دارد، من به او حکمت

می آموزم. چنانچه کافر باشد، حکمتش، حجتی بر او و وبال او خواهد بود، و اگر مؤمن باشد،

حکمتش برای او نور و برهان و شفا و رحمت است، به طوری که آنچه را نمی دانسته است،

می داند و آنچه را نمی دیده است، می بیند. پس نخستین چیزی که به او می نمایانم، عیب های

خود اوست تا با پرداختن به آنها، از پرداختن به عیب های دیگران، بازماند و [دیگر آن که] دقایق

و نکته های باریک دانش و معرفت را به او نشان می دهم تا این که شیطان به او راه نیابد.»

۱. الوَبَالُ: الْوَخَامَةُ وَسُوءُ الْعَاقِبَةِ (مجمع البحرین: ج ۳ ص ۱۹۰۰ «وبل»).

۲. إرشاد القلوب: ص ۲۰۵-۱۹۹، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۲۱ ح ۶.

الدُّعَاءُ

دعا

۸۵. الإمام علیّ علیه السلام - فی المناجاة الشَّعبانیَّة - : إلهی هَب لی کمال الانقیاعِ إلیک، وأنیر أبصارَ قلوبنا بضیاءِ نظرها إلیک، حتّی تخرقَ أبصارَ القلوبِ حُجُبَ النُّورِ، فتصلَ إلی معدنِ العظْمَةِ، وتَصیرَ أرواحنا مُعلَّقةً بعزِّ قدسیک.^۱

۶۵۶۱۹. امام علی علیه السلام - در «مناجات شعبانیه» - : خدایا ! کمال [گسستن از همه و] روی آوردن به خودت را ارزانی‌ام بدار و دیدگان دل‌های ما را با فروغِ نگاه‌ی که به تو می‌افکنند، روشنایی بخش، تا آن‌گاه که دیدگان دل‌ها، پرده‌های نور را از هم بدرند و به کانون عظمت [تو] بار یابند و جان‌های ما به شکوه قدس و پاکی تو بیاویزند.

۸۶. الإمام الحسین علیه السلام - مِنْ دُعَائِهِ فی قُنُوتِهِ - : اللَّهُمَّ وَإِنِّي مَعَ ذَلِكَ كُلِّهِ عَائِدٌ بِكَ... مُسْتَبْصِرٌ فی ما بَصَّرْتَنِي... فَلَا تُخَلِنِي مِنْ رِعَايَتِكَ... وَاجْعَلْ عَلَيَّ الْبَصِيرَةَ مَدْرَجَتِي.^۲

۶۵۶۲۰. امام حسین علیه السلام - در دعای قنوت - : بار خدایا ! با این همه، من به تو پناه آورده‌ام... و در آنچه به من نشان داده‌ای، بینایم... پس مرا از حمایت خویش، بی‌بهره مگذار... و مرا در مسیر خویش، با بینش [و آگاهی] اقرار ده.

۸۷. الإمام زین العابدین علیه السلام - فی أَدْعِيَةِ السَّحْرِ فی لِيَالِي شَهْرِ رَمَضَانَ - : اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بَصِيرَةً فی دِينِكَ، وَفَهْمًا فی حُكْمِكَ، وَفِقْهًا فی عِلْمِكَ، وَكِفْلَيْنِ^۳ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَوَرَعًا يَحْجُزُنِي عَنِ مَعَاصِيكَ، وَبَيِّضَ وَجْهِ بِنُورِكَ.^۴

۱. الإقبال: ج ۳ ص ۲۹۹، بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۹۹ ح ۱۳ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي عن نوف البكالي.

۲. مهج الدعوات: ص ۶۸، بحار الأنوار: ج ۸۵ ص ۲۱۴.

۳. كِفْلَيْنِ من رحمتك: أي نصيبين منها (مجمع البحرين: ج ۳ ص ۱۵۸۲ «كفل»).

۴. مصباح المتهدّد: ص ۵۹۶ ح ۶۹۱، الإقبال: ج ۱ ص ۱۷۳، المصباح للكفعمي: ص ۷۹۶ كَلِمًا عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۹۲ ح ۲.

۶۵۶۲۱. امام زین العابدین علیه السلام - در دعاهاى سحر شب‌های ماه رمضان -: بار خدایا! بصیرت در دینت و فهمیدن احکامت و فهم عمیق در علمت را به من عطا کن و نیز دو بهره از رحمت و ورعی که مرا از گناهانت باز دارد، و رویم را با نور خود، سپید گردان.

۸۸. الإمام الصادق علیه السلام - فى دُعَاءِ عَلَّمَهُ لَوَجَعَ الْعَيْنِ - : وَاجْعَلِ النُّورَ فى بَصْرِى وَالبَصِيرَةَ فى دِينِى.^۱

۶۵۶۲۲. امام صادق علیه السلام - در دعایی که برای درد چشم آموخت -: و در دیده‌ام، روشنایی قرار ده و در دینم، بصیرت.

۸۹. عنه علیه السلام: أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ رِضَاكَ عِنْدَ السُّخْطَةِ، وَالْفَرْجَةَ عِنْدَ الْكُرْبَةِ، وَالنُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ، وَالبَصِيرَةَ عِنْدَ تَشْبِهِ الْفِتْنَةِ.^۲

۶۵۶۲۳. امام صادق علیه السلام: به نام بزرگت، از تو می‌خواهم که خشنودیات را در هنگام خشم، گشایش را در هنگام رنج [و گرفتاری]، روشنایی را در وقت تاریکی و بصیرت را در زمان در هم شدن امور بر اثر فتنه [نصیب کنی].

۹۰. عنه علیه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلىَّ الْحَمْدِ وَأَهْلِهِ، وَمُنْتَهَاهُ وَمَحَلَّهُ... أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الْهُدَى مِنَ الضَّلَالَةِ، وَالبَصِيرَةَ مِنَ الْعَمَى، وَالرُّشْدَ مِنَ الْغَوَايَةِ.^۳

۶۵۶۲۴. امام صادق علیه السلام: ستایش، خدای را که صاحب ستایش و سزاوار آن و منتهای آن و جایگاه آن است....

بار خدایا! از تو می‌خواهم هدایت شدن از گم‌راهی را، و بینا شدن از کوری را، و به راه آمدن از کج‌روی را.

۹۱. الإمام الرضا علیه السلام - فى الْفِقْهِ الْمَنَسُوبِ إِلَيْهِ -: وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَكْتَحِلَ فَخُذِ الْمَيْلَ بِيَدِكَ الْيُمْنَى وَأَضْرِبْهُ فى الْمُكْحَلَةِ، وَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ»، فَإِذَا جَعَلْتَ الْمَيْلَ فى عَيْنِكَ

۱. الكافي: ج ۲ ص ۵۵۰ ح ۱۱، الأمالى للمفيد: ص ۱۷۹ ح ۹، الأمالى للطوسى: ص ۱۹۶ ح ۳۳۴، مكارم الأخلاق: ج ۲ ص ۲۴۷ ح ۲۵۹۷ كلها عن محمد الجعفى عن أبيه، بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۸۶ ح ۲.
 ۲. الكافي: ج ۲ ص ۵۹۲ ح ۳۱ عن عبد الرحمن بن سيابة، مصباح المتجهّد: ص ۲۷۶ ح ۳۸۳، جمال الأسبوع: ص ۱۴۳ وفيهما: «شدة الغفلة» بدل «تشبه الفتنه»، بحار الأنوار: ج ۸۹ ص ۳۰۲ ح ۱۰.
 ۳. الكافي: ج ۲ ص ۵۹۱-۵۹۰ ح ۳۱ عن عبد الرحمن بن سيابة، مصباح المتجهّد: ص ۲۷۵ ح ۳۸۳، جمال الأسبوع: ص ۱۴۱ وليس فيهما صدره إلى «ومحله»، بحار الأنوار: ج ۸۹ ص ۳۰۱ ح ۱۰.

فَقُلْ: «اللَّهُمَّ نَوِّرْ بَصْرِي، وَاجْعَلْ فِيهِ نُورًا أَبْصِرُ بِهِ حَقَّكَ، وَاهْدِنِي إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ، وَأَرْشِدْنِي إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ، اللَّهُمَّ نَوِّرْ عَلَيَّ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي»^۱.

۶۵۶۲۵. امام رضا عليه السلام - در کتاب فقه منسوب به ایشان - : و هر گاه خواستی سرمه بکشی، میل را در دست راست بگیر و آن را در سرمه‌دان بزنی و «بسم الله» بگو. همچنين، هنگامی که میل را در چشم قرار دادی، بگو: «بار خدایا! چشمم را روشنی گردان، و در آن نوری قرار ده که با آن، حق تو را بینم و مرا به راه حق، راه‌نمایی کن و به راه درست، ارشادم فرما. بار خدایا! دنیا و آخرت را بر من، روشن ساز».

۹۲. الإمام العسكري عليه السلام: اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ... وَاسْتَقْبِلْ بِي صِحَّةً مِنْ سَقْمِي، وَسَعَةً مِنْ عُدْمِي، وَسَلَامَةً شَامِلَةً فِي بَدْنِي، وَبَصِيرَةً وَنَظْرَةً نَافِذَةً فِي دِينِي.^۲

۶۵۶۲۶. امام عسكري عليه السلام: بار خدایا! بر محمد و خاندان او، درود فرست... و بیماری‌ام را به تن‌درستی و ناداری‌ام را به گشایش، تبدیل کن و بدنم را سراسر سالم بدار و بصیرت و نگاهی نافذ در دینم، عطايم فرما.

راجع: موسوعة العقائد الإسلامية: ج ۲ (القسم السادس: مبادئ المعرفة / الفصل الرابع: مبادئ

الإلهام).

رک: دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۲ ص ۴۸۱ (مبای‌شناخت / فصل چهارم: خاستگاه الهام).

۱. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص ۳۹۷، المقنع: ص ۵۴۲ نحوه من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۵۹ ح ۶.

۲. المصباح للكفعمي: ص ۱۱۵، مصباح المتهدّد: ص ۲۳۰ ح ۳۳۷ وليس فيه «وسعة من عدمي، وبصيرة»، العدد القويّة: ص ۲۰۷ نحوه وكلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۱۷۶ ح ۴۵.

الفصل الخامس: آثار البصيرة

فصل پنجم: آثار بصیرت

العِلْمُ دَانِيِي

۹۳. رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله: إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ أَبْصَرُهُمْ بِالْحَقِّ إِذَا اخْتَلَفَتِ النَّاسُ وَإِنْ كَانَ مُقَصِّرًا فِي الْعَمَلِ، وَإِنْ كَانَ يَزْحَفُ عَلَيَّ اسْتِهٖ! ٢

۶۵۶۲۷. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: داناترین مردم، کسی است که هر گاه مردم [در حق] اختلاف کنند، او بیناترین آنان به حق باشد، اگر چه در عمل، کوتاهی کند، و اگر چه بر نشیمن خویش بخزد. ٣

۹۴. الإمام علیّ علیه السلام: مَنْ أَبْصَرَ فَهَمَّ، وَمَنْ فَهِمَ عَلِمَ. ٤

۶۵۶۲۸. امام علی علیه السلام: کسی که بینا باشد، می فهمد، و کسی که بفهمد، دانا می شود.

۹۵. عنه علیه السلام: لَا عِلْمَ لِمَنْ لَا بَصِيرَةَ لَهُ. ٥

۶۵۶۲۹. امام علی علیه السلام: کسی که بصیرت ندارد، دانشی ندارد.

۹۶. عنه علیه السلام - فِي ذِكْرِ صِفَةِ الْإِيمَانِ -: الْيَقِينُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: تَبَصُّرَةُ الْفِطْنَةِ،

۱. المستدرک علی الصحیحین: ج ۲ ص ۵۲۲ ح ۳۷۹۰، المعجم الکبیر: ج ۱۰ ص ۲۲۰ ح ۱۰۵۳۱ بزيادة «زحفاً» فی آخره، شعب الإیمان: ج ۷ ص ۶۹ ح ۹۵۱۰، نوادر الأصول: ج ۱ ص ۴۴، حلیة الأولیاء: ج ۴ ص ۱۷۷ الرقم ۲۷۱ کلها عن ابن مسعود، کنز العمال: ج ۱۵ ص ۸۹۰ ح ۴۳۵۲۵.
۲. الاست: العجز، وقد یراد به حلقة الدبر (مجمع البحرین: ج ۲ ص ۸۱۶ «سته».)
۳. شاید کنایه از کودک بودن باشد.
۴. نهج البلاغة: الحکمة ۲۰۸، خصائص الأئمة علیهم السلام: ص ۱۱۹، نزهة الناظر: ص ۸۰ ح ۱۵۳، العدد القویة: ص ۲۹۲ ح ۱۸ عن الإمام الرضا علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۷۱ ص ۳۲۷ ح ۲۵.
۵. غرر الحکم: ح ۱۰۷۷۳، عیون الحکم والمواعظ: ص ۵۳۹ ح ۹۹۷۹.
۶. قال العلامة المجلسی قدس سره: تبصرة الفطنة: التبصرة مصدر باب التفعیل، والفطنة الحذق وجودة الفهم، وقال ابن

وَتَأْوُلِ الْحِكْمَةَ، وَمَعْرِفَةَ الْعِبْرَةِ، وَسُنَّةِ الْأَوَّلِينَ. فَمَنْ أَبْصَرَ الْفِطْنَةَ عَرَفَ الْحِكْمَةَ، وَمَنْ
تَأْوُلِ الْحِكْمَةَ عَرَفَ الْعِبْرَةَ، وَمَنْ عَرَفَ الْعِبْرَةَ عَرَفَ السُّنَّةَ، وَمَنْ عَرَفَ السُّنَّةَ فَكَأَنَّمَا كَانَ
مَعَ الْأَوَّلِينَ، وَاهْتَدَى إِلَى الَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، وَنَظَرَ إِلَى مَنْ نَجَا بِمَا نَجَا، وَمَنْ هَلَكَ بِمَا
هَلَكَ، وَإِنَّمَا أَهْلَكَ اللَّهُ مَنْ أَهْلَكَ بِمَعْصِيَتِهِ، وَأَنْجَى مَنْ أَنْجَى بِطَاعَتِهِ^۱.

۶۵۶۳۰. امام علی علیه السلام - در یادکرد اوصاف ایمان - : یقین، بر چهار شاخه است:
تیزی، حکمت دانی، عبرت شناسی، و شناخت سنت (راه و رسم و سرگذشت) پیشینیان. هر
که تیزبین باشد، حکمت شناس می شود و هر که حکمت شناس شود، عبرت را می شناسد و
کسی که عبرت شناس باشد، سنت را بشناسد و کسی که سنت را بشناسد، گویی با گذشتگان
بوده است، درست ترین راه را می یابد و نجات یافتگان و عوامل نجات آنها را، و نیز
نابودشدگان و عوامل نابودی آنان را می شناسد؛ و البته، خدا، آنانی را که نابود کرده، به سبب
نافرمانی از او، نابود کرده است، و آنانی را که نجات بخشیده، به سبب فرمان برداری از او،
نجات بخشیده است.

الإيمان

الكتاب (قرآن)

﴿مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصْمَى وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾^۲
﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ * وَالظُّلْمَةُ وَالنُّورُ * وَالظُّلُّ وَالْحُرُورُ﴾^۳.

مبتم: هی سرعت هجوم النفس علی حقائق ما توردده الحواس علیها، وقال: تبصرة الفطنة إعمالها. أقول: يمكن أن تكون
الإضافة إلى الفاعل؛ أي جعل الفطنة الإنسان بصيراً، أو إلى المفعول، أي جعل الإنسان الفطنة بصيرة، ويحتمل أن تكون
التبصرة بمعنى الإبصار والرؤية، فرؤيتها كناية عن التوجه والتأمل فيها وفي مقتضاها، فالإضافة إلى المفعول، وحمله على
الإضافة إلى الفاعل محوج إلى تكلف في قوله: «فمن أبصر الفطنة» بحار الأنوار: ج ۶۸ ص ۳۶۷.

۱. الكافي: ج ۲ ص ۵۰ ح ۱ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، نهج البلاغة: الحكمة ۳۱، الخصال: ص ۲۳۱ ح ۷۴
عن الأصمغ بن نباتة، تحف العقول: ص ۱۶۵ كلاً نحوه وليس فيها ذيله من «واهدى...»، بحار الأنوار: ج ۶۸ ص
۳۵۱ ح ۱۹؛ تاريخ دمشق: ج ۴۲ ص ۵۱۵ عن قبيصة بن جابر الأسدي نحوه، وليس فيه ذيله من «واهدى...»، كنز
الععمال: ج ۱ ص ۲۸۵ ح ۱۳۸۸.

۲. هود: ۲۴.

۳. فاطر: ۲۱ - ۱۹.

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ﴾^۱

﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَيْتُ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ﴾^۲

﴿قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَبَّهُهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَحِيدُ الْقَهَّارُ﴾^۳

﴿أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^۴
 ﴿وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا * وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا * أَوَّلَ - كَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا﴾^۵

«مثل این دو گروه، همچون نابینا و ناشنوا [در مقایسه] با بینا و شنواست. آیا در مثل، یکسان‌اند؟ پس آیا پند نمی‌گیرید؟».

«نابینا و بینا، یکسان نیستند. و نه تاریکی‌ها و روشنایی‌ها، و نه سایه و آفتاب». «نابینا و بینا، یکسان نیستند، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، [نیز] با [مردم] بدکار، یکسان نیستند، چه اندک، پند می‌پذیرید!».

۱. غافر: ۵۸.

۲. الأنعام: ۵۰.

۳. الرعد: ۱۶.

۴. الرعد: ۱۹.

۵. الفرقان: ۷۵-۷۳.

«بگو: «به شما نمی‌گویم که گنجینه‌های خدا، نزد من است، و غیب نیز نمی‌دانم، و به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام. جز از آنچه به من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم.» بگو: «آیا نابینا و بینا، یکسان‌اند؟ آیا نمی‌اندیشید؟».

«بگو: «پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟». بگو: «خدا». بگو: «پس آیا جز او، سرپرستانی گرفته‌اید که اختیار سود و زیان خود را ندارند؟». بگو: «آیا نابینا و بینا، یکسان‌اند؟ یا تاریکی‌ها و روشنایی‌ها [برابرند؟ یا برای خدا، شریکانی پنداشته‌اند که مانند آفرینش او آفریده‌اند و در نتیجه، [این دو] آفرینش بر آنان، مُشْتَبَه شده است؟». بگو: خدا، آفریننده هر چیزی است، و اوست یگانه قهار».

«آیا کسی که می‌داند آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده، حق است، مانند کسی است که نابیناست؟ در حقیقت، خردمندان، بند می‌گیرند».

«و کسانی که چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، گم و گور، روی آن نمی‌افتند. و کسانی‌اند که می‌گویند: «پروردگارا! به ما از همسران و فرزندانمان، آن ده که [مایه] روشنی چشمان ما باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان». اینان‌اند که به [پاس] آن که شکیبایی کردند، غرفه‌های بهشت را [پاداش خواهند یافت و در آن جا با سلام و درود، مواجه خواهند شد».

حدیث الحدیث

۹۷. الإمام علی علیه السلام - فی صِفَةِ خُلَفَاءِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ - : هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ، وَبَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ، وَاسْتَلَانُوا مَا اسْتَعْوَرَهُ^۱ الْمُتَرْفُونَ، وَأَنَسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ، وَصَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أرواحها مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى، أُولَئِكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَالدُّعَاةُ إِلَى دِينِهِ. آه، آه شَوْقاً إِلَى رُؤْيَتِهِمْ.^۲

۱. هكذا في المصدر، وفي المصادر الأخرى «ما استوعره» وهو الأنسب. وهو من الوعر من الأرض ضد السهل، أي استسهل ما استصعبه المتنعمون (مجمع البحرين: ج ۳ ص ۱۹۵۲ «وعر»).

۲. نهج البلاغة: الحكمة ۱۴۷ عن كميل بن زياد، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ۱۰۶، نزهة الناظر: ص ۹۰ ح ۱۶۹، أعلام الدين: ص ۸۶ بزيادة «سراً وجهراً» بعد «دينه».

۶۵۶۳۱. امام علی علیه السلام - در توصیف جانشینان خدا در زمین - : علم، آنان را به حقیقت بصیرت کشانده است و با روح یقین، در آمیخته‌اند و آنچه را نازپروردگان، دشوار دیده‌اند، آنان، آسان یافته‌اند، و با آنچه نادانان از آن رمیده‌اند، انس گرفته‌اند، و در این دنیا، با بدن‌هایی زندگی می‌کنند که روح آنها به جایگاه برین، تعلق دارد. اینان، جانشینان خدا در زمین او هستند و دعوتگران او به سوی دینش. وه، وه که چه شوقی است مرا به دیدن ایشان!

۹۸. عنه علیه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا مُنْتَهَى بَصَرِ الْأَعْمَى، لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَّرَاءَهَا شَيْئًا، وَالْبَصِيرُ يَنْفُذُهَا بَصَرُهُ، وَيَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَّرَاءَهَا. فَالْبَصِيرُ مِنْهَا شَاخِصٌ، وَالْأَعْمَى إِلَيْهَا شَاخِصٌ، وَالْبَصِيرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ، وَالْأَعْمَى لَهَا مُتَزَوِّدٌ.^۱

۶۵۶۳۲. امام علی علیه السلام: همانا دنیا، واپسین دیدرس انسان کور[دل] است و در فرا سوی آن، چیزی نمی‌بیند. اما شخص با بصیرت، نگاهش از دنیا فراتر می‌رود و می‌داند که سرا[ی حقیقی]، در ورای این دنیا است.

پس شخص با بصیرت، از دنیا دل و دیده بر می‌گیرد و کور[دل]، به آن می‌نگرد، با بصیرت، از آن توشه بر می‌گیرد و کور[دل]، برای آن، توشه فراهم می‌آورد.

۹۹. الإمام الصادق عليه السلام: لَمْ يُؤْمِنِ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ هَازِهِ الدُّنْيَا، وَلَكِنَّهُ آمَنَهُ مِنَ الْعَمَى فِيهَا، وَالشَّقَاءَ فِي الْآخِرَةِ.^۲

۶۵۶۳۳. امام صادق علیه السلام: خداوند، مؤمن را از [فشارها و] تکان‌های دنیا، در امان ندانسته است؛ بلکه او را از کور[دل]-ی در دنیا و شقاوت در آخرت، امان بخشیده است.

الاعتبارُ

عبرت آموختن

الكتاب (قرآن)

﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ ءَايَةٌ فِي فِتْنَتِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا فِتْنَةً تَقْتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلِهِمْ

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۳۳، غرر الحکم: ح ۳۶۹۰، إرشاد القلوب: ص ۱۹ نحوه.
 ۲. الکافی: ج ۲ ص ۲۵۵ ح ۱۸ عن محمد بن بهلول العبدی، صفات الشیعة: ص ۱۰۹ ح ۵۰ عن معاویة بن عمّار نحوه، بحار الأنوار: ج ۶۷ ص ۲۱۳ ح ۲۰.

رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ.^۱

﴿يَقْلَبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾.^۲

﴿فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ﴾.^۳

قطعاً در برخورد میان دو گروه، برای شما نشانه‌ای [و درس عبرتی] بود. گروهی در راه خدا می‌جنگیدند و دیگر گروه، کافر بودند که آنان (مؤمنان) را به چشم، دو برابر خود می‌دیدند؛ و خدا، هر که را بخواهد، به یاری خود، تأیید می‌کند. یقیناً در این ماجرا، برای صاحبان بصیرت، عبرتی است.

خداست که شب و روز را با هم جا به جا می‌کند. قطعاً در این [تبدیل] برای صاحبان بصیرت، عبرتی است.

«پس عبرت بگیرید، ای صاحبان بصیرت!».

الحدیث (حدیث)

۱۰۰. رسول الله صلی الله علیه وآله: لا یصحُّ الاعتبارُ إلا لِأهلِ الصِّفَاءِ وَالبصیرَةِ.^۴

۶۵۶۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: عبرت آموختن، تنها برای اهل صفا و بصیرت، حاصل می‌شود.

۱۰۱. الإمام علی علیه السلام: بِالاستبصارِ یحصلُ الاعتبارُ.^۵

۶۵۶۳۵. امام علی علیه السلام: با بصیرت است که عبرت آموختن، حاصل می‌شود.

۱۰۲. عنه علیه السلام: مَنْ تَبَصَّرَ فِي الفِطْنَةِ، ثَبَّتَ لَهُ الحِکْمَةُ وَعَرَفَ العِبْرَةَ.^۶

۶۵۶۳۶. امام علی علیه السلام: کسی که هوشمندانه بنگرد، حکمت برایش استوار می‌گردد و عبرت‌شناس می‌شود.

۱. آل عمران: ۱۳.

۲. النور: ۴۴.

۳. الحشر: ۲.

۴. مصباح الشریعة: ص ۲۰۶ عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۷۱ ص ۳۲۶ ح ۲۱.

۵. غرر الحکم: ح ۴۳۵۱، عیون الحکم والمواعظ: ص ۱۸۹ ح ۳۸۹۶.

۶. غرر الحکم: ح ۸۸۴۹.

۱۰۳. عنه عليه السلام: إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ، وَنَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَانْتَفَعَ بِالْعِبَرِ، ثُمَّ سَلَكَ جَدِّدًا^۱ وَاضِحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي، وَالضَّلَالَ فِي الْمَغَاوِي، وَلَا يُعِينُ عَلَى نَفْسِهِ الْغَوَاةَ بَتَعَسُّفٍ فِي حَقٍّ، أَوْ تَحْرِيفٍ فِي نُطْقٍ، أَوْ تَخَوُّفٍ مِنْ صِدْقٍ.^۲

۶۵۶۳۷. امام علی علیه السلام: صاحب بصیرت، کسی است که بشنود و بیندیشد، بنگرد و ببیند و از عبرت‌ها بهره گیرد. آن گاه، راه روشن و همواری را ببوید و از افتادن در پرتگاه‌های آن و گم شدن در کزراهه‌هایش بپرهیزد و با منحرف شدن از حق، یا تحریف در گفتار، یا ترسیدن از [گفتن] سخن راست، گمراهان را در گمراه کردن خودش، یاری نرساند.

توضیحی دربارهٔ اینکه بصیرت، حاصل عبرت آموختن است یا عامل آن؟

بر پایه شماری از روایات فصل چهارم، پندآموزی، عامل پدید آمدن بصیرت است:

مَنْ اَعْتَبَرَ اَبْصَرَ.^۳

هر که عبرت بیاموزد، بینا می‌شود.

به‌عکس، روایات این باب، دلالت دارند که بصیرت، پدیدآورنده عبرت‌آموزی است:

بِالِاسْتِیْصَارِ يَحْصُلُ الْاِعْتِیَابُ.^۴

با بصیرت است که عبرت آموختن، حاصل می‌شود.

بنابراین، جا دارد که این سؤال مطرح شود که: چگونه می‌شود بصیرت، هم حاصل عبرت‌آموزی باشد و هم عامل آن؟ و آیا این امر، بعید نیست؟ آیا روایات این دو باب، با هم تعارض ندارند؟ پاسخ، منفی است؛ زیرا بصیرتی که پدیدآورنده اعتبار است، با بصیرتی که حاصل آن است، تفاوت دارند.

توضیح مطلب، این که بصیرت نخست، بینشی است که ذاتاً همه انسان‌ها از آن برخوردارند و با رهنمودهای انبیای الهی، تقویت می‌شود. عمل به مقتضای این بصیرت، «اعتبار (عبرت گرفتن)» نامیده

۱. الجَدِّدُ: الْأَرْضُ الصُّلْبَةُ الَّتِي يَسْهَلُ الْمَشْيُ عَلَيْهَا (مجمع البحرین: ج ۱ ص ۲۷۴ «جدد»).

۲. نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۳، تحف العقول: ص ۱۵۵ نحوه، غرر الحکم: ج ۳۸۹۱ وفيه «ففکّر» بدل «فتفکّر» وليس فيه ذیله من «ثم سلك جدداً..»، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۴۰۷ ح ۳۸.

۳. رک: ص ۶۰ ح ۶۰.

۴. رک: ص ۸۴ ح ۱۰۱.

می‌شود و اعتباری که محصول بصیرتِ نخست است، خود نیز عامل پدیدآورنده بصیرت جدیدی است که اعتبار جدیدتری را به همراه دارد. همچنین، هر چه بصیرت افزایش یابد، اعتبار و پندآموزی، بیشتر می‌گردد و هر چه پندآموزی بیشتر شود، دیده بصیرت، قوت بیشتری پیدا می‌کند؛ همانند رهروی که در تاریکی شب، در پرتو نور حرکت می‌کند. در این جا نیز دیدن، مقدمه رفتن، و رفتن، مقدمه دیدن ادامه راه تا رسیدن به مقصد است.

بنا بر این، خلاصه پاسخ این است که بصیرت، هم حاصل عبرت آموختن است و هم عامل آن؛ ولی این دو بصیرت با هم متفاوت‌اند، چنان که در فرهنگ روایات اسلامی، علم، هم حاصل عمل است، و هم محصل آن؛ اما علمی که حاصل عمل است و علمی که محصل آن است، با هم تفاوت دارند.

آثار بصیرت

الحزم دوراندیشی

۱۰۴. الإمام علیّ علیه السلام: النَّاطِرُ بِالْقَلْبِ الْعَامِلُ بِالْبَصَرِ، يَكُونُ مُبْتَدَأُ عَمَلِهِ أَنْ يَعْلَمَ:

أَعْمَلُهُ عَلَيْهِ أَمْ لَهُ؟ فَإِنْ كَانَ لَهُ مَضَى فِيهِ، وَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ وَقَفَ عَنْهُ.^۱

۶۵۶۳۸. امام علی علیه السلام: کسی که با دل می‌بیند و با بینش، عمل می‌کند، پیش از آن که عمل کند، می‌اندیشد که: آیا عمل او به زیان اوست یا به سودش؟ اگر به سود او بود، آن را انجام می‌دهد و اگر به زیانش بود، از انجام دادن آن، باز می‌ایستد.

الشَّجَاعَةُ شَجَاعَةُ

۱۰۵. الإمام علیّ علیه السلام: إِنِّي وَاللَّهِ لَوْ لَقَيْتُهُمْ وَاحِدًا وَهُمْ طِلَاعٌ^۲ الْأَرْضِ كُلُّهَا، مَا

بَالَيْتُ وَلَا اسْتَوْحَشْتُ، وَإِنِّي مِنْ ضَلَالِهِمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ وَالْهُدَى الَّذِي أَنَا عَلَيْهِ، لَعَلِّي

بَصِيرَةٌ مِنْ نَفْسِي وَيَقِينٌ مِنْ رَبِّي.^۳

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۴، غرر الحکم: ح ۳۵۶۹ وفيه «ينظر» بدل «يعلم»، بحار الأنوار: ج ۱ ص ۲۰۹ ح ۱۱.

۲. طلاع الأرض: أي ما يملؤها (النهاية: ج ۳ ص ۱۳۳ «طلع»).

۳. نهج البلاغة: الكتاب ۶۲، بحار الأنوار: ج ۳۳ ص ۵۹۷ ح ۷۴۳.

۶۵۶۳۹. امام علی علیه السلام: به خدا سوگند، اگر یک‌تنه با آنان رو به رو می‌شدم و آنها، سراسر زمین را پُر می‌کردند، نه باکی داشتم و نه می‌هراسیدم؛ چرا که من بر گم‌راهی آنان و ره‌یافتگی خویش، نیک آگاهم، با بصیرت درونم و یقین از جانب پروردگارم.

الفِطْنَةُ تِيزْهُوشِي

۱۰۶. الإمام علي عليه السلام: العِلْمُ بِالفِطْنَةِ بِالفِطْنَةِ بِالبَصِيرَةِ.^۱
 ۶۵۶۴۰. امام علی علیه السلام: دانش، به فهمیدن است، فهمیدن، به تیزهوشی است و تیزهوشی، به بصیرت.

رُؤْيَةُ عُيُوبِ النَّفْسِ دِيدَنَ عَيْبِهَايِ خُود

۱۰۷. الإمام علي عليه السلام: أَبْصَرَ النَّاسَ مَنْ أَبْصَرَ عُيُوبَهُ، وَأَقْلَعَ عَنِ ذُنُوبِهِ.^۲
 ۶۵۶۴۱. امام علی علیه السلام: بیناترین مردم، کسی است که عیب‌های خود را ببیند و از گناهان خویش، دست شوید.

۱۰۸. عنه عليه السلام: أَعْقَلَ النَّاسِ مَنْ كَانَ بِعَيْبِهِ بَصِيرًا، وَعَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ ضَرِيرًا.^۳
 ۶۵۶۴۲. امام علی علیه السلام: خردمندترین مردم، کسی است که نسبت به عیب خویش، بینا باشد و از [دیدن] عیب دیگران، کور.

فِعْلُ الْخَيْرِ أَنْجَامُ دَادِنِ كَارِ نِيكَ

۱۰۹. الإمام علي عليه السلام: أَلَا إِنَّ أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ مَا نَفَذَ فِي الْخَيْرِ طَرْفَهُ. أَلَا إِنَّ أَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّذْكَيرَ وَقَبْلَهُ.^۴

۶۵۶۴۳. امام علی علیه السلام: هان! بیناترین چشم‌ها، چشمی است که نگاهش به سوی خوبی باشد. هان! شنواترین گوش‌ها، گوش‌ها است که پند را در یابد و آن را پذیرا شود.

۱. غرر الحكم: ح ۳۸ و ۳۹ و ۴۰، عیون الحكم والمواعظ: ص ۳۶ ح ۷۴۳ و ۷۴۵ و ۷۴۶.

۲. غرر الحكم: ح ۳۰۶۱، عیون الحكم والمواعظ: ص ۱۲۰ ح ۲۷۱۶.

۳. غرر الحكم: ح ۳۲۳۳.

۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۵، غرر الحكم: ح ۲۷۵۷ و ۲۷۵۸ وفيهما «من» بدل «ما» فی الموضعين، بحار الأنوار: ج ۳۴ ص ۲۳۶ ح ۹۹۸.

۱۱۰. الإمام الحسن عليه السلام: إِنَّ أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ مَا نَفَذَ فِي الْخَيْرِ مَذْهَبُهُ، وَأَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّذْكَيرَ وَانْتَفَعَ بِهِ.^۱

۶۵۶۴۴. امام حسن عليه السلام: بیناترینِ بینایی‌ها، آن است که در خیر، نفوذ کند و شنواترینِ شنوایی‌ها، آن است که پند و یادآوری را بشنود و از آن، بهره گیرد.

صَلَاحُ السَّرَائِرِ دَرَسْتی دَرُون‌ها

۱۱۱. الإمام علی عليه السلام: صَلَاحُ السَّرَائِرِ بُرْهَانُ صِحَّةِ الْبَصَائِرِ.^۲

۶۵۶۴۵. امام علی عليه السلام: درستی درون‌ها، دلیل سلامتِ بینش‌هاست.

۱۱۲. عنه عليه السلام: قَدْ انْجَابَتْ السَّرَائِرُ لِأَهْلِ الْبَصَائِرِ.^۳

۶۵۶۴۶. امام علی عليه السلام: نهانی‌ها، برای اهل بصیرت، آشکار است.

إِصَابَةُ سَبِيلِ السَّلَامَةِ رَسِيدِن بَه رَاه سَلَامَت

۱۱۳. الإمام علی عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ لَذِيَ قَلْبٍ سَلِيمٍ، أَطَاعَ مَنْ يَهْدِيهِ، وَتَجَنَّبَ مَنْ يُرِيدُهُ، وَأَصَابَ سَبِيلَ السَّلَامَةِ بِبَصَرٍ مِنْ بَصَرَةٍ، وَطَاعَةَ هَادٍ أَمْرَةٍ.^۴

۶۵۶۴۷. امام علی عليه السلام: خوشا به حال آن که دلی پاک دارد: از کسی که هدایتش کند، پیروی می‌کند و از کسی که او را به تباهی کشاند، دوری می‌گزیند و با بینایی کسی که به او بینایی می‌بخشد و با اطاعت از راه‌نمایی که به او فرمان می‌دهد، به راه سلامت دست می‌یابد.

تِلْكَ الْآثَارُ اَيْنَ نَتَائِجِ

۱۱۴. الإمام علی عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ! إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ

عَلَى نَفْسِهِ، فَاسْتَشَعَرَ الْحُزْنَ، وَتَجَلَّبَبَ الْخَوْفَ؛ فَزَهَرَ مِصْبَاحُ الْهُدَى فِي قَلْبِهِ، وَأَعَدَّ الْقِرَى

لِيَوْمِهِ النَّازِلِ بِهِ، فَقَرَّبَ عَلَى نَفْسِهِ الْبَعِيدَ، وَهَوَّنَ الشَّدِيدَ.

۱. تحف العقول: ص ۲۳۵، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۱۰۹ ح ۱۷.

۲. غرر الحكم: ح ۵۸۰۷، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۰۱ ح ۵۳۳۴.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۸، غرر الحكم: ح ۶۶۷۶، بحار الأنوار: ج ۳۴ ص ۲۴۰ ح ۹۹۹.

۴. نهج البلاغة: الخطبة ۲۱۴، بحار الأنوار: ج ۶۹ ص ۳۱۱ ح ۳۲.

نَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَذَكَرَ فَاسْتَكْتَرَّ، وَارْتَوَى مِنْ عَذَابِ فُرَاتٍ سَهَّلَتْ لَهُ مَوَارِدُهُ، فَشَرِبَ نَهْلًا،
وَسَلَكَ سَبِيلًا جَدِّدًا.

قَدْ خَلَعَ سَرَابِيلَ الشَّهَوَاتِ، وَتَخَلَّى مِنَ الْهَمُومِ، إِلَّا هَمًّا وَاحِدًا أَنْفَرَدَ بِهِ، فَخَرَجَ مِنْ صِفَةِ
الْعَمَى، وَمُشَارَكَةِ أَهْلِ الْهَوَى، وَصَارَ مِنْ مَفَاتِيحِ أَبْوَابِ الْهُدَى، وَمَعَالِيْقِ أَبْوَابِ الرَّدَى.
قَدْ أَبْصَرَ طَرِيقَهُ، وَسَلَكَ سَبِيلَهُ، وَعَرَفَ مَنَارَهُ، وَقَطَعَ غِمَارَهُ^۱، وَاسْتَمْسَكَ مِنَ الْعُرَى
بِأَوْثِقِهَا، وَمِنْ الْحِبَالِ بِأَمْتِنِهَا، فَهُوَ مِنَ الْيَقِينِ عَلَى مِثْلِ ضَوْءِ الشَّمْسِ، قَدْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلَّهِ
- سُبْحَانَهُ - فِي أَرْفَعِ الْأُمُورِ، مِنْ إِصْدَارِ كُلِّ وَارِدٍ عَلَيْهِ، وَتَصْيِيرِ كُلِّ فَرَعٍ إِلَى أَصْلِهِ.
مِصْبَاحُ ظُلُمَاتٍ، كَشَافُ عَشَوَاتٍ^۲، مِفْتَاحُ مُبْهَمَاتٍ، دَفَاعُ مُعْضِلَاتٍ، دَلِيلُ فُلُوتٍ^۳، يَقُولُ
فِيهِمْ، وَيَسْكُتُ فِيْسَلَمُ.

قَدْ أَخْلَصَ لِلَّهِ فَاسْتَخْلَصَهُ، فَهُوَ مِنْ مَعَادِنِ دِينِهِ، وَأَوْتَادِ أَرْضِهِ. قَدْ أَلْزَمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ،
فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيُ الْهَوَى عَنِ نَفْسِهِ، يَصِفُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُ بِهِ، لَا يَدْعُ لِلْخَيْرِ غَايَةً إِلَّا
أَمَّهَا، وَلَا مَظْنَنَةً إِلَّا قَصَدَهَا، قَدْ أَمَكَّنَ الْكِتَابَ مِنْ زِمَامِهِ، فَهُوَ قَائِدُهُ وَإِمَامُهُ، يَحُلُّ حَيْثُ
حَلَّ ثَقْلُهُ، وَيَنْزِلُ حَيْثُ كَانَ مَنْزِلُهُ^۴.

۶۵۶۴۸. امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! از محبوب‌ترین بندگان خداوند در نزد او، آن
بنده‌ای است که خدا، وی را در برابر نفسش یاری رسانده است و از این رو، اندوه را جامه
زیرین خویش ساخته است و ترس را جامه رویین خود، قرار داده است. پس چراغ هدایت، در
دلش می‌تابد و خود را برای پذیرایی از آن روزی که به آن وارد می‌شود، آماده ساخته، و دور
را بر خود، نزدیک کرده است و سخت را آسان.

۱. نَهْلٌ: شَرِبَ الشَّرْبَ الْأَوَّلَ حَتَّى رَوَى (المصباح المنير: ص ۶۲۸ «نهل»).

۲. الْغَمْرَةُ: الشِّدَّةُ (لسان العرب: ج ۵ ص ۲۹ «غمر»).

۳. الْعَشْوَةُ: الْأَمْرُ الْمَلْتَبِسُ وَيَجْمَعُ عَلَى عَشَوَاتٍ (النهاية: ج ۳ ص ۲۴۲ «عشو»).

۴. الْفَلَاةُ: الْأَرْضُ الَّتِي لِأَمَاءٍ فِيهَا وَلَا أَنْبَسَ (لسان العرب: ج ۱۵ ص ۱۶۴ «فلا»).

۵. نهج البلاغة: الخطبة ۸۷، أعلام الدين: ص ۱۲۷ نحوه، غرر الحكم: ج ۳۵۷۷ وفيه صدره إلى «ليومه النازل به»، بحار
الأنوار: ج ۲ ص ۵۶ ح ۳۶.

می‌نگرد و بینش می‌یابد، [خدا را] یاد می‌کند و [بر کردارهای نیک خود] می‌افزاید. از [چشمه‌های] آب گوارا و شیرینی که آبشخورهایش برای او هموار شده، سیراب می‌شود و در همان نخستین نوشیدن، سیر می‌شود. راهی راست و روشن را می‌پوید.

جامه‌های شهوت را [از خود] برکنده است و از خواسته‌ها، جز یک خواسته - که در آن منحصر شده -، فارغ شده است. بدین سبب، از کوری [باطنی] و مشارکت با هوسرانان، بیرون آمده است. او از کلیدهای درهای هدایت و از قفل‌های درهای هلاکت، گشته است. راه خود را دیده و جاده خویش را پیموده است. نشانه‌های راهیابی را شناخته و سختی‌های آن را در نوردیده است. از دستگیره‌ها، به محکم‌ترین آنها و از کوه‌ها، به استوارترین آنها چنگ زده است. پس به چنان یقینی رسیده است که مانند نور خورشید است. خویشتن را برای خداوند سبحان، در بالاترین امور، جای داده است، آن سان که هر تشنه‌ای را سیراب می‌سازد و هر فرعی را به اصل آن، باز می‌گرداند.

چراغ تاریکی‌هاست. برطرف کننده کوری‌ها، کلید مُبهمات، ژداینده معضلات و راه‌نمای بیابان‌هاست. [به موقع] می‌گوید و می‌فهماند و [به وقتش] سکوت می‌کند و سالم می‌ماند. او برای خدا، اخلاص ورزیده و خداوند، خالصش گردانیده است (/ او را از بندگان خالص خود گردانیده است). پس او معدن‌های دین خدا و میخ‌های زمین اوست. خویشتن را ملزم به عدالت کرده است و نخستین گام عدالت او، دور کردن هوس از خویشتن بود. حق را می‌گوید و بدان، عمل می‌کند. کار نیک را تا رسیدن به پایانش انجام می‌دهد. هر جا خیری می‌بیند، آهنگ آن می‌کند. زمام خویش را به دست قرآن سپرده است و قرآن، جلودار و پیشوای او گشته است. هر جا که قرآن، بار افکند، او نیز بار می‌افکند، و هر جا قرآن منزل کند، او هم منزل می‌کند.

الفصل السادس: أهل البصيرة

فصل ششم: اهل بصیرت

أُمَّةٌ أَهْلِ الْبَصِيرَةِ بِشَوَايَانِ بَصِيرَتِ

الْكِتَابِ (قرآن)

﴿وَادْكُرْ عِبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَرِ﴾^١

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ

الْمُشْرِكِينَ﴾^٢

و از بندگان ما، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، یاد کن که نیرومند و با بصیرت بودند.
بگو: این است راه من. خودم و هر که را از من پیروی کند، با بصیرت، به سوی خدا فرا
می خوانم و منزّه است خدا، و من، از مشرکان نیستم.

الحديث (حديث)

١١٥. الإمام الباقر عليه السلام: أتى رجلاً النبي صلى الله عليه وآله فقال: إلى ما تدعو

يا مُحَمَّدٌ؟ فقال صلى الله عليه وآله: «أدعوا إلى الله على بصيرة أنا ومن اتبعني»^٣

٦٥٦٤٩. امام باقر عليه السلام: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه وآله آمد و گفت: تو به چه چیز،
دعوت می کنی، ای محمد؟

١. ص: ٤٥.

٢. يوسف: ١٠٨.

٣. مشکاة الأنوار: ص ١٤٤ ح ٣٤٥ عن أبي بصير، تحف العقول: ص ٤١ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٤٥ ح ٤٥.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «خودم و هر که را از من پیروی کند، با بصیرت، به سوی خدا فرامی‌خوانم».

۱۱۶. عنه علیه السلام - فی قوله: «أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَرِ» - : يَعْنِي أُولَى الْقُوَّةِ فِي الْعِبَادَةِ وَالْبَصَرِ فِيهَا.^۱

۶۵۶۵۰. امام باقر علیه السلام - در باره سخن خداوند: «نیرومند و باینش بودند» - : یعنی در عبادت، با قدرت و بصیرت، عمل می‌کردند.

۱۱۷. الإمام علی علیه السلام - فی بیان صِفَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - : فَهُوَ إِمَامٌ مَنْ اتَّقَى، وَبَصِيرَةٌ مَنْ اهْتَدَى.^۲

۶۵۶۵۱. امام علی علیه السلام - در یادکرد ویژگی پیامبر صلی الله علیه وآله - : او پیشوای پرهیزگاران و [چشم] بصیرت ره‌یافتگان است.

۱۱۸. عنه علیه السلام - فی ذِكْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - : طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ، قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ^۳ وَأَحْمَى مَوَاسِمَهُ^۴، يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ؛ مِنْ قُلُوبِ عُمَى، وَأَذَانِ صَمٍّ، وَالسِّنَةِ بِكُمْ^۵، مُتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ، وَمَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ.^۶

۶۵۶۵۲. امام علی علیه السلام - در یادکرد از پیامبر صلی الله علیه وآله - : طیبی بود که با طبابت خود، میان مردم می‌گردید. مرهم‌هایش را درست و آماده کرده و ابزار داغ‌کردنش را تافته بود و آنها را بر هر جا از دل‌های کور و گوش‌های کُر و زبان‌های گنگک، که نیاز بود، می‌گذاشت. با داروی خود، مواضع غفلت و جایگاه‌های سرگردانی را می‌جُست [و درمان می‌کرد].

۱۱۹. عنه علیه السلام: أَرَى نُورَ الْوَحْيِ وَالرَّسَالَةِ، وَأَشْمُ رِيحَ النَّبُوءَةِ، وَلَقَدْ سَمِعْتُ رِثَّةَ الشَّيْطَانِ حِينَ نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَيْهِ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا هَذِهِ

۱. بحار الأنوار: ج ۱۲ ص ۷ ح ۱۷ نقلاً عن تفسير القمّي: ج ۲ ص ۲۴۲ عن أبي الجارود وفيه «الصبر» بدل «البصر».
 ۲. نهج البلاغة: الخطبة ۹۴، بحار الأنوار: ج ۱۶ ص ۳۷۹ ح ۹۱.
 ۳. المرهم: شيء يوضع على الجراحات (مجمع البحرين: ج ۲ ص ۷۴۰ «رهم».)
 ۴. مَوَاسِمٌ: جمع ميسم: اسم الآلة التي يُكوى بها (مجمع البحرين: ج ۳ ص ۱۹۳۵ «وسم».)
 ۵. بكم: جمع أكم، هو الذي خُلِقَ أخرس لا يتكلم (النهاية: ج ۱ ص ۱۵۰ «بكم».)
 ۶. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۸، غرر الحكم: ح ۶۰۳۳ وفيه «يتتبع» بدل «متتبع»، بحار الأنوار: ج ۳۴ ص ۲۴۰ ح ۹۹۹.

الرَّئِةُ؟ فَقَالَ: هَذَا الشَّيْطَانُ قَدْ آيَسَ مِنْ عِبَادَتِهِ، إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ، وَتَرَى مَا أَرَى، إِلَّا أَنْتَ لَسْتَ بِنَبِيٍِّّ، وَلَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ، وَإِنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ^۱.

۶۵۶۵۳. امام علی علیه السلام: من، نور وحی و رسالت را می‌دیدم و رایحه نبوت را می‌بوییدم. فریاد (/ ناله) شیطان را در هنگامی که وحی بر ایشان، نازل شد، شنیدم. گفتم: ای پیامبر خدا! این، چه فریادی است؟

فرمود: «این، شیطان است که از پرستیده شدنش، مأیوس شده است. تو آنچه را من می‌شنوم، می‌شنوی و آنچه را من می‌بینم، می‌بینی، جز آن که تو پیامبر نیستی؛ بلکه تو دست‌یار [من] هستی و تو در راه خیری».

۱۲۰. عنه علیه السلام: إِنِّي لَعَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي، وَبَصِيرَةٍ مِنْ دِينِي، وَيَقِينٍ مِنْ أَمْرِي^۲.
۶۵۶۵۴. امام علی علیه السلام: من از جانب پروردگارم، دلیلی آشکار و در دینم، بصیرت و در کارم، یقین دارم.

۱۲۱. عنه علیه السلام - مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ يَوْمِي فِيهَا إِلَى الْمَلَا حِمِ وَالْفِتَنِ - : ثُمَّ لَيْشَحْدَنَّ فِيهَا [أَيِ الْفِتْنَةِ] قَوْمٌ شَحَذَ الْقَيْنِ^۳ النَّصْلَ، تُجَلَى بِالتَّنْزِيلِ أَبْصَارُهُمْ... وَطَالَ الْأَمَدُ بِهِمْ لَيْسَتْ كَمَلُوا الْخَزْيَ، وَيَسْتَوْجِبُوا الْغَيْرَ، حَتَّى إِذَا اخْلَوْقُ الْأَجَلُ، وَاسْتَرَا حَ قَوْمٌ إِلَى الْفِتَنِ، وَأَسْأَلُوا عَنْ نَفَاحِ حَرْبِهِمْ، لَمْ يَمُنُّوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ، وَلَمْ يَسْتَعْظِمُوا بَدَلَ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ، حَتَّى إِذَا وَافَقَ وَارِدُ الْقَضَاءِ انْقِطَاعَ مُدَّةِ الْبَلَاءِ، حَمَلُوا بِصَائِرَهُمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ، وَدَانُوا لِرَبِّهِمْ بِأَمْرِ وَعَظْمِهِمْ^۴.

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۲، بحار الأنوار: ج ۱۴ ص ۴۷۶ ح ۳۷.

۲. غرر الحكم: ج ۳۷۷۲، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۶۹ ح ۳۵۵۸ وفيه «في» بدل «من» في الموضعين الأخيرين.

۳. القَيْن: الحداد (النهاية: ج ۴ ص ۱۳۵ «قین»).

۴. اخْلَوْقُ الْأَجَلُ: إذا تقادم عهده (مجمع البحرين: ج ۱ ص ۵۴۸ «خلق»).

۵. نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۰، بحار الأنوار: ج ۲۹ ص ۶۱۶ ح ۲۹.

۶۵۶۵۵. امام علی علیه السلام - از سخنان ایشان که در آن به کشتارها و فتنه‌های آینده اشاره می‌کند - : سپس در آن [فتنه]، عده‌ای چنان تیز [و آبداده] می‌شوند که آهنگر، سرنیزه (/ تیغه شمشیر) را تیز می‌کنند و دیدگان‌شان به نور قرآن، روشنی می‌یابد...^۱

و روزگارشان، به درازا می‌کشد تا خواری را به نهایت می‌رسانند و مستوجب دگرگونی [- پیشامدهای روزگار و زوال نعمت‌ها] می‌شوند، تا آن که به پایان روزگار خویش، نزدیک می‌شوند. گروهی نیز به آشوب‌ها روی می‌آورند و دست به جنگ‌افروزی می‌زنند و تخم جنگ می‌افشانند. [اما مؤمنان بینشور] با شکیبایی خود [در میدان جهاد] بر خدا متّی نمی‌نهند، و جان‌فشانی‌های خویش در راه حق را بزرگ نمی‌پندارند تا آن که چون قضای الهی به تمام شدن مدّت بلا و آزمایش تعلق گیرد، [بصیرت] بینش‌های خود را بر سر شمشیران می‌نهند [و بصیرت خود را پشتوانه سلاح و قدرت خود قرار می‌دهند] و به فرمان اندرزگوی خویش^۲ مطیع پروردگار خود می‌گردند.

۱۲۲. عنه علیه السلام - مِنْ كَلَامِ قَالِهِ عِنْدَ تِلَاوَتِهِ: «يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالٌ لَّا تُلْهِهِمْ تِجْرَةٌ وَلَا يَبِيعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ^۳ - : إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى جَعَلَ الذِّكْرَ جِلَاءً لِلْقُلُوبِ، تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرَةِ^۴، وَتُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ^۵، وَتَنْقَادُ بِهِ بَعْدَ الْمُعَانَدَةِ. وَمَا بَرِحَ لِلَّهِ - عَزَّتْ آلاؤُهُ - فِي الْبُرْهَةِ بَعْدَ الْبُرْهَةِ، وَفِي أَزْمَانِ الْفَتَرَاتِ^۶، عِبَادٌ نَاجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ، وَكَلَمَهُمْ فِي ذَاتِ عُقُولِهِمْ، فَاسْتَصْبَحُوا بِنُورِ يَقْظَةٍ فِي الْأَبْصَارِ وَالْأَسْمَاعِ وَالْأَفْئِدَةِ. يُذَكِّرُونَ بِأَيَّامِ اللَّهِ، وَيُخَوِّفُونَ مَقَامَهُ، بِمَنْزِلَةِ الْأَدْلَةِ فِي الْفَلَوَاتِ^۷، مَنْ أَخَذَ الْقَصْدَ^۸ حَمِدُوا إِلَيْهِ طَرِيقَهُ، وَبَشَّرُوهُ بِالنَّجَاةِ، وَمَنْ أَخَذَ يَمِينًا وَشِمَالًا ذَمُّوا إِلَيْهِ الطَّرِيقَ،

۱. تا این جای حدیث، مربوط به بیان حوادث و فتنه‌های آینده است.

۲. ر. ک: ص ۱۲ پاورقی ۱.

۳. النور: ۳۷.

۴. الوقرة: هي المرة من الوقر؛ ثقل السمع (النهاية: ج ۵ ص ۲۱۳ «وقر»).

۵. العشوّة: المرة من العشا؛ أي سوء البصر بالليل والنهار، أو العمى (القاموس المحيط: ج ۴ ص ۳۶۲ «عشا»).

۶. الفترّة: ما بين الرسولين من رسل الله تعالى من الزمان الذي انقطعت فيه الرسالة (النهاية: ج ۳ ص ۴۰۸ «فتر»).

۷. الفلاة: القفر أو المفازة لا ماء فيها، أو الصحراء الواسعة (القاموس المحيط: ج ۴ ص ۳۷۵ «فلا»).

۸. القصد: الرشد. قصد في الأمر قصداً: توسط وطلب الأسد، ولم يُجاوز الحد (المصباح المنير: ص ۵۰۵ «قصد»).

وَحَدَّرُوهُ مِنَ الْهَلَكَةِ، وَكَانُوا كَذَلِكَ مَصَابِيحَ تِلْكَ الظُّلُمَاتِ، وَأَدِلَّةَ تِلْكَ الشُّبُهَاتِ.
 وَإِنَّ لِلذِّكْرِ لَأَهْلًا، أَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْيَا بَدَلًا، فَلَمْ تَشْغَلْهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْهُ، يَقْطَعُونَ بِهِ
 أَيَّامَ الْحَيَاةِ، وَيَهْتَفُونَ بِالزَّوْجِرِ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ فِي أَسْمَاعِ الْغَافِلِينَ، وَيَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ
 وَيَأْتَمِرُونَ بِهِ، وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَتَنَاهَوْنَ عَنْهُ، فَكَأَنَّمَا قَطَعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَهُمْ
 فِيهَا، فَشَاهَدُوا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ، فَكَأَنَّمَا أَطْلَعُوا غُيُوبَ أَهْلِ الْبَرْزَخِ فِي طَوْلِ الْإِقَامَةِ فِيهِ،
 وَحَقَّقَتِ الْقِيَامَةُ عَلَيْهِمْ عِدَاتِهَا، فَكَشَفُوا غِطَاءَ ذَلِكَ لِأَهْلِ الدُّنْيَا، حَتَّى كَأَنَّهُمْ يَرُونَ مَا لَا
 يَرَى النَّاسُ، وَيَسْمَعُونَ مَا لَا يَسْمَعُونَ.^۱

۶۵۶۵۶. امام علی علیه السلام - از گفتار ایشان، هنگام تلاوت این آیات: «در آن خانه‌ها، هر بامداد و شامگاه، او را نیایش می‌کنند؛ مردانی که نه تجارت و نه دادوستدی، ایشان را از یاد خدا، باز نمی‌دارد» - : خدای پاک و بلندمرتبه - ، یاد [خویش] را روشنی‌بخش دل‌ها قرار داده است، گوش‌های سنگین‌شده دل‌ها، با یاد خدا، شنوا می‌شوند و چشم‌های کم‌سو (/ کور) گشته آنها به وسیله آن، بینا می‌گردند و دل‌های خیره‌سر [و سرکش] به واسطه آن، رام می‌شوند.

همواره، برای خداوند - که نعمت‌هایش گران‌بهاست - ، در هر بُرهه‌ای از زمان و در فاصله‌های زمانی میان بعثت پیامبران، بندگانی بوده که در اندیشه‌هایشان، با آنان نجوا می‌کرده است و در درون خردهایشان، با ایشان سخن می‌گفته است و بدین سبب، چشم‌ها و گوش‌ها و دل‌هایشان، از نور بیداری، روشن گردید.

اینان، روزهای [نعمت و عذاب] خدا را به مردم، یادآوری می‌کردند و از مقام او می‌ترساندند، چونان راه‌نمایان بیابان‌ها که هر کس را راه راست در پیش گیرد، راهش را می‌ستایند و نوید نجات به او می‌دهند و هر کس را که به چپ و راست منحرف شود، راهش را نکوهش می‌کنند و او را از نابودی بر حذر می‌دارند. آنان، همچنان، چراغ‌هایی در آن تاریکی‌ها و راه‌نمایانی در آن شُبُهَات بودند.

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۲۲۲، بحار الأنوار: ج ۶۹ ص ۲۲۵ ح ۳۹.

یادِ خدا را اهلی است که آن را به جای این دنیا بر گرفته‌اند، و از این رو، هیچ تجارتی و داد و ستدی، ایشان را از آن، باز نمی‌دارد. ایام عمر را با آن می‌گذرانند و بازدارندگان از حرام‌های خدا را در گوش‌های غافلان، فریاد می‌زنند و به داد‌گری، فرا می‌خوانند و خود به آن، عمل می‌کنند. از زشتی‌ها، نهی می‌کنند و خود، از آنها باز می‌ایستند. تو گویی دنیا را پشتِ سر نهاده، به آخرت رسیده‌اند و هم‌اکنون، در آن به سر می‌برند، و آنچه رافرا سوی دنیاست، دیده‌اند. گویی بر احوال پنهان برزخیان، در طول مدّتی که آن جایند، آگاه‌اند. قیامت، وعده‌هایش را برای آنان، تحقّق بخشیده است. بدین سبب، پرده‌های آن را برای مردم دنیا، کنار می‌زنند، چنان که گویی آنچه را مردم نمی‌بینند، می‌بینند و آنچه را مردم نمی‌شنوند، می‌شنوند.

۱۲۳. الإمام الصادق علیه السلام: كَانَ عَمَّنَا الْعَبَّاسُ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ، صَلَبَ الْإِيمَانِ، جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَبْلَى بَلَاءً حَسَنًا، وَمَضَى شَهِيدًا.^۱

۶۵۶۵۷. امام صادق علیه السلام: عمویمان عباس علیه السلام، بصیرتی عمیق و ایمانی استوار داشت و در کنار ابا عبد الله الحسین علیه السلام جهاد کرد و مردانه جنگید و شهید شد.

۱۲۴. عنه علیه السلام - حِينَ سُئِلَ عَنِ النَّعِيمِ^۲ - : النَّعِيمُ نَحْنُ؛ الَّذِينَ أَنْقَذَ اللَّهُ النَّاسَ بِنَا مِنَ الضَّلَالَةِ، وَبَصَّرَهُمْ بِنَا مِنَ الْعَمَى، وَعَلَّمَهُمْ بِنَا مِنَ الْجَهْلِ.^۳

۶۵۶۵۸. امام صادق علیه السلام - در پاسخ به سؤال از «نعم»^۴ - : نعم، ما هستیم که خداوند، به واسطه ما، مردم را از گم‌راهی رهانید و به وسیله ما، به آنان بصیرت بخشید و به وسیله ما، از نادانی [خارج کرده]، دانا گردانید.

الدُّعَاءُ لِأَهْلِ الْبَصِيرَةِ دَعَا لِأَهْلِ بَصِيرَتِ

۱۲۵. الإمام زين العابدين عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ فِي الصَّلَاةِ عَلَى أَتْبَاعِ الرَّسُولِ وَمُصَدِّقِيهِمْ -: اللَّهُمَّ وَأَوْصِلْ إِلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ - الَّذِينَ يَقُولُونَ: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَ

۱. سرّ السلسلة العلویة: ص ۸۹، عمدة الطالب: ص ۳۵۶ كلاهما عن المفضل بن عمر.

۲. أي حين سئل عن الآية الشريفة: «ثُمَّ لَتَسْلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (التكاثر: ۸).

۳. تأويل الآيات: ج ۲ ص ۸۵۲ ح ۸ عن محمد بن السائب الكلبي، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۲۰۹ ح ۱۰.

۴. یعنی سؤال از آیه شریف «ثُمَّ لَتَسْلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ».

لَاخُونَ الَّذِينَ سَبُّوْنَا بِالْأَيْمَنِ ۱ - خَيْرَ جَزَائِكَ، الَّذِينَ قَصَدُوا سَمْتَهُمْ ۲، وَتَحَرَّوْا وَجْهَهُمْ، وَمَضَوْا عَلَى شَاكِلَتِهِمْ، لَمْ يَثْنِهِمْ رَيْبٌ فِي بَصِيرَتِهِمْ، وَلَمْ يَخْتَلِجْهُمْ ۳ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ، وَالْإِتِّمَامِ بِهِدَايَةِ مَنَارِهِمْ، مُكَانِفِينَ ۴ وَمُؤَاذِرِينَ لَهُمْ، يَدِينُونَ بِدِينِهِمْ، وَيَهْتَدُونَ بِهَدْيِهِمْ، يَتَّفِقُونَ عَلَيْهِمْ وَلَا يَتَّهَمُونَهُمْ فِيمَا أَدَّوْا إِلَيْهِمْ. ۵

۶۵۶۵۹. امام زین العابدین علیه السلام - از دعای ایشان در درود فرستادن بر پیروان و تصدیق کنندگان پیامبران - : بار خدایا! و به آنان که از یاران محمد صلی الله علیه و آله، به نیکی پیروی کردند (یعنی تابعیان)، همانان که می گویند: «ای پروردگار ما! ما را و برادران ما را که پیش از ما ایمان آوردند، پیامرز»، بهترین پاداشت را عطا فرما؛ همانان که راه ایشان را در پیش گرفتند و جهت و مقصد آنان را جستند و به شیوه آنان رفتند و تردیدی در بصیرت ایشان، راه نیافت و شکی در گام برداشتن از پی ایشان و اقتدا به فروغ تابناک هدایتشان، با وجود آنها در نیامیخت؛ بلکه همواره، حامی و پشتیبان آناناند و از دین آنان، پیروی می کنند و راه آنان را می پویند و بر [پیروی از] آنان، هم داستاناند و در آنچه به ایشان رسانده اند، متهمشان نمی کنند.

۱. الحشر: ۱۰.

۲. السمْتُ: الطريق (النهاية: ج ۲ ص ۳۹۷ «سمت»).

۳. لا يَخْتَلِجُ: لا يتحرك فيه شيء من الريبة والشك (النهاية: ج ۲ ص ۶۰ «خلج»).

۴. اَكْتَنَفَهُ الْقَوْمُ: إذا أحاطوا به يمنة ويسرة (مجمع البحرين: ج ۳ ص ۱۵۹۹ «كنف»).

۵. الصحيفة السجادية: ص ۳۲ الدعاء ۴.

الفصل السابع: فقد البصيرة

فصل هفتم: نداشتن بصیرت

التَّحْذِيرُ مِنْ فَقْدِ الْبَصِيرَةِ بِرَحْضِ دَاخِثٍ مِنْ بَصِيرَتِي

الكتاب (قرآن)

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾^١

و در حقیقت، ما بسیاری از جنیان و انسان‌ها را برای جهنم آفریدیم؛ [چرا که] دل‌هایی دارند که با آنها نمی‌فهمند، و چشم‌هایی دارند که با آنها نمی‌بینند، و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند. آنان، همانند چارپایان‌اند؛ بلکه گم‌راه‌ترند. آنان، همان غافل ماندگان‌اند.

الحدیث (حدیث)

١٢٦. رسول الله صلى الله عليه وآله: شَرُّ الْعَمَى عَمَى الْقَلْبِ^٢

٦٥٦٠. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: بدترین کوری، کوری دل است.

١٢٧. عنه صلى الله عليه وآله: لَيْسَ الْأَعْمَى مِّنْ عَمَى بَصَرُهُ، وَلَكِنَّ الْأَعْمَى مِّنْ تَعَمَى

بَصِيرَتِهِ^٣

١. الأعراف: ١٧٩.

٢. الأمالي للصدوق: ص ٥٧٧ ح ٧٨٨ عن أبي الصباح الكناني عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٥١ ح ٧.

٣. شعب الإيمان: ج ٢ ص ١٢٧ ح ١٣٧٢، نوادر الأصول: ج ١ ص ١٣١، الفردوس: ج ٣ ص ٤٠٣ ح ٥٢٢٧ وفيه

٦٥٦٦١. پیامبر خداصلی الله علیه وآله: کور، آن کسی نیست که دیده اش کور است؛ بلکه کور [واقعی]، کسی است که [چشم] بصیرتش کور باشد.

١٢٨. الإمام علیّ علیه السلام: نَظَرُ الْبَصْرِ لَا يُجْدِي إِذَا عَمِيَتِ الْبَصِيرَةُ^١.

٦٥٦٦٢. امام علی علیه السلام: نگاه چشم، سودی نمی دهد، وقتی [چشم] بصیرت، کور باشد.

١٢٩. عنه علیه السلام: فَقَدُ الْبَصْرِ أَهْوَنُ مِنْ فَقْدَانِ الْبَصِيرَةِ^٢.

٦٥٦٦٣. امام علی علیه السلام: نداشتن بینایی، آسان تر از نداشتن بصیرت است.

١٣٠. عنه علیه السلام: ذَهَابُ الْبَصْرِ خَيْرٌ مِنْ عَمَى الْبَصِيرَةِ^٣.

٦٥٦٦٤. امام علی علیه السلام: کوری چشم، بهتر از کوری بصیرت است.

دَمُّ فَاقِدِ الْبَصِيرَةِ نَكْوَهْشِ شَخْصِ بِيْ بَصِيرَتِ

١٣١. الإمام علیّ علیه السلام - مِنْ كِتَابِ لَهُ إِلَى قُتَيْبِ بْنِ الْعَبَّاسِ وَهُوَ عَامِلُهُ عَلَى مَكَّةَ -: أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ عَيْنِي^٤ - بِالْمَغْرِبِ - كَتَبَ إِلَيَّ يُعَلِّمُنِي أَنَّهُ وَجَّهٌ إِلَى الْمَوْسِمِ أَنَسٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ الْعَمَى الْقُلُوبِ، الصُّمُّ الْأَسْمَاعِ، الْكُمَةُ^٥ الْأَبْصَارِ، الَّذِينَ يَلْبَسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ، وَيُطِيعُونَ الْمَخْلُوقَ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ، وَيَحْتَلِبُونَ الدُّنْيَا دَرَاهِمًا بِالْدِّينِ، وَيَشْتَرُونَ عَاجِلَهَا بِأَجْلِ الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ؛ وَلَنْ يَفُوزَ بِالْخَيْرِ إِلَّا عَامِلُهُ، وَلَا يُجْزَى جَزَاءَ الشَّرِّ إِلَّا فَاعِلُهُ. فَأَقِمْ عَلَى مَا فِي يَدَيْكَ قِيَامَ الْحَازِمِ الصَّلِيبِ، وَالنَّاصِحِ اللَّيْبِ، التَّابِعِ لِسُلْطَانِهِ، الْمُطِيعِ لِإِمَامِهِ. وَإِيَّاكَ وَمَا يُعْتَدَرُ مِنْهُ، وَلَا تَكُنْ عِنْدَ النَّعْمَاءِ بَطْرًا^٦، وَلَا عِنْدَ الْبِأْسَاءِ فَشَلًّا^٧، وَالسَّلَامُ^٨.

«العمى» بدل «الأعمى» في الموضوعين وكلها عن عبد الله بن جراد، كنز العمال: ج ١ ص ٢٤٣ ح ١٢٢٠.

١. غرر الحكم: ح ٩٩٧٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٩٧ ح ٩١٧٠.

٢. غرر الحكم: ح ٦٥٣٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥٨ ح ٦٠٧١.

٣. غرر الحكم: ح ٥١٨٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٣٣.

٤. العين: الجاسوس (النهاية: ج ٣ ص ٣٣١ «عين»).

٥. الكمة: العمى (النهاية: ج ٤ ص ٢٠١ «كمه»).

٦. الدر: اللبن (مجمع البحرين: ج ١ ص ٥٨٧ «در»).

٧. البطر: الطغيان عند النعمة (مجمع البحرين: ج ١ ص ١٦٠ «بطر»).

٨. نهج البلاغة: الكتاب ٣٣، الغارات: ج ٢ ص ٥٠٩ عن قتيب بن العباس نحوه وفيه: «البكم الأبخار» بدل «الكمة الأبخار»، بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٤٩١ ح ٦٩٧.

۶۵۶۶۵. امام علی علیه السلام - از نامه ایشان به قُثم بن عباس، کارگزارش در مکه -: اَمَا بَعْدَ، جاسوس من در مغرب (شام)، به من نوشته و اطلاع داده است که مردمانی از شامیان کوردل که گوش‌هایشان کَر و چشم‌هایشان، کور است، سوی حج، گسیل شده‌اند؛ مردمانی که حق را با باطل می‌آمیزند و از مخلوق، به بهای نافرمانی از خالق، فرمان می‌برند و دنیا را به وسیله دین می‌دوشند [و آن را ابزار رسیدن به دنیا قرار داده‌اند] و آخرت را - که از آن نیکان پرهیزگار است -، به دنیای گذرا می‌فروشند، در حالی که به خیر، دست نمی‌یابد، مگر آن که به کارش بنده، و به کیفر بدی نمی‌رسد، مگر کسی که آن را به جای آورد. پس بر آنچه در دست توست (حکومت مکه)، ایستادگی کن، همچون ایستادن شخص قاطع و باصلاحیت و خیرخواه خردمندی که پیرو فرمان‌روای خویش و فرمان‌بردار پیشوای خویش است. و مبادا کاری کنی که به عذرخواهی بینجامد! نه هنگام نعمت‌ها، سرمست شو، و نه در هنگام سختی‌ها، سست [و دل‌سرد]. بدرود!

۱۳۲. عنه علیه السلام - فِي خُطْبَةٍ لَهُ يَدُّمُ فِيهَا أَهْلَ الْكُوفَةِ -: يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، مُنِيتُ مِنْكُمْ بِثَلَاثٍ وَائْتِنَيْنِ: صُمُّ دَوُوْ أَسْمَاعٍ، وَبُكْمٌ دَوُوْ كَلَامٍ، وَعُمِيٌّ دَوُوْ أَبْصَارٍ، لَا أَحْرَارٌ صِدْقٌ عِنْدَ اللَّقَاءِ، وَلَا إِخْوَانٌ تُقَّةٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ.^۱

۶۵۶۶۶. امام علی علیه السلام - در سخنانش در نکوهش کوفیان -: ای کوفیان! من به سه خصلت [که در شما هست] و دو خصلت [که در شما نیست]، گرفتار آمده‌ام: گوش دارید، اما کَرید، و زبان دارید، اما لالید، و چشم دارید، اما کورید. [و اما آن دو خصلتی که ندارید: نه هنگام دیدار، آزاد مردانی هستید صادق، و نه به گناه سختی، برادرانی مورد اعتماد.

۱۳۳. عنه علیه السلام - أَيْضاً -: يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، أَعْظَمُكُمْ فَلَا تَتَّعِظُونَ... فَيَا لِلَّهِ مَاذَا مُنِيتُ بِهِ مِنْكُمْ! لَقَدْ مُنِيتُ بِصُمِّ لَا يَسْمَعُونَ، وَكُمَةٍ لَا يُبْصِرُونَ، وَبُكْمٍ لَا يَعْقِلُونَ.^۲

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۹۷، الإرشاد: ج ۱ ص ۲۸۲، الاحتجاج: ج ۱ ص ۴۱۴ ح ۸۹ وفيهما: «دَوُوْ أَلْسِنٍ، لَا إِخْوَانٌ صِدْقٌ» بدل «دَوُوْ كَلَامٍ، لَا أَحْرَارٌ صِدْقٌ»، بحار الأنوار: ج ۳۴ ص ۸۱ ح ۹۳۸.
۲. الفتوح: ج ۴ ص ۲۵۸، مطالب السؤل: ص ۲۴۶؛ بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۳۳۸ ح ۲۶.

۶۵۶۶۷. امام علی علیه السلام - در سخنانش در نکوهش کوفیان :- ای کوفیان! من، شما را اندرز می‌دهم؛ اما به گوش نمی‌گیرید... چه مصیبتی است این که من، گرفتار شما شده‌ام! گرفتار مُشتی گر شده‌ام که نمی‌شنوند و مُشتی کور که نمی‌بینند و مُشتی لال که نمی‌فهمند!

۱۳۴. الإمام الصادق علیه السلام: الخلقُ حَيَارَى عَمِهُونَ^۱ سُكَارَى، فِي طُغْيَانِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ، وَبِشَيَاطِينِهِمْ وَطَوَاقِيْتِهِمْ يَقْتَدُونَ، بُصْرَاءَ عُمَى لَا يُبْصِرُونَ، نَطْقَاءَ بُكْمٍ لَا يَعْقِلُونَ، سُمْعَاءَ صُمٍّ لَا يَسْمَعُونَ، رَضُوا بِالذُّونِ وَحَسَبُوا أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ، حَادُوا عَنِ مَدْرَجَةِ الْأَكْيَاسِ، وَرَتَعُوا فِي مَرَعَى الْأَرْجَاسِ الْأَنْجَاسِ^۲.

۶۵۶۶۸. امام صادق علیه السلام: مردمان، سرگشته و کور و مست‌اند. در سرکشی خویش، غوطه‌ورند و از اهریمنان و طاغوت‌های خود، پیروی می‌کنند. چشم دارند؛ اما کورند و نمی‌بینند. زبان دارند؛ لیکن لال‌اند و نمی‌فهمند. گوش دارند؛ اما گزند و نمی‌شنوند. به پستی، رضایت داده‌اند و خویشان را ره‌یافته می‌پندارند. از راه زیرکان و خردمندان، منحرف گشته‌اند و در چراگاه پلیدان و ناپاکان می‌چرند.

مَضَارُّ فَقْدِ الْبَصِيرَةِ زِيَانِ هَايِ بِي بَصِيرَتِي

الف - الشُّكُّ (شک)

۱۳۵. الإمام علی علیه السلام: مَنْ عَمِيَ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ، غَرَسَ الشُّكَّ بَيْنَ جَنْبَيْهِ^۳.

۶۵۶۶۹. امام علی علیه السلام: هر که از دیدن آنچه پیش روی اوست، کور باشد، [نهال] شک را در سینه خود می‌نشاند.

۱۳۶. عنه علیه السلام - مِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِكُمَيْلِ بْنِ زِيَادِ النَّخَعِيِّ - : هَا إِنَّ هَهُنَا لَعِلْمًا جَمًّا - وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ - لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً، بَلَى أَصَبْتُ لِقِنًا غَيْرَ مَأْمُونٍ عَلَيْهِ، مُسْتَعْمِلًا آلَةَ الدِّينِ لِلدُّنْيَا، وَمُسْتَظْهِرًا بِنِعَمِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ، وَبِحُجْجِهِ عَلَى أَوْلِيَائِهِ،

۱. العَمَةُ فِي الْبَصِيرَةِ كَالْعَمَى فِي الْبَصَرِ (النهاية: ج ۳ ص ۳۰۴ «عمه»).

۲. بحار الأنوار: ج ۳ ص ۹۰ نقلاً عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.

۳. غرر الحكم: ج ۸۸۵۵.

۴. لِقِنًا غَيْرَ مَأْمُونٍ: أَي فَهْمًا غَيْرَ نِقَّةٍ (النهاية: ج ۴ ص ۲۶۶ «لقن»).

أَوْ مُنْقَاداً لِحَمَلَةِ الْحَقِّ، لَا بَصِيرَةَ لَهُ فِي أَحْنَائِهِ، يَنْقَدِحُ الشَّكُّ فِي قَلْبِهِ لِأَوَّلِ عَارِضٍ مِنْ شُبْهَةٍ، أَلَا لَا ذَا وَلَا ذَاكَ، أَوْ مَنُهِوْماً بِاللَّذَّةِ سَلِسَ الْقِيَادِ لِلشَّهْوَةِ، أَوْ مُعْرَماً بِالْجَمْعِ وَالْإِدْخَارِ، لَيْسَا مِنْ رِعَاةِ الدِّينِ فِي شَيْءٍ، أَقْرَبُ شَيْءٍ شَبَّهًا بِهِمَا الْأَنْعَامُ السَّائِمَةُ، كَذَلِكَ يَمُوتُ الْعِلْمُ بِمَوْتِ حَامِلِيهِ.^۱

۶۵۶۷۰. امام علی علیه السلام - از گفتار ایشان به کمیل بن زیاد نَخَعی - : هان! در این جا (با دستش به سینه‌اش اشاره فرمود) دانش فراوانی است. کاش برای آن، فراگیرندگانی می‌یافتیم! البته تیزهوشانی یافته‌ام؛ لیکن امین و مورد اعتماد نیستند؛ زیرا ابزارهای دین را برای دنیا به کار می‌گیرند و نعمت‌های خدا را، وسیله تسلط و برتری بر بندگان او قرار می‌دهند و حجت‌هایش را دستاویز چیره آمدن بر دوستانش. یا [گروه دیگری را یافته‌ام که] در برابر حاملان حق، فرمان‌بردارند؛ اما به پیچ و خم‌های حق، بصیرت ندارند و با اولین شُبْه‌ای که برایشان پیش می‌آید، آتش تردید در دل‌هایشان، برافروخته می‌شود. هان! نه این [گروه] و نه آن [گروه، صلاحیت برخوردار از دانش مرا ندارند]. گروهی هم هستند که گرسنه لذت‌هایند و رام شهوت‌ها. جماعتی هم شیفته گردآوردن مال و اندوختن ثروت‌اند. این دو گروه، به هیچ رو، دین‌نگهدار نیستند. مانندترین چیز به اینان، حیوانات چرنده‌اند. چنین است که با مرگ دانشمندان، دانش نیز می‌میرد.

ب - الضَّلَالَةُ ب - گمراهی

الكتاب (قرآن)

﴿وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمَىٰ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ﴾^۲

﴿وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾^۳

﴿وَتَقَلَّبُ أَعْيُنَهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَدَّرَهُمْ فِي طُعْنِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾^۱

۱. نهج البلاغة: الحكمة ۱۴۷، کمال الدین: ص ۲۹۱ ح ۲، تحف العقول: ص ۱۷۰ کلاهما نحوه، خصائص الأئمة عليهم

السلام: ص ۱۰۵ کلها عن کمیل بن زیاد، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۷۶ ح ۴۶.

۲. یونس: ۴۳.

۳. یس: ۹.

و از آنان، کسی است که به سوی تو می‌نگرد. آیا تو نابینایان را - هر چند نبینند - هدایت توانی کرد؟.

و ما فرا سوی آنان، سدّی و پشت سرشان، سدّی نهاده، پرده‌ای بر [چشمان] آنان، فرو گسترده‌ایم. در نتیجه، نمی‌بینند.

و دل‌ها و دیدگان‌شان را بر می‌گردانیم. [در نتیجه، به آیات ما ایمان نمی‌آورند]، چنان که نخستین بار، به آن ایمان نیاوردند، و آنان را رها می‌کنیم تا در طغیان‌شان، سرگردان بمانند.

الحديث (حدیث)

۱۳۷. الإمام الباقر عليه السلام - في قوله تعالى «وَتَقَلَّبُ أَدْبَارَهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ» - :

تَنكُسُ قُلُوبَهُمْ فَيَكُونُ أَسْفَلَ قُلُوبِهِمْ أَعْلَاهَا، وَنُعْمَى أَبْصَارَهُمْ فَلَا يُبْصِرُونَ الْهُدَى.^۲

۶۵۶۷۱. امام باقر علیه السلام - در باره این سخن خداوند متعال: «و دل‌ها و دیدگان‌شان را بر می‌گردانیم» - : [یعنی] دل‌هایشان را وارونه می‌سازیم، آن سان که پایین دل‌هایشان، بالا قرار می‌گیرد، و دیدگان‌شان را کور می‌کنیم، چنان که راه درست را نمی‌بینند.

۱۳۸. تفسیر القمّی: فی روایةِ أبی الجارودِ عن أبی جعفرِ علیه السلام فی قوله: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَعْشَيْنَهُمْ﴾ يقول: فَأَعْمَيْنَاهُمْ ﴿فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾ الْهُدَى، أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ وَقُلُوبَهُمْ فَأَعْمَاهُمْ عَنِ الْهُدَى.

نَزَلَتْ فِي أَبِي جَهْلٍ بْنِ هِشَامٍ وَنَفَرٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَذَلِكَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَامَ يُصَلِّي، وَقَدْ حَلَفَ أَبُو جَهْلٍ لَئِنْ رَأَهُ يُصَلِّي لَيَدْمَعَنَّ^۳، فَجَاءَ وَمَعَهُ حَجَرٌ وَالنَّبِيُّ قَائِمٌ يُصَلِّي، فَجَعَلَ كُلَّمَا رَفَعَ الْحَجَرَ لِيَرْمِيَهُ أَثَبَتَ اللَّهُ يَدَهُ إِلَى عُنُقِهِ وَلَا يَدُورُ الْحَجَرُ بِيَدِهِ، فَلَمَّا رَجَعَ إِلَى أَصْحَابِهِ سَقَطَ الْحَجَرُ مِنْ يَدِهِ، ثُمَّ قَامَ رَجُلٌ آخَرٌ وَهُوَ مِنْ رَهْطِهِ أَيْضًا فَقَالَ:

أَنَا أَقْتَلُهُ، فَلَمَّا دَنَا مِنْهُ فَجَعَلَ يَسْمَعُ قِرَاءَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَرَعِبَ فَرَجَعَ

۱. الأنعام: ۱۱۰.

۲. تفسیر القمّی: ج ۱ ص ۲۱۳ عن أبی الجارود، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۱۹۷ ح ۱۲.

۳. دَمَعَهُ: أي شَجَّهُ بحيث يبلغ الدماغ فيهلكه (مجمع البحرين: ج ۱ ص ۶۱۰ «دمع»).

إِلَى أَصْحَابِهِ، فَقَالَ: حَالٌ بَيْنِي وَبَيْنَهُ كَهَيْئَةِ الْعِجْلِ يَخْطِرُ بِذَنْبِهِ فَخِفْتُ أَنْ أَتَقَدَّمَ.^۱

۶۵۶۷۲. تفسیر القمی: - در روایت ابو جارد، از امام باقر علیه السلام در باره آیه شریف «و ما فرا سوی آنان، سدّی و پشت سرشان، سدّی نهاده، پرده‌ای بر [چشمان] آنان، فرو گسترده‌ایم» - : آنها را کور کردیم «در نتیجه، نمی‌بینند راه درست را. خدا، گوش و چشم و دل آنها را گرفت و از دیدن راه درست و هدایت، نابینایشان کرد.

این آیه، در باره ابو جهل بن هشام و چند نفر از خانواده‌اش نازل شد. علتش آن بود که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز ایستاد. ابو جهل که سوگند یاد کرده بود اگر ایشان را در حال نماز خواندن ببیند، مغزش را متلاشی خواهد کرد، لذا سنگی برداشت و آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول نماز خواندن بود. هر بار که او سنگ را بلند می‌کرد تا به ایشان بزند، خداوند، دست او را در هوا، نگه می‌داشت و سنگ در دستش نمی‌چرخید. چون نزد دوستانش باز گشت، سنگ از دستش افتاد. مرد دیگری - که وی نیز از گروه او بود - برخاست و گفت: من، او را می‌گشتم.

چون نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله شد، صدای قرائت [قرآن] پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را شنید. دچار وحشت شد و نزد دوستانش برگشت و گفت: یک چیز گوساله‌مانندی، میان من و او حائل شد که دُمش را تکان می‌داد و من، ترسیدم که جلوتر بروم.

۱۳۹. الإمام علی علیه السلام: إِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ، فَأَمَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَضِيَاؤُهُمْ فِيهَا الْيَقِينُ، وَدَلِيلُهُمْ سَمْتُ الْهُدَى، وَأَمَّا أَعْدَاءُ اللَّهِ فَدَعَاؤُهُمْ إِلَيْهَا الضَّلَالُ وَدَلِيلُهُمُ الْعَمَى.^۲

۶۵۶۷۳. امام علی علیه السلام: شُبُهَه، به این دلیل شُبُهَه نامیده شده که [در ظاهر،] شبیه حق است. اما دوستان خدا، چراغ راهشان در [تاریکی‌های] شُبُهَه، یقین است و راه‌نمایشان، راه راست؛ ولی دشمنان خدا، انگیزه‌شان برای شُبُهَه، گم‌راهی است و راه‌نمایشان، کوری [و بی‌بصیرتی].

۱. تفسیر القمی: ج ۲ ص ۲۱۲ عن أبي الجارود، بحار الأنوار: ج ۱۸ ص ۵۲ ح ۶ وراجع: مجمع البيان: ج ۸ ص ۶۵۲.

۲. غرر الحکم: ح ۳۹۰۹.

۱۴۰. الإمام الصادق عليه السلام: العاملُ على غير بصيرةٍ كالسائرِ على غير الطريقِ، لا يزيدُهُ سرعةُ السيرِ إلّا بعداً.^۱

۶۵۶۷۴. امام صادق عليه السلام: کسی که بدون بینش عمل کند، همچون کسی است که در بیراهه می‌رود. چنین کسی، هر چه تندتر برود، از راه دورتر می‌شود.

ج - الرياءُ

۱۴۱. الإمام عليّ عليه السلام - في جوابِ زيدِ بنِ صوحانِ العبديّ لما سأله عن أعمى الخلقِ - : أذى عميلٍ لغيرِ اللهِ يطلبُ بعملِهِ الثَّوابَ من عندِ اللهِ.^۲

۶۵۶۷۵. امام علی علیه السلام - در پاسخ به زید بن صوحان عبیدی که پرسید: کورترین خلق، چه کسی است؟ - : کسی که برای غیر خدا، کار کند و برای کارش از خداوند پاداش بخواهد.

د - بُغضُ أهلِ البيتِ عليهم السلام

۱۴۲. الإمام عليّ عليه السلام: أشدُّ العمى من عميَ عن فضلنا، وناصبنا العداوةَ بلا ذنبٍ سبقَ إليه منّا، إلّا أنا دعونا إلى الحقِّ ودعاهُ من سوانا إلى الفتنَةِ والدُّنيا.^۳

۶۵۶۷۶. امام علی علیه السلام: کورترین مردم، کسی است که از دیدن برتری ما، کور باشد و بدون آن که گناهی در حق او کرده باشیم، با ما دشمنی ورزد. تنها گناهمان، این است که ما او را به حق، دعوت کرده‌ایم، در حالی که دیگران، او را به سوی فتنه و دنیا، فرا خوانده‌اند.

ه - ندامَةُ يومِ القيامةِ

۱. الكافي: ج ۱ ص ۴۳ ح ۱، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۴ ص ۴۰۱ ح ۵۸۶۴، الأملی للصدوق: ص ۵۰۷ ح ۷۰۵
كلها عن طلحة بن زيد، مستطرفات السرائر: ص ۱۲۰ ح ۴ والثلاثة الأخيرة بزيادة «من الطريق» بعد «السير»، كنز
الفوائد: ج ۲ ص ۱۰۹، بحار الأنوار: ج ۱ ص ۲۰۶ ح ۱.
۲. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۴ ص ۳۸۳ ح ۵۸۳۳، معاني الأخبار: ص ۱۹۹ ح ۴ كلاهما عن عبد الله بن بكر
المرادي عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الأملی للصدوق: ص ۴۷۹ ح ۶۴۴، الأملی للطوسي: ص ۴۳۶ ح
۹۷۴ كلاهما عن عبد الله بن بكر المرادي عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عن الإمام زين العابدين عنه عليهم
السلام، بحار الأنوار: ج ۷ ص ۳۷۸ ح ۱؛ دستور معالم الحكم: ص ۸۵.
۳. الخصال: ص ۶۳۲ ح ۱۰ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم، غرر الحكم: ح ۳۲۹۶، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۲۴
ح ۲۸۲۸، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۱۱۱ ح ۱.

الکتاب (قرآن)

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ﴾^۱

﴿وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾^۲

کاش هنگامی را که مجرمان، نزد پروردگارشان، سرهاشان را به زیر افکنده‌اند، می‌دیدى [که مى‌گویند]: پروردگارا! دیدیم و شنیدیم. ما را باز گردان تا کار شایسته انجام دهیم؛ چرا که ما، یقین داریم.

و کسی که در این [زندگی دنیا]، کور باشد، در آخرت نیز کور و گمراه‌تر است.

الحديث (حدیث)

۱۴۳. الکافی عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام - فى قولِ اللَّهِ: ﴿وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى﴾^۳ - : يعنى أعمى البصرِ فى الآخرة، أعمى القلبِ فى الدنيا عن ولاية أمير المؤمنين عليه السلام، قال: وهو متحيرٌ فى القيامة يقول: ﴿لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا﴾ قال: الآياتُ الأئمةُ ﴿فَنَسِيَتْهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسى﴾^۴ يعنى تركتها وكذلك اليومَ تُتركُ فى النارِ كما تركت الأئمةَ عليهم السلام، فلم تطع أمرهم ولم تسمع قولهم.^۵

۶۵۶۷۷. الکافی - به نقل از ابو بصیر، از امام صادق علیه السلام - در باره سخن خداوند که: «و روز قیامت، او را کور محشور می‌کنیم» - : یعنی در آخرت، کور چشم، در دنیا، کور دل از [دیدن] ولایت امیر مؤمنان علیه السلام. چنین کسی، در قیامت، حیرت‌زده می‌گوید: «چرا مرا

۱. السجدة: ۱۲.

۲. الإسراء: ۷۲.

۳. طه: ۱۲۴.

۴. طه: ۱۲۵ و ۱۲۶.

۵. الکافی: ج ۱ ص ۴۳۵ ح ۹۲، المناقب لابن شهر آشوب: ج ۳ ص ۹۷، تأویل الآيات: ج ۱ ص ۳۲۱ ح ۲۱، بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۳۴۸ ح ۶۰.

کور محشور کردی، در حالی که من، بینا بودم؟ [خداوند] می‌فرماید: «همان‌طور که نشانه‌های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی»».

مراد از نشانه‌ها، امامان است. «و آن را به فراموشی سپردی، امروز، همان گونه فراموش می‌شوی»؛ یعنی تو آن نشانه‌ها را رها کردی و امروز، تو نیز در آتش، رها می‌شوی، چنان که امامان علیهم‌السلام را رها کردی و از فرمانشان، اطاعت نمودی و به سخنانشان، گوش نکردی.

الفصل الثامن: موانع البصيرة

فصل هشتم: موانع بصیرت

إِتِّبَاعُ الْهَوَىٰ پيروي از هوای نفس

الكتاب (قرآن)

﴿فَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ
عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾^١

پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده است و خدا، او را دانسته، گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش، مهر زده و بر دیده‌اش، پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا، چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی‌گیرید؟»

الحديث (حدیث)

١٤٤. الإمام علي عليه السلام: الهوى شريك العمى.^٢

٦٥٦٧٨. امام علی علیه السلام: هوس، شریک کوردلی است.

١٤٥. عنه عليه السلام: من ركب الهوى، أدرک العمى.^٣

٦٥٦٧٩. امام علی علیه السلام: کسی که بر [مَرکب] هوس بشیند، به کوری می‌رسد.

١. الجانية: ٢٣.

٢. نهج البلاغة: الكتاب ٣١، تحف العقول: ص ٨٣، غرر الحكم: ح ٥٨٠، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٣٠ ح ٢؛ دستور

معالم الحكم: ص ٢٠، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٨١ ح ٤٤٢١٥ نقلًا عن وكيع والعسکری فی المواعظ.

٣. غرر الحكم: ح ٨٣٥٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٥ ح ٨٢٠٧.

۱۴۶. عنه عليه السلام: أوصيكم بمُجانبةِ الهوى؛ فإنَّ الهوى يدعو إلى العمى، وهو الضلالُ في الآخرةِ والدُّنيا^۱

۶۵۶۸۰. امام علی علیه السلام: شما را به دوری گزیدن از هوای نفس، سفارش می‌کنم؛ چرا که هوای نفس، به کوری [- دل و بینش] فرا می‌خواند و آن، [باعث] گم‌راهی در آخرت و دنیاست.

۱۴۷. عنه عليه السلام: إذا أَبْصَرَتِ الْعَيْنُ الشَّهْوَةَ عَمِيَ الْقَلْبُ عَنِ الْعَاقِبَةِ^۲.
۶۵۶۸۱. امام علی علیه السلام: هر گاه چشم، شهوت‌بین شود، دل از دیدن عاقبت، کور می‌گردد.

راجع: موسوعة میزان الحکمة: ج ۳ (الأكل / كثرة الأكل / مضار النهم الباطنية / حجاب الفطنة وظلمة القلب).

الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا گرایش به دنیا

۱۴۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ يَرْغَبُ فِي الدُّنْيَا فَطَالَ فِيهَا أَمَلُهُ، أَعَمَّى اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَى قَدْرِ رَغْبَتِهِ فِيهَا^۳

۶۵۶۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: هر که به دنیا گراید و آرزوهای دنیوی‌اش، دور و دراز گردد، خداوند به اندازه گرایش او به دنیا، دلش را کور می‌گرداند.

۱۴۹. الإمام علی عليه السلام - فِي صِفَةِ الدُّنْيَا - : مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَتَهُ، وَمَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعَمَّتَهُ^۴.

۱. دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۳۵۰ ح ۱۲۹۷ عن الإمام زين العابدين والإمام الباقر عليهما السلام.

۲. غرر الحكم: ح ۴۰۶۳.

۳. تحف العقول: ص ۶۰، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۱۶۳ ح ۱۸۷؛ تاريخ أصبهان: ج ۱ ص ۱۶۲ الرقم ۱۴۴، كنز العمال: ج ۳ ص ۲۰۹ ح ۶۱۹۴ نقلًا عن أبي عبد الرحمن السلمي في كتاب المواعظ والوصايا وكلاهما عن ابن عباس وفيهما «رغبته» بدل «أمله».

۴. نهج البلاغة: الخطبة ۸۲، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ۱۱۸، تحف العقول: ص ۲۰۱ وفيه «نظر» بدل «أبصر» في الموضوعين، مشكاة الأنوار: ص ۴۶۹ ح ۱۵۷۰، نزهة الناظر: ص ۱۰۴ ح ۱۸۵، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۱۳۳ ح ۱۳۶؛ تذكرة الخواص: ص ۱۳۶ وفيه «عمته» بدل «أعمته».

۵. قوله: «مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَتَهُ» أي مَنْ جعلها سبب هدايته ومحلّ إبصاره بعين عقله، استفاد منها البصر.

۶۵۶۸۳. امام علی علیه السلام - در توصیف دنیا - : هر که به دنیا بنگرد [و آن را آینه عبرت سازد]، دنیا او را بینا می گرداند و آن که به دنیا [به عنوان هدف] بنگرد، دنیا کورش می سازد.
 ۱۵۰. عنه علیه السلام - فی صِفَةِ أَهْلِ الدُّنْيَا - : سَلَكْتَ بِهِمُ الدُّنْيَا طَرِيقَ الْعَمَى، وَأَخَذْتَ بِأَبْصَارِهِمْ عَنِ مَنَارِ الْهُدَى، فَتَاهُوا فِي حَيْرَتِهَا، وَغَرِقُوا فِي نِعْمَتِهَا، وَأَتَّخَذُوهَا رَبًّا، فَلَعِبْتَ بِهِمْ وَلَعِبُوا بِهَا، وَنَسُوا مَا وَرَاءَهَا.^۱

۶۵۶۸۴. امام علی علیه السلام - در ویژگی دنیاطلبان - : دنیا، آنها را به کوره راه برده و دیدگانشان را از دیدن نشانه های راهیابی، فرو پوشانده است. از این رو، در حیرتکده دنیا، سرگشته اند و در نعمت های آن، غرقه. دنیا را پروردگار خویش گرفته اند. لذا دنیا، آنها را بازیچه ساخته است و آنها هم دنیا را، و فراسوی آن را از یاد برده اند.

۱۵۱. عنه علیه السلام: لِحُبِّ الدُّنْيَا صَمَّتِ الْأَسْمَاعُ عَنِ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ، وَعَمِيَتِ الْقُلُوبُ عَنِ نَوْرِ الْبَصِيرَةِ.^۲

۶۵۶۸۵. امام علی علیه السلام: به خاطر عشق به دنیاست که گوش ها، از شنیدن حکمت، کمر گشته اند و دل ها، از نور بصیرت، کور.

۱۵۲. عنه علیه السلام: إِنَّ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا بِمُحَالِ الْأَمَالِ، وَخَدَعَتْهُ بِزُورِ الْأَمَانِيِّ؛ أَوْرَثَتْهُ كَمَهَا، وَأَلْبَسَتْهُ عَمَى، وَقَطَعَتْهُ عَنِ الْأُخْرَى، وَأَوْرَدَتْهُ مَوَارِدَ الرَّدَى.^۳

۶۵۶۸۶. امام علی علیه السلام: کسی که دنیا، او را با آماں محال، فریفته و با آرزوهای دروغین، فریب داده است، میراث بی بینی برایش بر جا گذاشته و [جامه] کوری بر او پوشانده است و از آخرت، محرومش ساخته و او را به جایگاه های هلاکت و تباهی می آورد.

و «مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتْهُ» أَي مَنْ مَدَّ إِلَيْهَا بَصَرَ بَصِيرَتِهِ مَحَبَّةً لَهَا، أَعْمَتْهُ عَنِ إِدْرَاكِ أَنْوَارِ اللَّهِ تَعَالَى (مجمع البحرين: ج ۱ ص ۱۵۷ «بصر»).

۱. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱، تحف العقول: ص ۷۶ وفيه «منهج الصواب.. فتنتها «بدل» منار الهدى.. نعمتها». بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۲۲۵ ح ۲؛ كنز العمال: ج ۱۶ ص ۱۷۴ ح ۴۴۲۱۵ نقلاً عن وكيع والعسکری فی المواعظ وفيه «منهج الصواب.. فتنتها.. ربا» بدل «منار الهدى.. نعمتها.. ربا».

۲. غرر الحكم: ح ۷۳۶۳، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۰۴ ح ۶۸۴۱.

۳. الزور: الكذب والباطل (النهاية: ج ۲ ص ۳۱۸ «زور»).

۴. غرر الحكم: ح ۳۵۳۲، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۵۲ ح ۳۳۳۷ وفيه «وأكسبته عمها» بدل «وألبسته عمى».

۱۵۳. عنه عليه السلام: مَنْ غَلَبَتِ الدُّنْيَا عَلَيْهِ، عَمِيَ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ.^۱

۶۵۶۸۷. امام علی علیه السلام: کسی که دنیا بر او غالب آید، از [دیدن] آنچه فرایش اوست، کور می‌گردد.

۱۵۴. عنه عليه السلام: مَنْ قَصَرَ نَظْرَهُ عَلَى أَبْنَاءِ الدُّنْيَا، عَمِيَ عَنِ سَبِيلِ الْهُدَى.^۲

۶۵۶۸۸. امام علی علیه السلام: کسی که نگاهش به دنیاپرستان محدود گردد، از دیدن راه راست، کور می‌شود.

۱۵۵. عنه عليه السلام - فيما كتبه إلى بعض أصحابه -: اِرْفِضِ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُعَمِّي وَيُصِمُّ وَيُبْكِمُ، وَيُذِلُّ الرُّقَابَ.^۳

۶۵۶۸۹. امام علی علیه السلام - در نامه‌ای که به یکی از یارانش نوشت -: دنیا را رها کن؛ زیرا دوستی دنیا، کور و کر و لال می‌گرداند و سرافکنندگی می‌آورد.

الامل

آرزو

الكتاب (قرآن)

﴿ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾.^۴

بگذارشان تا بخورند و برخوردار شوند و آرزوها سرگرمشان کند. پس به زودی خواهند دانست.

الحدیث

۱۵۶. الإمام علی علیه السلام: اِعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ، أَنَّ الْأَمَلَ يَذْهَبُ الْعَقْلَ، وَيُكَذِّبُ الْوَعْدَ،

وَيَحُثُّ عَلَى الْغَفْلَةِ، وَيُورِثُ الْحَسْرَةَ؛ فَأَكْذِبُوا الْأَمَلَ فَإِنَّهُ غُرُورٌ، وَإِنْ صَاحِبُهُ مَأْزُورٌ.^۱

۱. غرر الحكم: ج ۸۸۵۶، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۵۷ ح ۸۲۸۱.

۲. غرر الحكم: ج ۸۸۷۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۵۸ ح ۸۲۹۵ وليس فيه «أبناء».

۳. الكافي: ج ۲ ص ۱۳۶ ح ۲۳، مشكاة الأنوار: ص ۴۶۶ ح ۱۵۵۶ كلاهما عن أبي جميلة عن الإمام الصادق عليه السلام، تنبيه الخواطر: ج ۲ ص ۱۹۵ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۷۵ ح ۳۹.

۴. الحجر: ۳.

۵. تحف العقول: ص ۱۵۲، الغارات: ج ۲ ص ۶۳۴ نحوه، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۲۹۳ ح ۲؛ الإمامة والسياسة: ج ۱

امام علی علیه السلام: بدانید، ای بندگان خدا که آرزو، خرد را می‌برد، وعده را دروغ جلوه می‌دهد، به غفلت می‌کشاند و حسرت به بار می‌آورد. پس، آرزو را باور نکنید؛ زیرا که آن، فریبنده است و آرزومند گنهکار.

۱۵۷. عنه علیه السلام: اِعْلَمُوا أَنَّ الْأَمَلَ يُسْهِى الْعَقْلَ وَيُنْسِي الذِّكْرَ؛ فَأَكْذِبُوا الْأَمَلَ فَإِنَّهُ غُرُورٌ وَصَاحِبُهُ مَغْرُورٌ.^۲

امام علی علیه السلام: بدانید که آرزو، خرد را دچار غفلت می‌سازد و فراموشی [مبدأ و مقصد] می‌آورد. پس آرزو را دروغگو دانید؛ که آرزو فریبنده است و آرزومند فریب خورده.

۱۵۸. عنه علیه السلام: أَلَا وَإِنَّ الْأَمَلَ يُسْهِى الْقَلْبَ، وَيُكْذِبُ الْوَعْدَ، وَيُكْثِرُ الْغَفْلَةَ، وَيُورِثُ الْحَسْرَةَ؛ فَأَعَزُّبُوا^۳ عَنِ الدُّنْيَا كَأَشَدِّ مَا أَنْتُمْ عَنْ شَيْءٍ تَعَزُّبُونَ.^۴

امام علی علیه السلام: بدانید که آرزو، دل را می‌کند و وعده را دروغ جلوه می‌دهد و غفلت بسیار می‌آورد و حسرت به بار می‌نشانند. پس، از دنیا دوری کنید، آن گونه که از چیزی با شدیدترین وجه، دوری می‌کنید.

۱۵۹. عنه علیه السلام: عِنْدَ غُرُورِ الْأَطْمَاعِ وَالْآمَالِ تَنْخَدِعُ عُقُولُ الْجُهَّالِ، وَتُخْتَبِرُ أَلْبَابُ الرَّجَالِ.^۵

امام علی علیه السلام: در هنگام فریبندگی آمال و آرزوهاست که خردهای نادانان، فریب می‌خورند و خردهای مردان، آزموده می‌شوند.

۱۶۰. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ سَلَطَ ثَلَاثًا عَلَى ثَلَاثٍ فَكَانَ أَعَانَ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ: مَنْ أَظْلَمَ نَوْراً تَفَكَّرَهُ بِطَوْلِ أَمَلِهِ، وَمَحَا طَرَائِفَ حِكْمَتِهِ بِفُضُولِ كَلَامِهِ، وَأَطْفَأَ نَوْراً عِبْرَتَهُ بِشَهَوَاتِ نَفْسِهِ؛ فَكَانَ أَعَانَ هَوَاهُ عَلَى هَدْمِ عَقْلِهِ، وَمَنْ هَدَمَ عَقْلَهُ أَفْسَدَ عَلَيْهِ دِينَهُ

ص ۷۰ نحوه.

۱. مأزور: أى آثم، وقياسه موزور (النهاية: ج ۵ ص ۱۷۹ «وزر»).

۲. نهج البلاغة: الخطبة ۸۶؛ الإمامة والسياسة: ج ۱ ص ۷۰، الجوهرة: ص ۸۰ كلاهما نحوه.

۳. عَزَبَ الشَّيْءُ - من باب قَعَد - يَعُدُّ وَغَاب. وَاعْزَبُ ثَمَّ اعْزَبَ عَنِ الْأَمْرِ: أى أَبْعَدَ نَفْسَكَ عَنِ الْأَمْرِ ثُمَّ أَبْعَدَ (مجمع البحرين: ج ۲ ص ۱۲۰۶ و ۱۲۰۷ «عزب»).

۴. الغارات: ج ۲ ص ۶۳۴، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۳۵ ح ۱۱۷.

۵. غرر الحكم: ح ۶۲۲۲، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۳۷ ح ۵۷۴۸.

وَدُنْيَا^۱.

امام کاظم علیه السلام: هرکس سه چیز را بر سه چیز چیره گرداند، گویا به ویران کردن خرد خویش کمک کرده است: کسی که روشنایی اندیشه‌اش را با آرزوی درازش تاریک کند؛ و کسی که تازه‌های حکمت (خرد یا دانش) خویش را با زیاده‌گویی‌هایش نابود نماید؛ و کسی که نور عبرت‌آموزی‌اش را با خواهش‌های نفسانی‌اش خاموش کند، گویا هوس خود را در ویران کردن خردش کمک رسانده است و کسی که خردش را ویران کند، دین و دنیای خود را تباه ساخته است.

۱۶۱. الإمام علی علیه السلام: الأمانی تُعمی أَعینَ البصائر^۲.

امام علی علیه السلام: آرزوها، دیدگان بصیرت را کور می‌کنند.

غفلت الغفلة

الكتاب (قرآن)

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ ءَاذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُوّٰلَئِكَ كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُوّٰلَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾^۳.

و در حقیقت، ما بسیاری از جنیان و آدمیان را برای جهنم آفریده‌ایم؛ [چرا که] دل‌هایی دارند که با آنها [حقایق را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند. آنان، همانند چارپایان‌اند؛ بلکه گمراه‌ترند. آنان همان غافلان‌اند.

الحديث (حدیث)

۱۶۲. رسول الله صلى الله عليه وآله - في خبرٍ طویلٍ -: وَأَمَّا عَلَامَةُ الْغَافِلِ فَأَرْبَعَةٌ:

العمى، والسّهو، واللّهو، والنسيان^۴.

۱. الكافي: ج ۱ ص ۱۷ ح ۱۲ عن هشام بن الحكم، تحف العقول: ص ۳۸۶، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۳۰۰ ح ۱.

۲. نهج البلاغة: الحكمة ۲۷۵، غرر الحكم: ح ۱۳۷۵، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۱۴ ح ۷۱ نقلاً عن مطالب السؤول.

۳. الأعراف: ۱۷۹.

۴. تحف العقول: ص ۲۲، بحار الأنوار: ج ۱ ص ۱۲۲ ح ۱۱.

پیامبر خداصلی الله علیه وآله - در حدیثی طولانی :- و اما نشانه غافل، چهار چیز است: کوری، اشتباه کردن، سرگرمی، و فراموشی.

۱۶۳. الإمام علی علیه السلام: دَوَامُ الْغَفْلَةِ يُعْمِي الْبَصِيرَةَ^۱.

امام علی علیه السلام: ادامه یافتن غفلت، دیده بصیرت را کور می کند.

الْحُبُّ وَالْبُغْضُ

۱۶۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَيُصِمُّ^۲.

پیامبر خداصلی الله علیه وآله: عشق تو به یک چیز، [تورا] کور و کرمی کند.

۱۶۵. الإمام علی علیه السلام: مَنْ عَشِقَ شَيْئاً أَعشى^۳ بَصْرَهُ وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ، فَهُوَ يَنْظُرُ بَعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِحَةٍ، وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ، قَدْ خَرَقَتْ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ، وَأَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ، وَوَلَّهَتْ عَلَيْهَا نَفْسَهُ، فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا وَلِمَنْ فِي يَدَيْهِ شَيْءٌ مِنْهَا، حَيْثُمَا زَالَتْ زَالَ إِلَيْهَا، وَحَيْثُمَا أَقْبَلَتْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهَا^۴.

امام علی علیه السلام: هر که عاشق چیزی شود، آن چیز، دیده اش را کور و دلش را بیمار می کند. چنین کسی با دیده ای ناسالم می نگردد و با گوشی ناشنوا می شنود. شهوت ها، خردش را از هم گسیخته و دنیا، دلش را میرانده و جاننش، شیفته آن گشته است. بنا بر این، بنده دنیا و بنده دنیاداران است، هر جا دنیا برود، او نیز می رود و به هر سو که دنیا رو کند، او بدان رو می کند.

۱۶۶. عنه علیه السلام: عَيْنُ الْمُحِبِّ عَمِيَّةٌ عَنِ مَعَايِبِ الْمَحْبُوبِ، وَأُذُنُهُ صَمَاءٌ عَنِ قُبْحِ

مَسَاوِيهِ^۵.

۱. غرر الحكم: ح ۵۱۴۶، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۵۰ ح ۴۶۸۴.

۲. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۴ ص ۳۸۰ ح ۵۸۱۴، المجازات النبوية: ص ۱۷۱ ح ۱۳۸، عوالي اللآلي: ج ۱ ص ۱۲۴ ح ۵۷ عن أبي الدرداء، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۱۶۵ ح ۲؛ سنن أبي داود: ج ۴ ص ۳۳۴ ح ۵۱۳۰، مسند ابن حنبل: ج ۸ ص ۱۶۳ ح ۲۱۷۵۲، التاريخ الكبير: ج ۳ ص ۱۷۲ الرقم ۵۸۴ كَلَهَا عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج ۱۶ ص ۴۴۱۰۴ ح ۱۱۵.

۳. أعشاه: أعماه (هامش المصدر).

۴. نهج البلاغة: الخطبة ۱۰۹.

۵. غرر الحكم: ح ۶۳۱۴، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۴۰ ح ۵۸۰۷ وفيه «عمياء عن عيب» بدل «عمية عن معاييب».

امام علی علیه السلام: دیده عاشق، از دیدن عیب‌های معشوق، کور است و گوش او، از شنیدن زشتی معایش، کور.

تَرَكَ الْعَمَلَ بِالْعِلْمِ

۱۶۷. رسول الله صلی الله علیه وآله: مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَلَمْ يَعْمَلْ بِمَا فِيهِ، حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى.^۱

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: هر کس علم بیاموزد و به آن عمل نکند، خداوند در روز قیامت، او را کور محشور می‌کند.

اللَّجَاجُ

﴿الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ * أُولَئِكَ لَمْ يَكُنُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضَعِّفُ لَهُمُ الْعَذَابَ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ﴾^۲

همانان که [مردم را] از راه خدا، باز می‌دارند و آن را کج می‌شمارند و خود، به آخرت، باور ندارند. آنان در زمین، درمانده‌کنندگان [خدا] نیستند و جز خدا، دوستانی برای ایشان نیست. عذاب برای آنان، دوچندان می‌شود. آنان، توان شنیدن [حق را] نداشتند و [آن را] نمی‌دیدند.

تِلْكَ الْخِصَالُ

این خصلت‌ها

الکتاب (قرآن)

﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ﴾^۳

۱. مکارم الأخلاق: ج ۲ ص ۳۴۸ ح ۲۶۶۰ عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۱۰۰ ح ۱.

۲. هود: ۱۹ و ۲۰.

۳. محمد: ۲۲ و ۲۳.

پس [ای منافقان!] آیا امید بستید که چون [از خدا] برگشتید (/ حاکمیت یافتید)، در زمین فساد کنید و خویشاوندی‌های خود را از هم بگسلید؟ اینان، همان کسانی‌اند که خدا، آنان را لعنت کرده و ایشان را ناشنوا و چشم‌هایشان را نابینا کرده است.»

الحدیث (حدیث)

۱۶۸. رسول الله صلی الله علیه وآله: إِذَا ظَهَرَ الْعِلْمُ وَاحْتَرَزَ الْعَمَلُ، وَاتَّخَذَتِ الْأَلْسُنُ وَاخْتَلَفَتِ الْقُلُوبُ، وَتَقَاطَعَتِ الْأَرْحَامُ، هُنَالِكَ «لَعْنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ»^۱

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: هر گاه علم آشکار شود و از عمل، دوری شود و زبان‌ها با هم شوند و دل‌ها از هم جدا گردند و پیوندهای خویشاوندی بگسلند، این جاست که «خدا، آنان را لعنت می‌کند و ناشنویشان می‌گرداند و چشم‌هایشان را نابینا می‌سازد».

۱۶۹. عنه صلی الله علیه وآله: لَوْلَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ عَلَى قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَى الْمَلَكَوتِ.^۲

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: اگر نبود این که شیاطین، پیرامون دل‌های آدمیان پَرسه می‌زنند، هر آینه، انسان‌ها ملکوت را می‌دیدند.

۱۷۰. الإمام علی علیه السلام: الْأَمَانِيُّ تَعْمَى أَعْيُنَ الْبَصَائِرِ.^۳

امام علی علیه السلام: آرزوها، چشم‌های بصیرت را کور می‌کنند.

۱۷۱. عنه علیه السلام: مَنْ نَسِيَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ، أَنْسَاهُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَأَعْمَى قَلْبَهُ.^۴

امام علی علیه السلام: هر کس خدای سبحان را از یاد ببرد، خداوند، خودش را از یادش می‌برد و دلش را کور می‌گرداند.

۱۷۲. عنه علیه السلام: مَا أَعْمَى النَّفْسَ الطَّامِعَةَ عَنِ الْعُقْبَى الْفَاجِعَةِ.^۱

۱. ثواب الأعمال: ص ۲۸۹ ح ۱ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، روضة الواعظين: ص ۴۵۸، مشكاة الأنوار: ص ۱۵۷ ح ۳۹۳ و ص ۲۲۱ ح ۶۱۳، منية المرید: ص ۳۳۴ کلها نحوه، بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۹۶ ح ۲۷؛ المعجم الكبير: ج ۶ ص ۲۶۳ ح ۶۱۷۰، المعجم الأوسط: ج ۲ ص ۱۶۱ ح ۱۵۷۸، حلیة الأولیاء: ج ۳ ص ۱۰۹ الرقم ۲۲۷ کلها عن سلمان، تفسیر ابن کثیر: ج ۷ ص ۳۰۳ کلها نحوه، کنز العمال: ج ۹ ص ۲۳ ح ۲۴۷۴۰.
۲. عوالی اللالی: ج ۴ ص ۱۱۳ ح ۱۷۴، بحار الأنوار: ج ۷۰ ص ۵۹ ح ۳۹.
۳. نهج البلاغة: الحکمة ۲۷۵، غرر الحکم: ح ۱۳۷۵، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۱۷۰ ح ۷.
۴. غرر الحکم: ح ۸۸۷۵، عیون الحکم والمواعظ: ص ۴۵۸ ح ۸۳۰۰.

امام علی علیه السلام: چه کور است نَفْس طمع‌ورز از دیدن فرجام دردآور [طمع]!

۱۷۳. عنه علیه السلام: مَنْ اسْتَهْدَى الْغَاوِيَّ، عَمِيَ عَنِ نَهْجِ الْهُدَى.^۳

امام علی علیه السلام: هر که از گم‌راه، راه‌نمایی جوید، راه راست را نمی‌بیند.

۱۷۴. عنه علیه السلام: إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَإِقْبَالًَ وَإِدْبَاراً، فَاتَّوَهَا مِنْ قِبَلِ شَهْوَتِهَا وَإِقْبَالِهَا، فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أَكْرَهَ عَمِيَ.^۴

امام علی علیه السلام: همانا دل‌ها را خواهش و روی آوردن و روی گردانی ای است. پس هر گاه خواستند و روی آوردند، آنها را به کار گیرید؛ چه آن که دل، اگر [به کاری] مجبور گردد، کور می‌شود.

۱۷۵. عنه علیه السلام: إِذَا مَلِئَ الْبَطْنُ مِنَ الْمُبَاحِ، عَمِيَ الْقَلْبُ عَنِ الصَّلَاحِ.^۵

امام علی علیه السلام: هر گاه شکم از خوردنی‌های مباح، پُر گردد، دل از دیدن خیر و صلاح، کور می‌شود.

۱۷۶. عنه علیه السلام: مَنْ غَنِيَ عَنِ التَّجَارِبِ، عَمِيَ عَنِ الْعَوَاقِبِ.^۶

امام علی علیه السلام: هر که خود را از تجربه‌ها بی‌نیاز ببیند، فرجام‌ها را نمی‌بیند.

۱۷۷. عنه علیه السلام: إِحْذَرِ الشُّبُهَةَ وَاسْتِمَالَهَا عَلَى لُبْسَتِهَا، فَإِنَّ الْفِتْنَةَ طَالَمَا أَغْدَفَتْ جَلَابِيْبَهَا، وَأَغَشَّتِ الْأَبْصَارَ ظُلْمَتُهَا.^۷

امام علی علیه السلام: از شُبُهه و اشتباه‌افکنی‌های آن بپرهیز؛ زیرا فتنه، چندی است که پرده‌های خود را فرو هشته و تاریکی‌اش، دیده‌ها را نابینا کرده است.

۱. غرر الحکم: ح ۹۶۴۳.

۲. غاوی: أی مُضِلٌّ غیر مُرْشِد (مجمع البحرین: ج ۲ ص ۱۳۴۳ «غوی»).

۳. غرر الحکم: ح ۸۵۶۹، عیون الحکم والمواعظ: ص ۴۴۱ ح ۷۶۷۷.

۴. نهج البلاغة: الحکمة ۱۹۳، خصائص الأئمة علیهم السلام: ص ۱۱۲، نزهة الناظر: ص ۷۴ ح ۱۴۵، غرر الحکم: ح

۳۶۳۱ بزيادة «وكرهته» بعد «شهوة»، بحار الأنوار: ج ۷۰ ص ۶۱ ح ۴۱.

۵. غرر الحکم: ح ۴۱۳۹.

۶. غرر الحکم: ح ۸۶۸۰، عیون الحکم والمواعظ: ص ۴۶۱ ح ۸۳۶۹.

۷. أغدفت المرأة قناعها: أی أرسلته علی وجهها (الصالح: ج ۴ ص ۱۴۰۹ «غدف»).

۸. نهج البلاغة: الكتاب ۶۵، بحار الأنوار: ج ۳۳ ص ۱۱۸ ح ۴۱۰.

۱۷۸. عنه علیه السلام: رَبِّمَا أَخْطَأَ الْبَصِيرُ رُشْدَهُ.^۱

امام علی علیه السلام: چه بسا که بینا در دیدن راه درست خویش، خطا می کند!

۱۷۹. عنه علیه السلام: نُزُولُ الْقَدْرِ يُعْمِي الْبَصَرَ.^۲

امام علی علیه السلام: فرود آمدن تقدیر، دیده [ی بصیرت] را کور می کند.

راجع: موسوعة العقائد الإسلامية: ج ۲ (القسم السابع: موانع المعرفة).

ر.ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج ۲ ص ۵۱۷ (بخش هفتم: موانع شناخت).

۱. غرر الحکم: ح ۵۳۶۸.

۲. غرر الحکم: ح ۹۹۶۱.

منابع و ماخذ

- ٦٥٥٣٥ الاحتجاج على اهل اللجاج، أحمد بن على الطبرسى (م ٦٢٠ ق)، تحقيق: إبراهيم البهادرى ومحمد هادى به، تهران: دار الأوسه، ١٤١٣ ق، أول.
- ٦٥٥٣٦ اختيار معرفة الرجال (رجال الكشّى)، محمد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م ٤٦٠ ق)، تحقيق: السيد مهدي الرجائى، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٤ ق، أول.
- ٦٥٥٣٧ الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م ٤١٣ ق)، تحقيق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ١٤١٣ ق، أول.
- ٦٥٥٣٨ ارشاد القلوب، الحسن بن أبى الحسن الديلمى (م ٧١١ ق)، بيروت: مؤسسه الأعلمى، ١٣٩٨ ق، چهارم.
- ٦٥٥٣٩ اعلام الدين فى صفات المؤمنين، الحسن بن محمد الديلمى (م ٧١١ ق)، تحقيق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ٦٥٥٤٠ الإقبال بالأعمال الحسنة فى ما يعمل مره فى السنة، على بن موسى الحلى (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، تحقيق: جواد القيوى، قم: مكتب الإعلام الإسلامى، ١٤١٤ ق، أول.
- ٦٥٥٤١ الأمالى، محمد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م ٤٦٠ ق)، تحقيق: مؤسسه البعثه، قم: دار الثقافة، ١٤١٤ ق، أول.
- ٦٥٥٤٢ الأمالى، محمد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: مؤسسه البعثه، قم: مؤسسه البعثه، ١٤٠٧ ق، أول.
- ٦٥٥٤٣ الأمالى، محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م ٤١٣ ق)، تحقيق: حسين أستاذولى و على أكبر الغفارى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، ١٤٠٤ ق، دوم.
- ٦٥٥٤٤ بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمد باقر بن محمد تقى المجلسى (العلامة المجلسى) (م ١١١١ ق)، بيروت: مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣ ق، دوم.
- ٦٥٥٤٥ تاريخ اصبهان، أحمد بن عبد الله الإصفهانى (أبو نعيم) (م ٤٣٠ ق)، تحقيق: سيد كسروى حسن، بيروت: دار الكتب العلميه.

٦٥٥٤٦ تاريخ دمشق، على بن الحسن بن هبة الله الدمشقي (ابن عساكر) (م ٥٧١ ق)، تحقيق: على شيري، بيروت: دار الفكر، ١٤١٥ ق، أول.

٦٥٥٤٧ التاريخ الكبير، محمد بن إسماعيل البخاري (م ٢٥٦ ق)، بيروت: دار الفكر.

٦٥٥٤٨ تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة (كنز جامع الفوائد)، على الغروي الحسيني الإسترآبادي (م ٩٤٠ ق)، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي (عج)، قم: مدرسة الإمام المهدي (عج)، ١٤٠٧ ق، أول.

٦٥٥٤٩ تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه وآله، الحسن بن علي الحرّاني (ابن شعبة) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: على أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٠٤ ق، دوم.

٦٥٥٥٠ تذكرة الخواصّ تذكرة خواصّ الأئمة في خصائص الأئمة عليهم السلام، يوسف بن فرغلي (سبط ابن الجوزي) (م ٦٥٤ ق)، مقدمه: السيّد محمد صادق بحر العلوم، طهران: مكتبة نينوى الحديثة.

٦٥٥٥١ تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم)، إسماعيل بن عمر البصري الدمشقي (م ٧٧٤ ق)، تحقيق: عبد العزيز غنيم و محمد أحمد عاشور و محمد إبراهيم البنا، قاهره: دار الشعب.

٦٥٥٥٢ تفسير العياشي، محمد بن مسعود السلمى السمرقندي (العياشي) (م ٣٢٠ ق)، تحقيق: السيّد هاشم الرسولي المحلّاتي، طهران: المكتبة العلميّة، ١٣٨٠ ق، أول.

٦٥٥٥٣ تفسير القرآن العظيم مسنداً عن الرسول (تفسير ابن ابي حاتم)، عبد الرحمان بن ابي حاتم الرازي (م ٣٢٧ ق)، تحقيق: أحمد عبد الله عمّار زهراني، مدينة: مكتبة الدار، ١٤٠٨ ق، أول.

٦٥٥٥٤ تفسير القمي، على بن إبراهيم القمي (م ٣٠٧ ق)، به كوشش: السيّد طيّب الموسوي الجزائري، نجف: مطبعة النجف الأشرف.

٦٥٥٥٥ التفسير المنسوب الى الإمام العسكري عليه السلام، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي (عج)، قم: مدرسة الإمام المهدي (عج)، ١٤٠٩ ق، أول.

٦٥٥٥٦ تنبيه الخواطر و نزّهة النواظر (مجموعة ورام)، ورام بن ابي فراس الحمدان (م ٦٠٥ ق)، بيروت: دارالتعارف و دار صعب.

٦٥٥٥٧ التوحيد، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: السيّد هاشم الحسيني الطهراني، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٣٩٨ ق، أول.

٦٥٥٥٨ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: على أكبر الغفاري، طهران: مكتبة الصدوق.

٦٥٥٥٩ جامع الأحاديث، جعفر بن أحمد القمي (ابن الرازي) (ق ٤ ق)، تحقيق: السيّد محمد الحسيني النيسابوري، مشهد: مؤسسة الطبع و النشر التابعة للحضرة الرضويّة المقدّسة، ١٤١٣ ق، أول.

٦٥٥٦٠ جامع بيان العلم و فضله، يوسف بن عبد البرّ النمرى القرطبي (م ٤٦٣ ق)، بيروت: دار الكتب

العلمية.

- ٦٥٥٦١ جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، على بن موسى الحلّي (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، تحقيق: السيد جواد القيومي، قم: مؤسسة الأفاق، ١٣٧١ ش، أول.
- ٦٥٥٦٢ الجوهرة في نسب الإمام على وآله عليهم السلام، محمد بن أبي بكر البرسي (م ٦٤٥ ق)، تحقيق: محمد التويخي، دمشق: مكتبة النوري، ١٤٠٢ ق، أول.
- ٦٥٥٦٣ حلية الأولياء و طبقات الأصفياء، أحمد بن عبد الله الأصبهاني (أبو نعيم) (م ٤٣٠ ق)، بيروت: دارالكتاب العربي، ١٣٨٧ ق، دوم.
- ٦٥٥٦٤ خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص امير المؤمنين عليه السلام)، محمد بن الحسين الموسوي (الشريف الرضي) (م ٤٠٦ ق)، تحقيق: محمد هادي الأميني، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية التابع للحضرة الرضوية المقدسة، ١٤٠٦ ق.
- ٦٥٥٦٥ الخصال، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٤ ق، چهارم.
- ٦٥٥٦٦ دانش نامه جهان اسلام، زير نظر سيد مصطفى مير سليم (ت ١٣٣٦ ق)، تحقيق: بنياد دايرة المعارف اسلامي، تهران: بنياد دايرة المعارف اسلامي، ١٣٧٥ ش، دوم.
- ٦٥٥٦٧ الدرّة الباهرة من الأصداف الطاهرة، محمد بن مكي العملي (الشهيد الأول)، مشهد: مؤسسة الطبع والنشر التابعة للحضرة الرضوية المقدسة، ١٣٦٥ ش.
- ٦٥٥٦٨ دستور معالم الحكم ومأثور مكارم الشيم، محمد بن سلامة (القاضي القضاة) (م ٤٥٤ ق)، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤٠١ ق، أول.
- ٦٥٥٦٩ دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام، النعمان بن محمد التميمي المغربي (القاضي أبو حنيفة) (م ٣٦٣ ق)، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضي، مصر: دار المعارف، ١٣٨٩ ق، سوم.
- ٦٥٥٧٠ الدعوات، سعيد بن هبة الله الراوندي (قطب الدين الراوندي) (م ٥٧٣ ق)، تحقيق: مؤسسة الإمام المهدي (عج)، قم: مؤسسة الإمام المهدي (عج)، ١٤٠٧ ق، أول.
- ٦٥٥٧١ روضة الواعظين، محمد بن الحسن القتال النيسابوري (م ٥٠٨ ق)، تحقيق: حسين الأعلمي، بيروت: مؤسسة الأعلمي، ١٤٠٦ ق، أول.
- ٦٥٥٧٢ سرّ السلسلة العلوية، سهل بن عبد الله البخاري (م ٤٣١ ق)، قم: الشريف الرضي، ١٤١٣ ق، أول.
- ٦٥٥٧٣ سنن ابي داود، سليمان بن أشعث السجستاني الأزدي (م ٢٧٥ ق)، تحقيق: محمد مجيب الدين عبد الحميد، بيروت: دار إحياء السنة النبوية.
- ٦٥٥٧٤ شعب الإيمان، أحمد بن الحسين البيهقي (م ٤٥٨ ق)، تحقيق: محمد السعيد بسيوني زغلول، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٠ ق، أول.

- ٦٥٥٧٥ الصحاح (تاج اللغة وصحاح العربية)، إسماعيل بن حمّاد الجوهري (م ٣٩٨ ق)، تحقيق: أحمد بن عبد الغفور عطار، بيروت: دار العلم للملايين، ١٤١٠ ق، چهارم.
- ٦٥٥٧٦ صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، محمّد بن أحمد بن حبان (م ٣٥٤ ق)، ترتيب: علي بن بلبان الفارسي (م ٧٣٩ ق)، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٤ ق، دوم.
- ٦٥٥٧٧ الصحيفة السجّاديّة، المنسوب إلى الإمام علي بن الحسين عليه السلام، تصحيح: علي أنصاريان، دمشق: المستشارية الثقافية للجمهورية الإسلاميّة الإيرانيّة، ١٤٠٥ ق.
- ٦٥٥٧٨ العُدّة القويّة لدفع المخاوف اليوميّة، الحسن بن يوسف الحلّي (العلامة) (م ٧٢٦ ق)، تحقيق: السيّد مهدي الرجائي، قم: مكتبة آية الله المرعشي، ١٤٠٨ ق، أوّل.
- ٦٥٥٧٩ علل الشرائع، محمّد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، بيروت: دار إحياء التراث، ١٤٠٨ ق، أوّل.
- ٦٥٥٨٠ عمدة الطالب في انساب آل أبي طالب، أحمد بن علي الحسنی (م ٨٢٨ ق)، تحقيق: محمّد حسين آل الطالقاني، قم: منشورات الشريف الرضي، ١٣٦٢ ش، دوم.
- ٦٥٥٨١ عوالي الآليّ العزيميّة في الأحاديث الدينيّة، محمّد بن علي الأحسائي (ابن أبي جمهور) (م ٩٤٠ ق)، تحقيق: مجتبي العراقي، قم: مطبعة سيّد الشهداء عليه السلام، ١٤٠٣ ق، أوّل.
- ٦٥٥٨٢ عيون اخبار الرضا عليه السلام، محمّد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: السيّد مهدي الحسيني الالاجوردي، تهران: جهان.
- ٦٥٥٨٣ عيون الحكم و المواظ، علي بن محمّد الليثي الواسطي (ق ٦ ق)، تحقيق: حسين الحسنی البيرجندی، قم: دار الحديث، ١٣٧٦ ش، أوّل.
- ٦٥٥٨٤ الغارات، إبراهيم بن محمّد (ابن هلال التقفي) (م ٢٨٣ ق)، تحقيق: مير جلال الدين المحدث الأرموي، تهران: انجمن آثار ملي، ١٣٩٥ ق، أوّل.
- ٦٥٥٨٥ غرر الحكم ودرر الكلم، عبد الواحد الأمدي التميمي (م ٥٥٠ ق) ترجمه و شرح غرر الحكم.
- ٦٥٥٨٦ الفتوح، أحمد بن أئثم الكوفي (ابن أئثم) (م ٣١٤ ق)، تحقيق: علي شيري، بيروت: دار الأضواء، ١٤١١ ق، أوّل.
- ٦٥٥٨٧ الفردوس بمأثور الخطاب، شيرويه بن شهردار الديلمي الهمداني (م ٥٠٩ ق)، تحقيق: محمّد السعيد بسيوني زغلول، بيروت: دار الكتب العلميّة، ١٤٠٦ ق، أوّل.
- ٦٥٥٨٨ فرهنگ بزرگ سخن، دكتر حسن انوري، تهران: سخن، ١٣٨١ ش، أوّل.
- ٦٥٥٨٩ فرهنگ فارسي، دكتر محمّد معين، تهران: مؤسسه انتشارات امير كبير، ١٣٧١ ش، هشتم.
- ٦٥٥٩٠ الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، تحقيق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، مشهد: المؤتمر العالمي للإمام الرضا عليه السلام.

- ٦٥٥٩١ القاموس المحيط، محمد بن يعقوب الفيروز آبادي (م ٨١٧ ق)، بيروت: دار الفكر.
- ٦٥٥٩٢ قصص الأنبياء، سعيد بن هبة الله (قطب الدين الراوندي) (م ٥٧٣ ق) تحقيق: غلامرضا عرفانيان، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية التابع لمؤسسة الأستانة الرضوية، ١٤٠٩ ق، أول.
- ٦٥٥٩٣ الكافي، محمد بن يعقوب الكليني الرازي (م ٣٢٩ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، بيروت: دار صعب و دار التعارف، ١٤٠١ ق، چهارم.
- ٦٥٥٩٤ كتاب من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، دوم.
- ٦٥٥٩٥ كشف المحجة لثمره المهجئة، علي بن موسى الحلبي (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، تحقيق: محمد الحسون، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، ١٤١٢ ق، أول.
- ٦٥٥٩٦ كمال الدين وتام النعمة، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٠٥ ق، أول.
- ٦٥٥٩٧ كنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال، علي المتقي بن حسام الدين الهندي (م ٩٧٥ ق)، تصحيح: صفوة السقا، بيروت: مكتبة التراث الإسلامي، ١٣٩٧ ق، أول.
- ٦٥٥٩٨ كنز الفوائد، محمد بن علي الكراچكي الطرابلسي (م ٤٤٩ ق)، تصحيح: عبد الله نعمة، قم: دار الذخائر، ١٤١٠ ق، أول.
- ٦٥٥٩٩ لسان العرب، محمد بن مكرم المصري الأنصاري (ابن منظور) (م ٧١١ ق)، بيروت: دار صادر، ١٤١٠ ق، أول.
- ٦٥٦٠٠ لسان العرب، ابن منظور (م ٧١١ ق)، بيروت: دار صادر، ١٤١٠ ق، أول.
- ٦٥٦٠١ لغتنامه دهخدا، علي أكبر دهخدا (م ١٣٢٤ ش)، زیر نظر: دکتر معین سید جعفر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ١٣٧٢ ش، أول از دوره جدید.
- ٦٥٦٠٢ المجازات النبوية، محمد بن الحسين الموسوي (الشریف الرضی) (م ٤٠٦ ق)، تحقيق و شرح: طه محمد الزيني، قم: مكتبة بصيرتي.
- ٦٥٦٠٣ مجمع البحرين، فخر الدين الطريحي (م ١٠٨٥ ق)، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، تهران: مكتبة نشر الثقافة الإسلامية، ١٤٠٨ ق، دوم.
- ٦٥٦٠٤ مجمع البيان في تفسير القرآن (تفسير مجمع البيان)، الفضل بن الحسن الطبرسي (أمين الإسلام) (م ٥٤٨ ق)، تحقيق: السيد هاشم الرسولي المحلاتي و السيد فضل الله اليزدي الطباطبائي، بيروت: دار المعرفة، ١٤٠٨ ق، دوم.
- ٦٥٦٠٥ المحاسن، أحمد بن محمد البرقي القمي (م ٢٨٠ ق)، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، قم: المجمع العالمي لأهل البيت عليهم السلام، ١٤١٣ ق، أول.

- ٦٥٦٠٦ مختصر بصائر الدرجات، سعد بن عبد الله بن أبي خلف الأشعري، اختصار: حسن بن سليمان الحلبي (ق٨ ق)، قم: الرسول المصطفى.
- ٦٥٦٠٧ المستدرک على الصحيحين، محمد بن عبد الله الحاكم النيسابوري (م ٤٠٥ ق)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١١ ق، أول.
- ٦٥٦٠٨ مسند احمد بن حنبل، أحمد بن محمد الشيباني (ابن حنبل) (م ٢٤١ ق)، تحقيق: عبد الله محمد الدرويش، بيروت: دار الفكر، ١٤١٤ ق، دوم.
- ٦٥٦٠٩ مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، علي بن الحسن الطبرسي (ق ٧ ق)، تحقيق: مهدي هوشمند، قم: دار الحديث، ١٤١٨ ق، أول.
- ٦٥٦١٠ مصباح الشريعة و مفتاح الحقيقة، المنسوب إلى الإمام الصادق عليه السلام، شرح: عبد الرزاق غيلاني، (م ١٠٨٩ ق)، تصحيح: جلال الدين محدث أرموي تهراني: نشر صدوق، ١٤٠٧ ق، سوم.
- ٦٥٦١١ المصباح في الأدعية والصلوات والزيارات، إبراهيم بن علي الحارثي العاملي (الكفعمي) (م ٩٠٠ ق)، قم: منشورات الشريف الرضي.
- ٦٥٦١٢ مصباح المتبجّد، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م ٤٦٠ ق)، تحقيق: علي أصغر مرواريد، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، ١٤١١ ق، أول.
- ٦٥٦١٣ المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، أحمد بن محمد الفيومي (م ٧٧٠ ق)، قم: مؤسسة دار الهجرة، ١٤١٤ ق، دوم.
- ٦٥٦١٤ مطالب السؤول في مناقب آل الرسول، محمد بن طلحة النسيبي الشافعي (م ٦٥٢ ق)، تحقيق: ماجد أحمد العطية، بيروت: مؤسسة أم القرى، ٤٢٠ ق.
- ٦٥٦١٥ معاني الأخبار، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٣٦١ ش، أول.
- ٦٥٦١٦ المعجم الأوسط، سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (م ٣٦٠ ق)، تحقيق: طارق بن عوض الله وعبد الحسن بن إبراهيم الحسيني، قاهره: دار الحرمين، ١٤١٥ ق.
- ٦٥٦١٧ المعجم الكبير، سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (م ٣٦٠ ق)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٤ ق، دوم.
- ٦٥٦١٨ معجم مقاييس اللغة، ابن فارس (م ٣٩٥ ق)، تحقيق: عبد السلام محمد هارون، مصر: مكتبة المصطفى البابي، ١٣٨٩ ق، دوم.
- ٦٥٦١٩ مفردات الفاظ القرآن، الراغب الإصفهاني (ح ٤٢٥ ق)، تحقيق: صفوان عدنان داوودي، بيروت: دار القلم، ١٤١٢ ق، أول.
- ٦٥٦٢٠ المقنع، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: مؤسسة الإمام الهادي عليه السلام، قم: مؤسسة الإمام الهادي عليه السلام، ١٤١٥ ق.

- ٦٥٦٢١ مكارم الأخلاق، الفضل بن الحسن الطبرسي (أمين الإسلام) (م ٥٤٨ ق)، تحقيق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٤ ق، أول.
- ٦٥٦٢٢ مكارم الأخلاق، عبد الله بن محمد القرشي (ابن أبي الدنيا) (م ٢٨١ ق)، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٩ ق.
- ٦٥٦٢٣ مناقب آل أبي طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، محمد بن علي المازندراني (ابن شهر آشوب) (م ٥٨٨ ق)، قم: المطبعة العلمية.
- ٦٥٦٢٤ منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، قطب الدين الراوندي (م ٥٧٣ ق)، تحقيق: عبد اللطيف كوهكمري، قم: كتابخانه آية الله مرعشي، ١٤٠٦ ق، أول.
- ٦٥٦٢٥ منية المرید في ادب المفيد و المستفيد، زين الدين بن علي العاملي (الشهيد الثاني) (م ٩٦٥ ق) قم: مكتب الإعلام الإسلامي، ١٤١٥ ق.
- ٦٥٦٢٦ موسوعة العقائد الإسلامية، محمد ري شهري، قم: دار الحديث، ١٤٢٥ ق.
- ٦٥٦٢٧ مهج الدعوات و منهج العبادات، علي بن موسى الحلبي (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، تحقيق: حسين الأعلمي، بيروت: مؤسسة الأعلمي، ١٤١٤ ق، أول.
- ٦٥٦٢٨ زهة الناظر و تنبيه الخواطر، الحسين بن محمد الخلواني (ق ٥ ق) تحقيق: مؤسسة الإمام المهدي (عج)، قم: مؤسسة الإمام المهدي (عج)، ١٤٠٨ ق، أول.
- ٦٥٦٢٩ فضل الله بن علي الحسنی الراوندي (م ٥٧١ ق)، تحقيق: سعيد رضا علي عسكري، قم: دار الحديث، ١٣٧٧ ش، أول.
- ٦٥٦٣٠ نوارد الأصول في معرفة احاديث الرسول، محمد بن علي الترمذي (الحكيم الترمذي) (م ٣٢٠ ق)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٣ ق، أول.
- ٦٥٦٣١ النوارد (مستطرفات السرائر)، محمد بن أحمد بن إدريس الحلبي (ابن إدريس) (م ٥٩٨ ق)، تحقيق: مؤسسة الإمام المهدي (عج)، قم: مدرسة الإمام المهدي (عج) ١٤٠٨ ق، أول.
- ٦٥٦٣٢ النهاية في غريب الحديث و الأثر، مبارك بن محمد الجزري (ابن الأثير) (م ٦٠٦ ق)، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي، قم: مؤسسة إسماعيليان، ١٣٦٧ ش، چهارم.
- ٦٥٦٣٣ النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م ٤٦٠ ق)، بيروت: دار الكتاب العربي، ١٣٩٠ ق.
- ٦٥٦٣٤ نهج البلاغة من كلام الإمام أمير المؤمنين عليه السلام، جمع و تدوين: السيد محمد بن الحسين الموسوي (الشريف الرضي) (م ٤٠٦ ق). تصحيح: محمد عبده، بيروت: مؤسسة الأعلمي.
- ٦٥٦٣٥ وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن الحسن الحر العاملي (م ١١٠٤ ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ١٤٠٩ ق، أول.